

بیانات در مراسم بیعت وزیر کشور و استانداران سراسر کشور / ۱۳۴۸/۰۳/۱۹

من حادثه‌ی جانگداز رحلت امام عظیم‌الشان را بسیار بزرگ می‌دانم. این‌که شما دیدید خیرگزاریه‌های خارجی و تحلیل‌گرهای سیاسی، در روز اول فقدان امام پیش‌بینی کردند که همه چیز تمام شد، ناشی از یک کار تبلیغاتی محض نبود؛ بلکه آنها براساس معیارهای خود محاسبه کرده بودند و این نتیجه را گرفته بودند. آنها حقایق موجود در جامعه‌ی ما را نمی‌بینند و ایمان و شهادت‌طلبی و ارتباط معنوی بین مردم و مسوولان و دشمن‌شناسی و دشمنی ملت ایران نسبت به استکبار را مشاهده نمی‌کنند. من هم حقیقتاً معتقدم اگر بخواهیم این فقدان را از دریچه‌ی محدود مادی ارزیابی کنیم و از برکات الهی و معجزاتی که همیشه به ما کمک رسانده و انقلاب را به پیش برده است، چشم‌پوشیم و توکل به خدا و ایمان به او را نادیده بگیریم، باید همان‌گونه قضاوت کنیم.

بیانات در مراسم بیعت ائتشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۰۲

دو دسته از مردم، نفوذ دشمن را تسهیل می‌کنند: دسته‌ی اول، مغرضها و کسانی که با اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و روحانیت و حاکمیت ارزشهای اسلامی مخالفند - البته اینها بسیار کم هستند ولی بی‌اثر نیستند - و دسته‌ی دوم کسانی هستند که غرض ندارند، اما غافل و ناآگاه و بازی‌خورده‌ی دست مغرضها هستند. دسته‌ی دوم را باید آگاه کرد و نسبت به دسته‌ی اول، مسوولان بخشهای مختلف کشور تصمیم‌گیری می‌کنند.

این‌طور نیست که هرکسی ما را قبول نداشته باشد، ما با او با شدت عمل برخورد کنیم. روش ما این است که با قدرت و تدبیر و بدون عصبانیت برخورد کنیم. ما باید با روش درست و اداره‌ی صحیح، دشمن را - اگر با انصاف باشد - به دوست تبدیل کنیم. البته بعضیها غرض‌ورزی و توطئه و شتمات می‌کنند، که طبیعی است نظام جمهوری اسلامی با اینها برخورد قوی خواهد کرد.

بنابراین، وظیفه‌ی مردم مومن - خصوصاً جوانان - این است که اولاً مغرضان را بشناسند و آنها را با آدم خیرخواه اشتباه نگیرند؛ ثانیاً افراد غافل را آگاه کنند و راه را به آنها نشان دهند. شما جوانها که روحیه و نشاط و توان بالایی دارید، باید مسوولیت بیشتری را بر دوش خود احساس کنید. آگاه کردن مردم، هوشیار بودن و دشمن را در هر چهره و لباسی شناختن، اساسیترین تکلیف ماست.

بیانات در مراسم بیعت ائتشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۱۹

برادران و خواهران! این وحدت کلمه و محبت و الفت را حفظ کنید. شما بحمدالله ملت با رشدی هستید. شاید کمتر ملتی در دنیا پیدا شود که در مجموع از لحاظ رشد سیاسی، مثل ملت ما باشد. راههای از بین بردن وحدت و چگونگی ورود دشمن را بشناسید و با آن مقابله کنید. حضور در صحنه‌های انقلاب و حمایت از نظام و احساس صاحب انقلاب و کشور بودن را که همه‌ی ملت ما دارند، حفظ کنید؛ راز اصلی این است. اگر اینها حفظ شد - که البته به فضل الهی خواهد شد - تمام قدرتهای بزرگ و همه‌ی توطئه‌گرها و حیل‌گرهای عالم، از این‌که بتوانند به شما ضربه و خدشه وارد آورند، ناتوان و کوچکند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۴۸/۰۲/۲۳

امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود، و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمنها و دوستها اشتباه نکرد. از اول دشمنها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد، و نیز از اول دوستها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آنها منتفع شد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۴۸/۰۵/۱۱

این نکته را هم بایستی در این مجالس و محافل تذکر داد که اگر چه ما امروز بحمدالله از لحاظ سیاسی، در موضع قوتیم و دشمن - یعنی استکبار - در موضع انفعال قرار دارد؛ اما این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست. «ولن ترضی عنک الیهود والانساری حتی تتبع ملتهم». البته بر مبنای: «قل ان هدی الله هو الهدی»، جناح حق به خواست دشمن تسلیم نمی‌شود؛ ولی به‌هرحال، طبیعت دشمن را باید شناخت. ما نباید هیچ لحظه‌ی از کید دشمن غافل باشیم. این نکته را باید به مردم گفت. ما امروز در قوتیم و دشمن و استکبار جهانی، در انفعال است.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنت / ۱۳۴۸/۱۰/۰۵

برادران! از دشمن، انتظار دوستی نیست. دشمن، دشمن است. دوست است که باید چشمش را باز کند و آگاه باشد. (۱) به نظر من، شما علمای اهل سنت، امروز مسوولیت سنگین و زیادی دارید. آن مسوولیت این است که در حیطه‌ی زندگی و در آن بلدی که شما زندگی می‌کنید، خدای متعال مقرر کرده است که حاکمی به سبک اسلام در آن‌جا باشد. قبلاً این‌طور نبوده که حاکمی بر مبنای دین انتخاب شود؛ ولی الان در کشور ما این گونه است. آن چیزی را که انتخاب می‌کنند، بر مبنای دین انتخاب می‌کنند؛ نه بر مبنای امور دیگر. کشور ما کشوری است که در آن، احکام بر مبنای قرآن انتخاب می‌شود. آقایان نمایندگان که در مجلس تشریف دارند، این موارد را می‌بینند. اگر چنانچه حکمی در آن‌جا بیاید که بر خلاف احکام اسلام باشد، رد می‌شود؛ بربرگرد هم ندارد. هر چه بر خلاف فقه باشد، «فاطرحوه علی الجدار» می‌شود؛ ولو تصویب هم شده باشد.

بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه / ۱۳۴۸/۱۱/۰۷

مطلب دوم درباره‌ی تقواست. یکایک برادران سپاه باید تدین و تقوا - یعنی همان طهارت و عمل به موازین دینی - را دارا باشند. این، همان مسوولیت اصلی - یعنی علم و معرفت و آگاهی دینی - است. البته، معرفت و آگاهی دینی، شامل مسائل سیاسی هم می‌شود و منظور فقط نماز و روزه و امثال اینها نیست. دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی و جریان‌شناسی و قدرت تحلیل مسائل سیاسی، جزو همان بخش معرفت دینی و عمل است. این، وظیفه‌ی اصلی نمایندگی است و از بالا تا پایین سپاه، باید در این جریان حضور داشته باشند. البته، این جریان زیر امر فرماندهی هم نیست و اصولاً فرماندهی سپاه و حوزه‌ی نمایندگی، موازی نیستند؛ اگر چه موظف و مامور به همکاری و کمک و تایید او می‌باشد.

بیانات در دیدار مسوولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو / ۱۳۴۹/۰۱/۰۱

ما امروز، ملتی آگاهتر، هوشیارتر، کارآمدتر و مجربتر داریم و می‌توانیم پیش برویم. دشمن هم باید بداند که این ملت، آن روزی که اول کارش بود، استکبار را درست

آزمایش نکرده بود، ممکن بود تهدید و ارباب و تطمیع دشمنان جسیم و علی‌الظاهر بزرگ خود را در دنیا جدی بگیرد و فریب بخورد، آن روز از تهدید و تحبیب و تطمیع دشمنان، فریب نخورد. امروز که مجرب شده، راهی طولانی پشت سر گذاشته، آگاهیهای مضاعفی پیدا کرده، دوستان و دشمنان را در صحنه بین‌المللی، بیش از همیشه شناخته؛ به طریق اولی، گول تهدید و تطمیع دشمنان بزرگ را نخواهد خورد.

بیانات در دیدار معلمان و کارگران / ۱۳۶۹/۰۲/۱۳

الان، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه‌ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد. کم هم نیستند قلم‌به‌مزه‌ها و فرهنگیهای دین و دل و وجدان باخته و نشسته‌ی پای بساط فساد استکبار - چه غالباً و اکثراً در خارج کشور و چه تک‌توکی در داخل کشور - که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می‌کنند.

مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین‌طور است. اگر ندانید که دشمن کار می‌کند، یا از آن‌که می‌داند، فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا از او نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۲/۱۰

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابل با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از میانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان‌الله‌علیه) بر آن تاکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایبندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

چه‌قدر ساده‌لوح و سطحیند کسانی که گمان می‌کنند دشمنی آمریکا و جبهه‌ی استکبار و دارودسته‌ی وسیع صهیونیستی که اکثر خبرگزاریها و رسانه‌های خبری و تبلیغی جهان را در اختیار دارند، ناشی از آن است که جمهوری اسلامی، بموقع تلاش لازم را برای کسب دوستان انجام نداده و یا در مسائل جهانی دچار تدروی شده است. این گمان، حاکی از عدم تعمق در حوادث و جریان‌های داخلی و جهانی و عدم بصیرت در دشمن‌شناسی است.

برق‌درتها که دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب اسلامیند، هرگز علت دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به صراحت بیان نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر آمریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی دشمنی او با ایران، دشمنی با اسلام است، یک میلیارد مسلمان جهان را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت آمریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادیخواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که دلیل خصومت حیانت‌آمیزش با ایران و مسدود کردن اموال ایران و توطئه‌ی دایمیش نسبت به جمهوری اسلامی آن است که انقلاب ایران، دست او را از منابع غنی این کشور قطع کرده و جلو ادامه‌ی غارت اقتصادی ملت را که از سوی رژیم خائن پهلوی، سخاوتمندانه به امریکاییها واگذار شده بود، گرفته است، همه‌ی ملت‌های مظلوم جهان و ستمدیدگان غارت‌های استعماری، در کنار ملت ایران قرار گرفته و به مبارزه‌ی با آمریکا خواهند پیوست.

بنابراین، بسیار طبیعی و بدیهی است که آمریکا و دیگر دولت‌های جبهه‌ی استکبار و همه‌ی دارودسته‌ی خبری و تبلیغی و رسانه‌های دست‌نشانده‌ی آنان ناگزیر باشند که تمام هم خود را به تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی جهان مصروف بکنند، و گاه به نام حقوق بشر و گاه با تهمت نقض آزادی و گاه به دشنام ارتجاع و واپسگرایی و امثال آن، ملت شجاع و آگاه و آزاده‌ی ایران و نظام مترقی و انقلابی جمهوری اسلامی و مسوولان صالح و لایق آن را مورد اتهام قرار دهند و نفرت عمومی ملت ایران از سلطه‌گران مستکبر و خبیث، مخصوصاً شیطان بزرگ را بدین‌گونه تلافی کنند.

اگرچه تجربه‌ی یازده ساله‌ی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که استکبار و ارتجاع و ایادی آنان، در این ترفند نیز موفقیتی کسب نکرده و نتوانسته‌اند نام نیک و چهره‌ی روشن ملت بزرگوار ما را با این‌گونه تلاشها در جهان و بخصوص در میان توده‌های مستضعف عالم مخدوش سازند و سرمایه‌گذاری گزاف آنان در استخدام قلمها و زبانهای مزدور و به‌کارآفکنندگان صدها رسانه‌ی صوتی و تصویری و مطبوعاتی برای منزوی یا منفلع یا بد نام کردن انقلاب اسلامی، دچار خسرات شده است و هم‌اکنون علی‌رغم خواست آنان در بسیاری از مناطق عالم، ملتها با الگو ساختن حرکت نجاتبخش ملت ایران، به مبارزات مردمی با سلطه‌های شیطانی روی آورده و خواب از چشم ستمگران روده‌اند و قشرهای بیدار مسلمان در همه‌جا بخوبی تشخیص داده‌اند که علت دشمنی راس استکبار - یعنی آمریکا - و ایادی آن با ملت ایران، دشمنی آنان با اسلام است: «و ما نغموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید.

سخنرانی در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مکه مکرمه / ۱۳۶۹/۰۲/۰۶

در آن حوادث تلخ - در حادثه‌ی جنگ، در حادثه‌ی هفتم تیر، در حادثه‌ی مکه و جمعه‌ی خونین - و در حوادث گوناگون دیگر، ملت ما نشان داد که در مقابل حادثه، دلیل نشده است؛ بلکه بر حادثه سوار شد، از حادثه به عنوان یک درس استفاده کرد، و فهمید که استکبار جهانی و نفاق خبیث، تا کجا با اسلام و قرآن و حاکمیت اسلامی، معارض و مخالف است. ملت ما، در حوادث گوناگون این یازده سال، بدون استننا ایستادگی و مردانگی کرد، آگاهی نشان داد و حادثه را به سود خود تغییر داد.

سخنرانی در دیدار با مسوولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم / ۱۳۶۹/۰۵/۲۴

آنچه که مشکل است، مساله‌ی بعدی است؛ آن هم نه فهم آن - فهمش آسان است - بلکه عملش مشکل است. مساله‌ی بعدی این است که بالاخره ملتها تا کی باید وسیله‌ی برای هوسرانی اشخاص و انسانهای قدرتمند باشند؟ این نظام جهنمی سلطه‌ی بی که بر دنیا حاکم است، تا کی باید حاکم باشد؟ امروز بازی صدام با کویت است که وارد این کشور بشود و ملت عراق و ملت کویت، زیر فشار قرار بگیرند؛ فردا طور دیگری خواهد بود. دولت‌های وابسته به استکبار جهانی و آمریکا و غرب، تا کی باید بدون در نظر گرفتن مصالح ملتها، هر کاری که می‌خواهند، با ملتها خودشان بکنند؟ راه نجات چیست؟ آیا راه نجات نیست؟ راه نجات وجود دارد. راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملتها مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه‌ی استکبار را درک کنند.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و پرستاران و پرسنل نیروی دریایی ارتش / ۱۳۶۹/۰۹/۰۷

بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح - ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی - باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج،

احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند - در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه علمی، در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه - باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یک راه نمی‌آید؛ از راههای مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.

هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان می‌دهد، شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از این‌جا می‌خواهد رخنه کند. وقتی که می‌بینید دشمنان خبیث، نسبت به ملت و انقلاب و پابندی مردم به انقلاب تبلیغات می‌کنند، بدانید که دشمن از پابندی مردم به انقلاب و از حضور آنها در صحنه‌های انقلاب می‌ترسد. حضور شما در صحنه‌های انقلاب و هوشیاری و آمادگی‌تان، دشمن را مایوس خواهد کرد.

بیانات در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان / ۱۳۷۰/۰۷/۲۸

باید دید دشمن از کجا دارد حمله می‌کند. برای یک دفاع خوب، یک معرفت خوب لازم است؛ اگرچه حتی برای یک هجوم خوب هم یک معرفت خوب لازم است. اینها با همفکری و با تبادل نظر و با کار مشترک تامین می‌شود. بنابراین، هفته‌ی یک بار که شما دور هم جمع می‌شوید، اگر فراغتی به این جلسه‌ی هفتگی شما بذل شود - فقط برای مثلا رفع خستگی نباشد؛ یک آمادگی باشد و برنامه‌ریزی بشود - و همین مجمع شما کنار خودش دفتر یا دبیرخانه‌ی داشته باشد که کارها را ردیف کند، خوب است.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

دشمنان انواع و اقسامی دارند: دشمن خارجی و دشمن داخلی. گاهی در درون هم دشمن هست. دشمن داخلی - آن چهره‌ی نفاق‌آلوده - را هم باید شناخت. در مقابله‌ی با این دشمنان گوناگون، امید به شماهاست. شما هستید که باید مثل بنیان مستحکمی، در مقابل این دشمنان بایستید.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

در اوایل جنگ، گزارشهایی می‌رسید که مثلا دشمن تا فلان‌جا آمده است؛ دشمن دارد فلان‌جا را بمباران می‌کند؛ مکرر هم از طرف نیروهای حزب‌اللهی در محیطهای گوناگون انقلابی، این مطلب تکرار می‌شد. آن بنده‌ی خدایی که مسوول نیروهای مسلح بود، انکار می‌کرد و می‌گفت دروغ است؛ اصلا چه کسی می‌گوید که عراق دارد به ما حمله می‌کند؟! در بین مردم شایع شده بود که عین‌خوش را گرفته‌اند؛ او به آنجا رفت و از تلویزیون با او مصاحبه کردند؛ گفت: می‌گویند عین‌خوش را گرفته‌اند؛ من الان دارم در عین‌خوش مصاحبه می‌کنم! او از عین‌خوش بیرون آمد؛ اما سه، چهار ساعت بعد، دشمن عین‌خوش را گرفت؛ بله، دشمن بیرون عین‌خوش بود - در عین‌خوش نبود - اما این به معنای آن نبود که دشمن نیست.

این، آن چیزی نیست که مثلا از صد سال قبل بوده است. بله، از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلوده روبه‌روست، آرایش نظامی یک نوع است؛ وقتی با یک دشمن بیدار روبه‌روست، آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیر شده و مست بود؛ اصلا گاهی دشمن به او ضربه‌ی می‌زد، یک سوزن در رگش فرو می‌کرد و چیزی تزریق می‌کرد؛ تمام می‌شد می‌رفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشده‌ی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ اینها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم؛ همان «من نام لم ینم عنه» است. «ان اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه»؛ مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتما دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ او ممکن است بیدار باشد.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

این مساله‌ی «تهاجم فرهنگی» که ما بارها روی آن تاکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است؛ با انکار آن، ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. «تهاجم فرهنگی» را نباید انکار کرد؛ وجود دارد. به قول امیرالمومنین (صلوات‌الله‌علیه)، «من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمن هم در سنگر مقابل خوابش برده است. تو خوابت برده؛ سعی کن خودت را بیدار کنی. ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است؛ کمااین‌که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است.

من یاد می‌آید که در اوایل جنگ، گزارشهایی می‌رسید که مثلا دشمن تا فلان‌جا آمده است؛ دشمن دارد فلان‌جا را بمباران می‌کند؛ مکرر هم از طرف نیروهای حزب‌اللهی در محیطهای گوناگون انقلابی، این مطلب تکرار می‌شد. آن بنده‌ی خدایی که مسوول نیروهای مسلح بود، انکار می‌کرد و می‌گفت دروغ است؛ اصلا چه کسی می‌گوید که عراق دارد به ما حمله می‌کند؟! در بین مردم شایع شده بود که عین‌خوش را گرفته‌اند؛ او به آنجا رفت و از تلویزیون با او مصاحبه کردند؛ گفت: می‌گویند عین‌خوش را گرفته‌اند؛ من الان دارم در عین‌خوش مصاحبه می‌کنم! او از عین‌خوش بیرون آمد؛ اما سه، چهار ساعت بعد، دشمن عین‌خوش را گرفت؛ بله، دشمن بیرون عین‌خوش بود - در عین‌خوش نبود - اما این به معنای آن نبود که دشمن نیست. ما نیابستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتابهایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خیرش را قاعدتا شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می‌شنوید، همه‌جا یک آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد. این [تهاجم فرهنگی]، آن چیزی نیست که مثلا از صد سال قبل بوده است. بله، از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلوده روبه‌روست، آرایش نظامی یک نوع است؛ وقتی با یک دشمن بیدار روبه‌روست، آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیر شده و مست بود؛ اصلا گاهی دشمن به او ضربه‌ی می‌زد، یک سوزن در رگش فرو می‌کرد و چیزی تزریق می‌کرد؛ تمام می‌شد می‌رفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشده‌ی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ اینها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم؛ همان «من نام لم ینم عنه» است. «ان اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه»؛ (۱) مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتما دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ او ممکن است بیدار باشد.

بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۷۱/۰۲/۱۲

ممکن است کشوری در فکر پیاده کردن و زنده کردن اسلام هم باشد؛ اما اگر روح ایستادگی و انعطاف‌ناپذیری در مقابل قدرت مسلط امریکا در آن نباشد، بتدریج از اسلام هم جدایش خواهند کرد؛ یک نظام ممکن است در آغاز کار، شیرین‌ترین و براق‌ترین شعارها را هم مطرح سازد و بر اساس آن شعارها حتی حرکت را شروع کند. اما اگر روح تسلیم‌ناپذیری در مقابل فشار همه‌جانبه‌ی قدرتهای استکباری، در آن ملت، آن رهبری و آن کشور نباشد، این شعارها را، یکی یکی از دست آنها خواهند گرفت؛ مگر استکبار حد می‌شناسد؟! مگر استکبار در نقطه‌ای متوقف می‌شود؟! رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موفقیت‌های الهی آن مرد بزرگوار و رهبر استثنایی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه‌ی قدرت و استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد.

آن روز، دو ابرقدرت بودند و این دو ابرقدرت، با وجود این‌که از صد مساله‌ی جهانی در نود مساله اختلاف داشتند، اما در یک نقطه با هم موافق بودند و آن، فشار بر ایران اسلامی و نظام انقلابی ما بود. لذا شما دیدید که رژیم عراق در جنگ هشت‌ساله‌اش با ما، از سلاح روسی و آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی و برزیلی و از همه‌ی نقاط عالم توانست استفاده کند. یعنی همه به او کمک کردند؛ همه علیه ایران اسلامی، پشت سر او قرار گرفتند؛ همه با ایران در حال خصومت و محاربه بودند و این دو ابرقدرت، در مقابل اسلام انقلابی، به جد با یکدیگر همکاری داشتند. اما امام یک لحظه دچار تردید نشد؛ چون به راه خود ایمان داشت؛ به خدا متکی بود و به این ملت باور داشت. ملت هم امام خود را قبول داشت؛ او را شناخته بود و پشت سرش ایستاده بود. همه‌ی اینها عامل آن شد که این کشور و این نظام و آن رهبر و این ملت، در مقابل امریکا و شوروی آن روز - که امروز وجود خارجی ندارد - و همه‌ی اروپا و دیگران ایستادند. این، راز قضیه است.

شما برادران و خواهران از نقاط مختلف دنیا آمده‌اید؛ از میان نظامهای گوناگون، با سنتهای متفاوت و آداب و عادات مختلف، اما با دلپستگی واحد؛ یعنی اسلام. اگر می‌خواهید در پیروزی اسلام موفق شوید؛ اگر می‌خواهید فشار امریکا و سایر قدرتها را از روی خودتان برطرف و یا کم کنید و اگر می‌خواهید از سلطه‌ی ابزارها و آلات دست سیاستمداران قلدر عالم مصون بمانید، علاج این همه در یک کلمه است؛ کلمه‌ای که تجربه‌ی ایران اسلامی و میراث امام برای مسلمانان عالم است و آن، تسلیم نشدن در مقابل امریکاست. اگر بتوانید این ایستادگی را پیدا کنید و روشهای فشار آنها را بشناسید و در مقابل همه‌ی آنها بایستید، پیروزی شما تضمین شده و حتمی است. البته، مجاهدت سخت است. راه خدا همراه با دردسرهاست. اما هدف، عالی است. هدف، نجات انسانیت است. هدف، نجات ملتها و کشورهای از این ابتدالی است که امروز دنیا استکبار برای مردم عالم پیش آورده است. برای چنین هدفهای مهمی، فداکاری و تحمل سختی جا دارد و راه و رمز پیشرفت، تسلیم نشدن است. این‌طور نباشد که استکبار با تبلیغات خود، کاری کند که رهبران یک مبارزه و مردم یک کشور را دچار این فکر کند که «حالا چه عیبی دارد که ما یک کلمه از آنچه را که استکبار از ما خواسته است قبول کنیم؟!» این یک کلمه - یعنی تسلیم در مقابل دشمن به قدر یک گام - به معنای ناکام شدن است. استکبار، بی‌رحم و بی‌عاطفه است و در پی هدفهای پلید و خیانت‌آمیز خودش است. به مجرد این‌که در یک ملت، احساس روح تسلیم و عقب‌نشینی کند، فشار را مضاعف خواهد کرد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۱/۰۵/۰۷

در همان زمان حرکت ابا عبدالله علیه‌السلام، کسانی بودند که اگر با آنها در باب این قضیه صحبت می‌شد که «اکنون وقت قیام است» و می‌فهمیدند که این کار، به دنبال خود مشکلات و دردسرهایی دارد، به تکالیف درجه دو می‌چسبیدند؛ کما این‌که دیدیم، عده‌ای همین کار را کردند. در میان آنهایی که با امام حسین علیه‌السلام، حرکت نکردند و نرفتند، آدمهای مومن و متعهد وجود داشت. این‌طور نبود که همه، اهل دنیا باشند. آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیا، اسلام، آدمهای مومن و کسانی که می‌خواستند طبق وظیفه عمل کنند، بودند؛ اما تکلیف را نمی‌فهمیدند؛ وضعیت زمان را تشخیص نمی‌دادند؛ دشمن اصلی را نمی‌شناختند و کار اصلی و محوری را با کارهای درجه دو و درجه سه، اشتباه می‌کردند. این، یکی از ابتلالات بزرگ دنیا، اسلام بوده است. امروز هم ممکن است ما دچار آن شویم، و آنچه را که مهم است، با چیز کم اهمیت‌تر اشتباه کنیم. باید وظیفه اساسی را که قوام و حیات جامعه به آن است، پیدا کرد.

روزی در همین کشور ما، مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی و ضد دستگاه کفر و طاغوت، مطرح بود؛ اما بعضی، این تکلیف را تشخیص نمی‌دادند و به کارهای دیگر چسبیده بودند. احیاناً اگر کسی تدریسی داشت، اگر تالیفی داشت، اگر حوزه کوچک تبلیغی داشت، اگر هدایت جمع محدودی از مردم در کارهای دینی برعهده او بود، فکر می‌کرد اگر به آن مبارزه بپردازد، آن کارها معطل خواهد ماند! مبارزه به آن عظمت و به آن اهمیت را ترک می‌کرد، برای این‌که از این کارها باز نماند! یعنی اشتباه در شناختن آنچه لازم بود، آنچه مهم بود و آنچه اهم بود.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۱/۰۵/۰۷

در همان زمان حرکت ابا عبدالله علیه‌السلام، کسانی بودند که اگر با آنها در باب این قضیه صحبت می‌شد که «اکنون وقت قیام است» و می‌فهمیدند که این کار، به دنبال خود مشکلات و دردسرهایی دارد، به تکالیف درجه دو می‌چسبیدند؛ کما این‌که دیدیم، عده‌ای همین کار را کردند. در میان آنهایی که با امام حسین علیه‌السلام، حرکت نکردند و نرفتند، آدمهای مومن و متعهد وجود داشت. این‌طور نبود که همه، اهل دنیا باشند. آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیا، اسلام، آدمهای مومن و کسانی که می‌خواستند طبق وظیفه عمل کنند، بودند؛ اما تکلیف را نمی‌فهمیدند؛ وضعیت زمان را تشخیص نمی‌دادند؛ دشمن اصلی را نمی‌شناختند و کار اصلی و محوری را با کارهای درجه دو و درجه سه، اشتباه می‌کردند. این، یکی از ابتلالات بزرگ دنیا، اسلام بوده است. امروز هم ممکن است ما دچار آن شویم، و آنچه را که مهم است، با چیز کم اهمیت‌تر اشتباه کنیم. باید وظیفه اساسی را که قوام و حیات جامعه به آن است، پیدا کرد.

روزی در همین کشور ما، مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی و ضد دستگاه کفر و طاغوت، مطرح بود؛ اما بعضی، این تکلیف را تشخیص نمی‌دادند و به کارهای دیگر چسبیده بودند. احیاناً اگر کسی تدریسی داشت، اگر تالیفی داشت، اگر حوزه کوچک تبلیغی داشت، اگر هدایت جمع محدودی از مردم در کارهای دینی برعهده او بود، فکر می‌کرد اگر به آن مبارزه بپردازد، آن کارها معطل خواهد ماند! مبارزه به آن عظمت و به آن اهمیت را ترک می‌کرد، برای این‌که از این کارها باز نماند! یعنی اشتباه در شناختن آنچه لازم بود، آنچه مهم بود و آنچه اهم بود.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۷۱/۰۷/۲۹

قدرت ملت ایران، که بحمدالله در سرتاسر آفاق سیاسی عالم برای سیاستمداران و مسوولان و قدرتهای جهانی شناخته شده است، ناشی از چیست؟ ناشی از همین ایمان است. ناشی از همین انگیزه است. ناشی از همین هوشیاری و آگاهی و از همین اتحاد کلمه است. اینها را حفظ کنید. توصیه من، بخصوص به شما جوانان، رزمندگان، شهیدداده‌ها و جانبازان و آزادگان، این است که توطئه‌ی دشمن را استشمام و درک کنید. آنجایی که می‌خواهد اختلاف ایجاد کند؛ آنجایی که می‌خواهد بین ملت و دولت جدایی بیندازد؛ آنجایی که می‌خواهد قدر دولت و مسوولین خدمتگزار و زحمتکش را در چشم مردم بشکند و آنها و زحمات آنها را کوچک کند، بدانید که توطئه می‌کند و این دست و زبان خبیث دشمن است که حرف می‌زند. امام بزرگوار ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، روی همین هوشیاری و آگاهی، در تمام این مدت و تا آخر عمر، تکیه می‌فرمود و سعی می‌کرد ما ملت ایران را هوشیار نگه دارد. مبدا بگذارید این هوشیاری، ذره‌ای مخدوش شود! مبدا احساسات گنگ و کور، بر بعضی غلبه کند و چیز کوچکی را بزرگ کنند و نظام و انقلاب و دستگاههای خدمتگزار و دولت جمهوری اسلامی و همه‌ی اینها را ندیده بگیرند! مواظب باشید چنین اشتباهی انجام نگیرد که این دشمن شاد کن خواهد بود.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج / ۱۳۷۱/۰۸/۲۷

اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در این‌جا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواست است عده‌ای بیابند و چشم‌پوشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی‌خبر از آنچه که اتفاق می‌افتد، به میدان بروند و اسلحه‌ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه‌افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه‌های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی‌بصیره جنگیدند. فهمیدند که چه می‌کنند، با چه کسی می‌جنگند، چرا

می‌جنگند و از چه دفاع می‌کنند. جوانان بسیجی ما، اگر شهری بودند، اگر روستایی بودند، اگر علی‌الظاهر مدرک تحصیلی نداشتند، اگر دانشگاهی نبودند، اگر متخصص عالی‌رتبه نبودند - هرکه بودند - مکرر در مکرر از زبانشان شنیدیم که «ما برای خاک نمی‌جنگیم؛ ما برای یک وجب زمین نمی‌جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمانهایمان نمی‌جنگیم». این، همان معرفت است.

من می‌خواهم عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرت‌تان را حفظ کنید و دشمنان‌تان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مومن، کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست! ملتی که در راه خدا، جان برایش نثار کردنی است، آن‌جایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟! شما الان نگاه کنید! سیاست‌های امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استخبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام می‌ترسند. علنا اظهار می‌کنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، یک واقعیت است. امروز ملت ایران یک ملت متزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلا به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آن‌جا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار می‌دهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید می‌کند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند. کانون این احساسات، همین کشور مقدس اسلامی شما بود و الان هم هست. از این روست که استخبار، به طور مداوم برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌هایش هم برنامه‌هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، می‌تواند آنها را بشناسد.

بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن. ببینید دشمن چطور می‌خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند، یا با شکل‌های غلط معرفی کند! البته موفق که نمی‌شود. تبلیغات دشمن، انصافا تبلیغات حساب‌شده‌ای است. این را باید قبول کنیم. پول خرج می‌کنند؛ میلیاردها دلار خرج می‌کنند، برای این‌که بتوانند حرفی را جعل کنند که وقتی این حرف بر بال امواج رادیوهایشان قرار گرفت و با یکی دو واسطه به گوش فردی از ملت ایران رسید، در دل او اثر کند. چقدر دروغ‌ها همین‌طور درست کردند! اینها متخصصینی برای این طور کارها دارند. لذا هدفشان را باید فهمید. هدف آنها این است که ما را از اسلام جدا کنند؛ ملت را از مسوولین جدا کنند؛ ملت را از انقلاب دلسرد کنند؛ ملت را از آینده‌ی جهاد و دفاعش ناامید کنند؛ ملت را از میدان و مرکز صحنه‌ی مبارزه عقب بزنند. البته باید بدانند که هرگز در این خواست‌ها، موفق نخواهند شد.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

نکته‌ی قطعی و مسلم این است که آمریکا، اروپا و همه، قادر نیستند بر خلاف اراده‌ی مردم مسلمان ایران، در مورد این کشور قدمی بردارند و کاری صورت دهند. شما غالب هستید؛ شما قدرتمند هستید؛ شما می‌توانید که علی‌رغم خواست دشمن، توانستید اسلام و جمهوری اسلامی را حفظ و از آن دفاع کنید. شما توانستید توطئه‌ها را در هم بکوبید؛ پس قویتر از آنها هستید. این، نکته‌ای مسلم و قطعی است. اگر بخواهید قدرت‌تان باقی بماند، باید هشیار باشید؛ همچنانی که تا امروز هم هشیاری به درد این مردم خورده و آنها را نجات داده است. کسانی را که علیه دین و تعالیم دینی و معلمین راستین دین و علما و بزرگان دین اقدام می‌کنند، حرف می‌زنند، توطئه می‌چینند و سعی در ساقط کردن ارزش‌های آنان دارند، بشناسید. دشمن را در هر لباسی باید شناخت. جوانان مسلمان، مثل شما جوانان قم و سایر نقاط کشور که بحمدالله مظهر شور و هیجان اسلامی و شعار همراه با شعور و منطق هستید، این شناخت را دارید و خدا را از این بابت شکرگزاریم. اتحاد و اتفاقات را محکم‌تر و مستحکم‌تر کنید. انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی است و برای جمهوری اسلامی و ملت ایران، بزرگترین ارزش است. پیوند میان مردم و مسوولین؛ پیوند میان آحاد مردم؛ احترام به خدمتگزاران دین؛ احترام به خدمتگزاران کشور و کوشش برای عمق بخشیدن به معارف اسلامی، عواملی است که دشمن را مایوس می‌کند. این عوامل و ویژگی‌هاست که راه را برای پیشرفت باز می‌کند. کشور ما بحمدالله سرشار از امکانات بالقوه‌ای است که باید بالفعل شود. سالها دشمنان ما تلاش کردند این امکانات را نابود، یا از آنها به نفع خودشان استفاده کنند. سالها تلاش کردند استعدادها را بمیرانند. لذا، سالهایی هم طول می‌کشد تا همه‌ی اینها مجددا احیا شود.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر / ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی خود، از یک طرف به مبارزان دنیا امیدداد و دل‌های غیرتمندانی را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه‌ی عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند. در این هیچ شک نیست. این تأثیر مثبتی بود که انقلاب اسلامی در همه جای دنیا گذاشت. اما هم‌زمان با این تأثیر، یک تأثیر دیگری هم در دنیا به جا نهاد و آن این بود که دشمنان جبهه‌ی اسلام را بیدار کرد و به آنان تجربه داد! دشمن کیست؟ جبهه‌ی ضد اسلامی است؛ استخبار است؛ همان که ما به آن «استخبار» می‌گوییم؛ قدرت‌های مسلط عالم. یک روز مظهر استخبار، آمریکا و شوروی بودند. امروز که شوروی نیست، آمریکا در راس استخبار قرار گرفته است. قدرت‌های مرتجع، قدرت‌های ضد مردمی، قدرت‌های متجاوز، قدرت‌هایی که ملت‌های ضعیف را در مشت خود می‌خواهند و دنیا را متعلق به خود می‌دانند، همه در جبهه‌ی استخبار ثبت نام کرده‌اند و اسلام و انقلاب اسلامی با اینها روبه‌روست. اینها بعد از انقلاب اسلامی، مجرب شدند و تجربه پیدا کردند. وقتی انقلاب اسلامی پیش آمد، استخبار هیچ تجربه‌ای نسبت به حرکت‌های عظیم اسلامی نداشت. در گذشته حرکت‌های نامنسجمی پیش آمده بود؛ اما این انقلاب و این مبارزه، واقعه و حرکت عظیمی بود که استخبار در مقابلش غافلگیر شد.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۲/۰۸/۲۰

علت شکست‌های گوناگون در تاریخ، این است که مردم، گاهی قدرت تحلیل را از دست می‌دهند. هر جا مردم نتوانستند درست تحلیل کنند، آن‌جا نقطه‌ی خطرناکی است. آن‌جا، جایی است که ممکن است دشمن ضربه را وارد کند.

من می‌خواهم به شما عزیزانم و به شما فرزندان و برادران بسیجی خودم، این نکته را عرض کنم که این را سررشته‌ی یک تحلیل طولانی و همیشگی قرار دهید تا دشمن را بشناسید و بفهمید دشمن، امروز چه کار می‌کند. وقتی در یک نظام، مسوولینی عده‌ای که یک کشور بزرگ مثل ایران را اداره می‌کنند متکی به آحاد مردم هستند؛ به این نیروهای زنده و پرنشاط؛ به این جوانانی که خطر را در مقابل هدف‌های خودشان به هیچ می‌انگارند؛ به این دل‌های سرشار از شور و شوق و عشق به هدف والا؛ همین‌هایی که جنگ هشت ساله را اداره کردند؛ همین‌هایی که امروز اگر ما در مقابل استخبار جهانی با قدرت می‌ایستیم، به خاطر این است که به ایستادگی این نیروی عظیم در داخل کشور اعتماد و اطمینان داریم؛ وقتی که بین این نیروی عظیم با مرکزیت کشور، با مسوولین کشور، با دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور، با رهبر، با دولت، پیوند و ارتباط مستحکم باشد، اداره‌کنندگان چنان قدرت روحی پیدا می‌کنند که در مقابل فشارها و تحمیلات جهانی بگویند «نه»؛ تا استخبار نتواند بر آنها چیزی را تحمیل کند. کم‌این‌که امروز آمریکا‌یها و بقیه‌ی قدرت‌های ظالم و غاصب، بر خیلی از دولت‌ها تحمیل می‌کنند. هم آنها قدرت پیدا می‌کنند، هم نیروی مردم در راه مصالح کشور به‌کار می‌رود. اراده‌های مردم، مشت‌های گره کرده‌ی مردم، در راه استقلال و آباد شدن کشور و در راه آزاد زیستن و عزت ملت به‌کار می‌افتد. و کدام عزت برای یک ملت از این بالاتر، که هیچ قدرتی نتواند آن را ابزار دست و وسیله برای رسیدن به خواست‌های خودش قرار دهد؟! این، برای یک ملت، از هر عزتی بالاتر است.

البته دشمن را نباید کوچک‌تر از آنی که هست گمان کرد؛ چون انسان آن‌وقت ضربه خواهد خورد. اما نباید هم دشمن را بزرگتر از آن‌که هست جلوه داد. یعنی همان کاری که امروز دستگاه تبلیغاتی صهیونیستها و مستکبرین، خودشان انجام می‌دهند: از آمریکا و از قدرتها غولی درست کردند، که اگر کسی تجربه نداشته باشد، خیال می‌کند به یک اشاره‌ی اینها، همه جا دود خواهد شد، پودر خواهد شد و از بین خواهد رفت! این حرفها چیست؟! اینها اگر قدرت داشتند، روزبه‌روز نهضت اسلامی در دنیا ریشه‌دارتر و پرشکوه‌تر نمی‌شد! اینها در هر جا که دخالت زورمندانه و قدرتمندانه کردند یا خودشان یا عواملشان برای خودشان و عواملشان جهنم سوزان و باتلاقی درست کردند که تا خرخره در آن فرو رفتند. نگاه کنید به آن‌جاها که اینها کسانی را بر مردم تحمیل کردند! ببینید در چه وضعیت زشتی به سر می‌برند و در چه گرفتاریهایی زندگی می‌کنند!

پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی / ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

آن عاملی که ملتها را در مقابل قدرتها ضعیف می‌کند، بی‌ارادگی خود ملتهاست. اگر ملتی با اراده حرکت کند، به خدا متکی باشد و دستور الهی را اطاعت نماید، هیچ قدرتی نمی‌تواند مویی از سر او کم کند. «اف لکم و لما تعبدون من دون الله». ابراهیم علیه‌السلام فرمود: «اف بر شما و بر آن چیزی که جاهلانه عبادتش می‌کنید و در مقابل آن سر فرو می‌آورید.» سیر حرکت ابراهیم علیه‌السلام به این ترتیب بود که اول حرکت تندی انجام داد، تا وجدانها و ذهنها را متوجه کند. آن‌گاه، با استفاده از آن توجهی که دلها پیدا کرد، سخن حق را در یک جمله به دلها و ذهنهای آنها القا نمود. بعد از آنکه بیداری در مردم به وجود آمد، نوبت به دشمن رسید تا عکس‌العمل نشان دهد. دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود: «و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما.» کسانی که مست شهوت و قدرت و پولند. آنها هستند که می‌خواهند همه‌ی مردم در حال غفلت باشند. همه مست باشند؛ چون آنها مستند! مساله این است. ملت و رهبر الهی ایران - آن مردی که در راه انبیا حرکت می‌کرد - همین راه را طی نمودند و امروز شما ملاحظه می‌کنید که در دنیا، بیداری به وجود آمده است. این سخن، سخنی اغراق‌آمیز و مبالغه‌آلود نیست؛ بلکه یک حقیقت است. می‌بینید که عکس‌العمل دشمن چگونه است؟! می‌بینید که قدرتهای استکباری و در راس آنها قدرت استکباری امریکا چگونه به تهدید می‌پردازند و برای تبلیغات علیه ملت ایران و نظام اسلامی پول خرج می‌کنند؟! این عکس‌العمل آنهاست. اگر آنها از حرکت عظیم ملت ایران ضربه نخورده بودند عکس‌العمل نشان نمی‌دادند.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۳/۰۸/۱۰

روح مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن، وقتی به طور کامل و سالم در شما قشر جوان باقی می‌ماند که تقوا، بازگشت به خدا و جهاد اکبر در وجود و زندگی‌تان بگنجد. اگر ما به جوانان توصیه می‌کنیم که طهارت، تقوا، استغفار، اجتناب از گناه، رو آوردن به خدا و توجه به معنویات را سرلوحه‌ی کارها قرار دهند، به این دلیل است که علاوه بر به همراه داشتن سعادت شخصی شما، کشور شما هم به جوانانی نیازمند است که بتوانند حقایق را درک کنند، در میدانها بایستند، توطئه‌ی دشمن را بشناسند و با آن مقابله کنند. دانشگاه، حوزه‌ی علمیه و محیط علمی و تحصیلی جای این ایستادگی، مقاومت، هوشیاری و مبارزه است. این، انتظار از نسل جوان است.

دانشگاهها باید سیاسی باشند و دانشجو باید سیاسی باشد. معنای این حرف آن است که دانشجو باید قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد تا جبهه‌بندیهای دنیا را بشناسد؛ تا بفهمد امروز دشمن کجاست و از کجا و با چه ابزار حمله می‌کند. این، برای شما لازم است. اگر شما تلاش سیاسی، کار سیاسی، مطالعه و مباحثه‌ی سیاسی نداشته باشید، این توانایی را پیدا نمی‌کنید. البته توجه داشته باشید که دشمن از همین امر استفاده نکند. دشمن با کمال هوشیاری ایستاده است. امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ مراقب باشید که اگر شما غفلت می‌کنید، دشمن از شما غفلت نمی‌کند. دشمن با کمال هوشیاری مراقب است.

عرض کردم که نظام سلطه، مثل اختاپوسی خطرناک و مثل سرطان دنیا را گرفته است. کشور ما جزو نقاط سالم دنیاست. نمی‌گوییم همه‌ی دنیا ناسالمند. ممکن است نقاط معدودی در دنیا سالم مانده باشند. کشور و دولتی که از نظام سلطه و کمند این عنکبوت خطرناک تنده‌ی در تار و پود ملتها و کشورها، سالم و برکنار مانده است، نظام جمهوری اسلامی است. طبیعی است که علیه شما بیدار باشند، فکر کنند و هر تلاشی انجام دهند. شما هم باید بیدار باشید. دانشجو، طلبه و دانش‌آموز باید بیدار باشد. بچه‌های دبیرستانی، دخترها و پسرها باید بیدار و هوشیار باشند. امروز از همه‌ی شما این انتظار هست. شما نسل برگزیده‌ی این کشورید. دشمن باید شناخته شود. این اولین قدم است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان / ۱۳۷۵/۰۸/۰۹

اگر بخواهیم در بین دولتهای دنیا، مستکبر را پیدا کنیم، دچار مشکل نمی‌شویم. یعنی دولت امریکا - که امام به او لقب شیطان بزرگ دادند - در مقابل ندای حق طلبانه‌ی ملت ایران، مستکبر بود. استکباری که در زمان ما شکل گرفت، استکبار امریکایی بود. قبل از انقلاب هم، این طور بود. در دوران انقلاب و تا امروز هم همین‌طور است.

این سه حادثه‌ای که روز سیزده‌ی آبان، نمایشگر و یادآور آن حوادث است، در همین ارتباط است. قبل از انقلاب، امام با وسوسه و دخالت امریکاییها در کشور و با مساله‌ی کاپیتولاسیون مخالفت کردند. به‌خاطر این مبارزه، امام را در روز سیزده‌ی آبان، تبعید کردند. استکبار، یعنی این. به خیال خودشان، حرف حق را در گلوئ گونده‌ی حق شکستند. البته این صدا نشکست و بحمدالله شجره‌ی طیبه‌ای شد.

در اثنای انقلاب، در مثل چنین روزی، دانش‌آموزان ما به خیابانها آمدند و به خاطر گفتن «مرگ بر امریکا» و مبارزه با جبهه‌ی امریکایی، به شهادت رسیدند. این هم، باز به مساله‌ی استکبار امریکایی، ارتباط پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب هم، توطئه‌های امریکاییها به اشکال مختلف، علیه نظام نوپای اسلامی، به این‌جا منتهی شد که دانشجویان ما رفتند، مرکز توطئه‌ی امریکاییها در تهران؛ یعنی لانه‌ی جاسوسی را که محل سفارت امریکا بود، تصرف کردند. این هم، ماجرای دیگری در قضیه‌ی مبارزه با استکبار بود. یعنی جریان مبارزه با استکبار و تحقق استکبار در شکل نظام ایالات متحده‌ی امریکا، از قبل از انقلاب شروع شده و تا بعد از انقلاب ادامه داشته و تا امروز هم ادامه دارد.

پس، ملت ایران، شعار مبارزه با استکبار را باید به عنوان پرچم و مشعلی حفظ کند. چرا؟ چون اگر این علم برافراشته حفظ نشود و این شعار، افسرده و گم شود، راه ملت گم خواهد شد. استدلال واضحی هم دارد. چون دشمنی آن دشمن، آشکار است و برای اهل بصیرت، مخفی نیست و دشمن آشکار هم، با وجود این‌که دشمنیش آشکار است، شیوه‌هایی برای فریب دارد. غالب ملت‌هایی که فریب خوردند و دولتهایی که اشتباه کردند، از این‌جا اشتباه کردند که روشهای دشمن را درست نشناختند. اگر ما روشهای دشمن را نشناختیم و مبارزه با دشمنی که می‌خواهد ما را نابود کند، به فراموشی سپردیم، بدیهی است که راهی را خواهیم رفت که دشمن می‌پسندد؛ یعنی راه نابودی، راه ویرانی، راه فساد.

پس، مبارزه با استکبار، یک شعار همیشگی است. منتها مطلب اساسی این است که یک ملت هوشمند، همیشه برخورد با شعارها را درست انتخاب می‌کند. یک وقت، انسان فقط شعار را دائما بر زبان جاری و تکرار می‌کند؛ این کار زیادی نیست. یک وقت، شعار را می‌شکافد، در آن تعمق می‌کند و بر اساس آن، کار انجام می‌دهد؛ این درست است. در شعار مبارزه با استکبار - که امروز گفتم تجسم استکبار، دولت متجاوز امریکاست - خود امریکاییها و دولتمردان امریکایی، از اول انقلاب تا به حال، راههایی را طی کردند، برای این‌که این شعار را از فضای کشور ایران بزدایند. چرا؟ چون تا این شعار وجود دارد، تا ذهن مردم از «مرگ بر امریکا» پر است، تسلط دوباره امریکا بر این کشور و منابع آن، ممکن نیست.

شعار مبارزه با استکبار، یک شعار زنده است. بر خلاف آنچه که خود مستکبران تبلیغ کرده‌اند، مبارزه با استکبار، هم ممکن است، هم دارای آینده است و هم امروز برای ملت ایران، یک فریضه به حساب می‌آید. منتها شما جوانان و شما روشنفکران و شما افراد هوشمند، باید روشهای گوناگون این مبارزه را پیدا کنید. این، آن حرف اساسی ماست.

دشمن را بشناسید، ادامه‌ی صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روشهای دشمنی را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده‌ی آن روشها در داخل کشور را هم بشناسید. در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیتهای کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه‌ی حضور استکبار را بشناسید. استکبار می‌خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار می‌خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می‌خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.

ای بسا کسانی باشند که با طرح شعارهای فریبنده، همان کاری را بکنند که استکبار می‌خواهد. باید شما کاملاً هوشیار باشید. این، توقع ما از نسل جوان است. به این اکتفا نکنیم که «مرگ بر استکبار» یا «مرگ بر امریکا» بگوییم. این، یک شعار است و لازم است و هست؛ اما همه‌ی قضیه، این نیست. از جمله آن عملهایی که گفتیم همراه با شعار لازم است، یکی کار روی این شعار است. شما جوانان، دور هم بنشینید و با هم صحبت کنید. این‌که من گفتم دانشگاه و محیط جوان باید سیاسی باشد، معنایش همین است. این چیزی را که به عنوان علم، مسیر این ملت و این کشور معرفی می‌شود - یعنی مبارزه با استکبار جهانی - تبیین کنید و بشکافید.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور / ۱۳۷۵/۰۸/۲۰

وقتی شما به اطراف عالم نگاه می‌کنید، از هر طرف، فریاد خصمانه‌ی یک جمع و مرکز و گروهی، از روز اول تا امروز، علیه انقلاب وجود داشته، هنوز هم هست و بعد از این هم خواهد بود؛ تعجبی هم ندارد. طبیعت این حرکت، که ملت ایران را مستقل می‌خواهد، دخالت بیگانگان را اجازه نمی‌دهد، دستهای دخالتگر را قطع می‌کند، در سیاستها مستقل می‌اندیشد، کمپانیها را - که همه چیز دنیا، در دست آنهاست - ندیده می‌گیرد و شبکه‌ی سرطانی جهنمی صهیونیسم را دشمن می‌دارد، بدیهی است که علی‌هش دشمنی زیاد است.

ملت ایران، در شناخت دشمن اصلی، اشتباه نخواهد کرد. این را همه‌ی مردم دنیا بدانند. دشمن اصلی، در مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، اولاً صهیونیستها هستند که می‌دانند از نظر ملت ایران، رژیم غاصب آنها در فلسطین، یک رژیم غیرمقبول و شناخته نشده و غیر رسمی و رو به اضمحلال است. بیشتر دشمنیها هم، از طرف آنهاست. سرمایه‌داران صهیونیست، در اطراف دنیا، مخصوصاً در امریکا و اروپا، مشغول فعالیتند. رادیوها، روزنامه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و بسیاری از امکانات، در اختیار آنهاست و علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت ایران، فعالیت می‌کنند. دشمن دیگر هم، رژیم امریکا است که در واقع، روی دیگر این سکه است. آن دشمنی هم، به‌خاطر این است که پایگاه عظیم اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا در ایران - که آن را پیش‌بینی کرده و ترتیب داده بود - از دستش رفته است.

هر نظامی، با هر فکر و منطق و ممشایی که در ایران بر سر کار می‌آمد و جلو زباده طلبی امریکا را در این کشور نمی‌گرفت، این قدر مورد دشمنی نبود. بنابراین، دشمن اصلی، این دو عنصر پلید و خبیث - یعنی شیطان بزرگ و صهیونیستها - هستند. ملت ایران، دچار اشتباه نخواهد شد. هر جایی هم، هر دشمنی‌ای مشاهده شود، از طرف این دو دشمن است. اگر هر اسم و گروه و بلندگو و شخص و دولت دیگری، وارد این میدان شود، درجه‌ی دو و فرعی است. دشمن اصلی، صهیونیستها و نیز دولت و رژیم امریکا است که تحت تاثیر کمپانیها و فروشندگان و صادرکنندگان اسلحه و چپاولگران بین‌المللی قرار دارد و به دست آنها، اداره و پشتیبانی می‌شود. این، اساس مساله است.

شما اگر از اول پیروزی انقلاب تا امروز هم نگاه کنید، ترتیب دشمنیها، به طور متوالی بوده است و نگذاشته‌اند که بین خصومت علیه جمهوری اسلامی، فاصله‌ای به وجود آید. قبل از آن‌که جنگ تحمیلی شروع شود، انواع و اقسام دشمنیهای اقتصادی و سیاسی و تهدیدهای گوناگون وجود داشت. جنگ تحمیلی که به وجود آمد، همه‌ی دشمنیها، در مساله‌ی جنگ متمرکز شد. هر جای دنیا، اگر کسانی دشمن تشکیل یک حکومت بر مبنای اندیشه‌های نورانی اسلام و تفکر مترقی اسلامی بودند، در مساله‌ی جنگ کوشش کردند که نگذارند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، با پیروزی نظامی، دشمن خود را از صحنه‌ی جنگ خارج کند و می‌خواستند مانع فتح نظامی جمهوری اسلامی شوند.

در جنگ، کمک به دشمن ما - یعنی رژیم بعثی عراق - را همه برای خودشان یک امر لازم و واجب تلقی کردند و بی‌محابا، این کمک را انجام دادند! اگر ما خیلی خوشبین باشیم و نگوئیم که اصل شروع جنگ، به تحریک و دخالت قدرتهای استکباری بود - ممکن است کسانی در این قضیه تردید کنند؛ ولی شواهد فراوانی در این خصوص وجود دارد - بدون شک، ادامه‌ی جنگ و کمک به رژیم عراق، برای جلوگیری از پیروزی نظامی جمهوری اسلامی، جای هیچ انکار و تردیدی نیست.

بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۷۶/۰۵/۰۱

این‌که می‌بینید تهمت حقوق بشر، مخالفت با حقوق بشر، نقض حقوق بشر، دست زدن به ترور و امثال اینها را این همه خرج می‌کنند، برای آن است که این را در دنیا اثبات نمایند! خود آنها می‌دانند که دروغ است. این، برای آن است که افکار عمومی عالم، از نظام جمهوری اسلامی فاصله بگیرد. این، برای همان ایجاد شکاف است. این، برای آن است که میان این پایگاه رفیع اسلام و قرآن و جوامع مسلمان در سرتاسر عالم، انجذابی ایجاد نشود. البته خدای متعال کید آنها را باطل می‌کند: «انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا»، «و مکروا و مکروا لله». در طول این چند سال، هر کاری که اینها کردند، خدای متعال آن را باطل کرده است. اما به‌هرحال، دشمن مانع‌تراشی و ایجاد اشکال می‌کند و مشکلات می‌آفریند؛ در جاهایی هم رسوا می‌شود، اما دست بر نمی‌دارد! این جاست که مساله‌ی اتحاد و وحدت اسلام و تفاهم اسلامی معنا پیدا می‌کند. ببینید این قضیه چقدر مهم است! ببینید این مساله برای فردای دنیا، اسلام، چقدر حائز اهمیت است! این، قضیه‌ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام حساب کنند. من به همه می‌گویم؛ هم به اهل سنت، هم به شیعه، هم به کتاب‌نویسان، هم به شعرا، هم به مطبوعه‌چینها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند، حرفی می‌زنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و

دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهم است.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۶/۰۹/۰۵

نظام اسلامی به همت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه می‌کنند. شما خیال می‌کنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی می‌گذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که می‌خواهد علیه زیاده‌طلبی‌های استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را می‌کند! آمریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی‌گذرند؛ مبارزه می‌کنند، توطئه، حیل‌گری، و کید و مکر می‌کنند. مثل این‌که تا به حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی‌کند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.

من به شما عرض کنم که توطئه‌ی دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه‌ی دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی‌داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که می‌خواستند با ملت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روش‌های ساده‌تری استفاده می‌کردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلا تحریک به حمله‌ی نظامی و راه انداختن جنگ، توطئه بود؛ اما همه، این را می‌شناختند. توطئه روشن می‌شد؛ مردم به پا می‌خاستند و مقابله می‌کردند. یا مثل حمله‌ی امریکایی‌ها به صحرای طیس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند - محاصره‌ی اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره - کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمی‌شود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روش‌های خودشان را پیچیده‌تر کنند. به همان نسبتی که آنها روش‌ها را پیچیده‌تر می‌کنند، ملت ایران هم بایستی هوشیاریش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکل‌های مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می‌کشد. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید.

چندی قبل، در یکی از اجتماعاتی که درباره‌ی انقلاب و خطرات انقلاب برای استکبار، در یکی از کشورهای بیگانه تشکیل شده بود، بعضی از کسانی که در آنجا سخنرانی کردند، گفته بودند که انقلاب اسلامی، به وسیله‌ی روحانیت و به پشتیبانی جوانان حوزه و دانشگاه پیش رفت و به طور کلی با تکیه به نسل جوان ادامه یافت. برای زدن و کوبیدن انقلاب هم باید از همین وسیله استفاده کنیم! باید سراغ حوزه‌ی علمیه، سراغ یک معمم و سراغ حوزه و دانشگاه برویم؛ بلکه از آن طریق بتوانیم این انقلاب را ضربه بزنیم! غافل از این‌که حوزه‌ی ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه می‌کنند، ملت ایران را بد شناخته‌اند! در این توطئه‌ای که اخیرا نشانه‌های آن را مشاهده کردید - که من مایل نیستم در جزئیات این‌گونه چیزها وارد شوم - دلم نمی‌خواهد از کسانی اسم بیاورم؛ اما اصل قضیه را ملت ایران، باید درست توجه کند و اعماق توطئه را بداند.

ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمی‌دهد. دشمن سعی می‌کند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر می‌کند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

امام بزرگوار، مکرر می‌فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک می‌کند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ایادی استکبار جهانی - راحت می‌توانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه‌ی قم، به بیچاره‌ی برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضعگیری غلط و ناشایسته وادار کنند! آن‌قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضریب خورده‌های از انقلاب، تودهنی خورده‌های از همین بسیج، ضریب خورده‌های از دادگاه‌های انقلاب، ساواکی‌های قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته‌ی ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم مانند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه‌ی خود را به بلا بیندازد!

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیست‌ها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روش‌ها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش موثرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقینا بعد از مطالعه‌ی زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی - و البته خبرهای راست و دروغی - توانسته‌اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد! چرا؟ به خاطر این‌که می‌دانند در کشور، اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه‌ی توطئه‌های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ والا اینها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای اینها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف می‌زنند و این‌طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه می‌کنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند، که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری می‌کنند؛ چون می‌دانند رهبری در جامعه‌ی اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشاست.

رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت - هر دولتی در ایران - مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می‌شود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت‌ها بدبین سازد، این‌جا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم روشن، و توطئه‌ی دشمن را بر ملا می‌کند. این چند ساله ندیدید که درباره‌ی دولت‌ها، دولت‌مدان و مسوولان چه می‌کردند و چگونه سعی می‌نمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مایوس نمایند!

بیانات در دیدار مردم استان هرمزگان / ۱۳۷۶/۱۱/۲۸

این ملت مومن، این استان جوان، این دل‌های پرمحبت، این دست‌های کاری و قوی و این روح‌های مطمئن، باید بتوانند در این بخش از کشور، هم از لحاظ معنوی و فرهنگی و دینی، هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ مسائل اجتماعی، و هم بر لب تنگه‌ی حساس هرمز - این آبراه عظیم جهانی که چشم همه‌ی قدرتمندان عالم به آن است - بهره‌مند شوند. مردمی هوشیار، جوانانی مصمم، پنجه‌هایی قوی و نیرومند، زنان و مردانی که دلشان از عشق به میهن و فداکاری برای اسلام می‌تپد، در این نقطه‌ی حساس گوش به زنگ باشند؛ دوست را بشناسند، دشمن را بشناسند و وظیفه را بفهمند. پیشرفت همه‌جانبه‌ی این استان، به امنیت این کشور هم - به طور مستقیم و غیرمستقیم - ارتباط پیدا می‌کند، که باید به فضل پروردگار همه‌ی این کارها انجام گیرد. البته نقش شما آحاد مردم، بخصوص نقش جوانان و بالخصوص نقش کسانی که از آنها انتظار تخصص و مهارت و آمادگی‌های گوناگون برای کارهای مختلف هست، بسیار حساس و تعیین‌کننده خواهد بود.

عزیزان من! جوانان استان هرمزگان! روحانیون محترم! فشرهای مختلف! شما بر لب این آبراه مهم - تنگه‌ی هرمز - و در ساحل هزار کیلومتری خلیج فارس، باید این حقایق را خوب بدانید. بدانید که در نزدیکی شما چه می‌گذرد. بدانید که تهدید دشمن یعنی چه. بدانید که دشمن اسلام و دشمن ملتها و دشمن استقلال و آزادی کشورها، اگر به کشوری هم تعرض نمی‌کند، نه از باب این است که نمی‌خواهد؛ از باب این است که نمی‌تواند. هیچ قدرت مادی‌ای در دنیا وجود ندارد که بتواند با ملت ایران، با این ملت یکپارچه و مستحکم و مومن و با این احساسات صمیمانه‌ی بین مسوولان و ملت مبارزه کند و بر آن فائق آید. هر کس با چنین ملتی مبارزه کند، محکوم به شکست است. هر کس با چنین کشور و ملت و حکومتی دربیفتد، محکوم به هزیمت است. با مردمی که خدا را یاری می‌کنند، اسلام را یاری می‌کنند، به قرآن عمل می‌کنند، در سرنوشت خود حاکمند، قدر آزادی و استقلال را می‌دانند، در صحنه حضور دارند و مسائل را تحلیل می‌کنند، هر کس مواجه شود و مقابله کند، خودش شکست خواهد خورد و این ملت پیروز خواهد شد.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۷/۰۱/۱۲

برکات حج، همه‌ی جنبه‌های حیات بشری را فرا می‌گیرد و این باران رحمت بی‌دریغ، از خلوت دل و اندیشه‌ی آدمی تا عرصه‌ی سیاست و اجتماع و قدرت ملی مسلمانان و تعاون میان ملت‌های مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می‌سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است؛ و نخستین هدیه‌ی حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خداداده‌ی «فهم پدیده‌ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر بفردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی‌گیرد، و هیچ پدیده‌ی دینی دیگری نمی‌تواند مجموعه‌ی شناخته‌هایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد.

این معرفت، عبارت است از مجموعه‌ی از شناخته‌ها که از جمله‌ی آنهاست:

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه‌ی عظیم امت اسلامی، شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن.

شناخت دشمن، محصول همه‌ی آن شناخته‌ها و متمم و مکمل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی‌حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست. در خود اعمال حج، رمی جمرات، نماد دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی است؛ و پیامبر مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، اذان برآنت را در حج سر داد و آیات برآنت را از حنجره‌ی امیر مومنان (علیه‌السلام) در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برآنت نیز بی‌فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمنها و ستیزه‌گرهای کنونی، غفلت از دشمن و بی‌مبالاتی به برآنت، خطایی بزرگ و پرخسارت است.

اگر آن شناخته‌های پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می‌شود. هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامی‌شان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مایوس سازد، کاری دشمنانه می‌کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!

شیطان در قرآن، تعبیری از نیروهای شرآفرین و فسادآفرین و انحطاط‌آفرین است که در صف مقابل انبیا قرار می‌گیرد؛ و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن (۲۱) و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.

شناخت دشمن در حج، به معنی شناخت این روشها و انگیزه‌های آن، و برآنت در حج، به معنی افشای توطئه‌ی دشمن و اعلام بیزاری از آن است.

ملت و دولت ایران، با انقلاب عظیم خود که به رهبری امام خمینی عظیم‌الشان (رحمهما‌الله‌علیه) و ادامه‌ی خط و راه او، پرچم عظمت اسلام و ایران را برافراشت، عزت و استقلال ملی خود و حیات دوباره‌ی تاریخی خود را بازیافته است. به برکت انقلاب اسلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و استبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زندگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره‌های نوکر ماب و بی‌کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مومن و امین یافت. سرنوشت کشور و منابع ملی و ثروتهای خدادادهاش را که به وسیله‌ی بیگانگان غارت می‌شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه‌ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب‌افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه‌ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه‌ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضد‌مردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده‌ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلح ایران را در قبضه‌ی خود گرفت، دستگاه ضد امنیتی شاه و شکنجه‌گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملت‌های مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آنکه علی‌رغم مجموعه‌ی آن جبهه‌ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه‌ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره‌ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی مربوط به خود، تا آتش‌باری در اختلافات منطقه‌یی، و سعی وافر برای ایجاد اختلاف میان ایران و همسایگان، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله‌ی مزدبگیران سازمان سیا، تا فعالیت شدید برای

جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه‌ی جبهه‌ها و همه‌ی زمینه‌های ممکن!

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی‌درپی، در صدمه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجر زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم‌الشان ایران و صیانت از آرامش و سلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

روابط ما با همسایگان و با دیگر کشورهای جهان - از جمله با کشورهای اروپا - دلیلی گویا و روشن است، و تلاش همیشگی ما برای گفتگوهای برادرانه با کشورهای مسلمان - که بحمدالله هم اکنون شاهد نتایج شیرین تعدادی از آنها هستیم - در برابر چشم مردم جهان است؛ لیکن در کنار این همه، شناخت دشمن و هشیاری و سرسختی در برابر آن را نیز دستورالعمل همیشگی خود ساخته و به اغواک شیاطین، فریب نخورده است، و ان‌شالله از این پس نیز نخواهد خورد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

دشمن را هوشیارانه بشناسید. دشمن را در هر لباسی بشناسید. دشمن را در زیر قالب هرگونه کلماتی بشناسید و با دشمن، با نفس رحمانی مواجه شوید. با دشمن به‌وسیله‌ی نام و یاد خدا مقابله کنید که نام خدا و یاد خدا و اتکال به پروردگار، دشمنانی را که جهت شیطنی دارند، دچار هزیمت خواهد کرد.

البته من می‌دانم و می‌بینم که بحمدالله مسوولین و بسیاری از کسانی که در عرصه‌ی تبلیغات و بیان و تبیین هستند، انصافاً با وجدان آگاه و با دل بیدار حرکت و کار می‌کنند؛ وظایفشان را با اخلاص، با صفا و بدون هیچ چشم‌داشتی انجام می‌دهند و ملامتها را هم به جان می‌خورند. کسانی هم در گوشه و کنار هستند که نمی‌خواهند این یکپارچگی بماند. بایستی آنها را شناخت و به آنها توجه کرد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهید / ۱۳۷۷/۰۷/۰۵

یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ استکباری، همین رادیوهای بیگانه است! خرجهای زیادی می‌کنند، پولهایی می‌گذارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. من در یکی دو سال گذشته در خصوص این‌که آمریکا و صهیونیستها و جهان‌خواران اقتصادی دنیا چگونه به این رسانه‌های جمعی تکیه کرده‌اند، شرح مفصلی دادم. در نماز جمعه بحث کردم که چطور شده است که اینها می‌خواهند از این طریق در ملتها نفوذ کنند. رسانه‌های جمعی ابزار کار آنهاست. در داخل هم یک عده می‌آیند و با اینها هم‌صدا می‌شوند!

البته همه‌ی کسانی که در این میدان، کار خلاف می‌کنند، دشمنان نیستند؛ این هم معلوم باشد. بعضی هم دوستان نادانند، بعضی خودبهای غافلند. من از خودبها مصرا می‌خواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند؛ بفهمند امروز دشمن کیست، چه می‌خواهد و چه می‌کند - و نقشه‌ی دشمن چیست - عقل، این است. شما در جبهه‌ی جنگ باید بدانید که آیا این جبهتی که تیراندازی می‌کنید، بمباران می‌کنید، همان جایی نیست که دشمن می‌خواهد بمباران شود؟ چرا شما کار دشمن را به عهده می‌گیرید؟ چرا جاده‌ی دشمن را هموار می‌کنید برای این‌که بتواند نیروهای خودی را دور بزند؟! مساله این است. تأکیدی که ما همیشه می‌کنیم بر این‌که افراد، قدرت تحلیل سیاسی داشته باشند، برای این است که این‌گونه اشتباهات را نکنند. البته دشمنان نقابدار، دشمنان دورو و منافق، دشمنانی که حتی جرات ظاهر شدن هم ندارند، پشت عناصر صادق و سالم و احیانا ساده، خود را پنهان می‌کنند! آنها را باید شناخت و هشدارشان داد. امروز کشور و ملت، احتیاج دارد به این‌که مردم، تیزبین و هوشیار باشند، بیدار و دشمن‌شناس باشند و بفهمند دشمن چه می‌کند.

پیام به مناسبت برگزاری دومین کنگره جامعه اسلامی دانشجویان / ۱۳۷۷/۰۷/۰۸

یک تحلیل عمیق که محصول تجارب بیست‌ساله‌ی نظریه‌پردازان سیاسی بیگانه است همه‌ی دشمنان ایران اسلامی را به این نتیجه رسانیده است که راه سلطه بر ارکان جمهوری اسلامی و رخنه در پایه‌های استوار این نظام شامخ، منحصرأ سست کردن ایمان دینی نسل جوان، سست کردن پیوند فکری و عاطفی آنان با کانونهای اصلی نظام، سست کردن انگیزه‌های آموزشی و پرورشی آنها است. امروز هدف اصلی همه‌ی تبلیغات و نظریه‌پردازیهای دستگاههای پرخرج تبلیغاتی استکباری و صهیونیستی همین است و بس. و هر کس می‌تواند نشانه‌های این کوشش نامبارک و ان‌شالله نافرجام را در فعالیتهای فرهنگی و خبری و تبلیغی دشمنان شناخته و ناشناخته‌ی جمهوری اسلامی مشاهده کند، در این شرایط وظیفه‌ی شما سنگین، پرهیجان و پراجر است. شما و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاه، به کار خود نظم دهید، آن را با هدفهای روشن که از بنیان و محکومات انقلاب گرفته شده، جهت بخشید، بصیرت لازم و دید نافذ را برای شناخت دشمن و روشهای کینه‌ورزانه‌اش برای خود و عموم دانشجویان فراهم سازید، فتنه‌گرها و فتنه‌گرها را بخصوص در محیط دانشجویی شناسایی و خنثی کنید، اختلافات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را به حداقل برسانید، خدا را در همه حال حاضر و ناظر اعمال و نیت خود بدانید، و بدانید که هیچ هدفی برای انسان، شایسته‌تر و والاتر از رضای الهی نیست.

پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی / ۱۳۷۷/۰۷/۱۲

نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه‌ی نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه‌ی تفکر بسیجی باشد. و تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر ... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان / ۱۳۷۷/۰۹/۰۲

مشکل ایران اسلامی برای استکبار و برای آمریکا حل نشده است و حل هم نخواهد شد. این تبلیغاتی که بعضی از مطبوعات و رسانه‌ها در گوشه و کنار به شکلهای مختلف می‌کنند، ملاک نیست. همان‌طور که گفتیم، از آن سه عامل استفاده می‌شود؛ برای همین تبلیغات هم استفاده می‌شود. تبلیغاتی که عده‌ای بخواهند ملتی را به اسارت تشویق کنند. از این ابلهانه‌تر حرفی هست؟ یک ملت را به زیر بار بردن و زیر دست کردن. یک قدرت استکباری ظالم را به آفابیی و سروری پذیرفتن! آیا این حرفی است که یک ملت بتواند آن را بزند، یا یک انسان سالم بتواند آن را بیان کند؟ البته بعضی گروهکهای سیاسی هستند که دنبال مقاصد سیاسی خودشانند؛ حرفهایی می‌زنند و بعضی هم طوطی‌صفت حرفهای آنها را تکرار می‌کنند. این نمی‌تواند حرف مجموعه‌های سالم و صحیح و قوی باشد. امروز استقلال این کشور در تمسک به اسلام و عمل به اسلام، در وحدت کلمه و در شناختن دشمن است، که دشمن ایران هم امروز استکبار است و راس استکبار هم امریکاست. این است راه سعادت این ملت. این ملت این راه سعادت را خواهد رفت و همه هم وظیفه دارند که با آنچه که نیاز این زمان است، خود را

آشنا کنند و به آن پاسخ بگویند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۲/۱۲

بعد از رحلت امام، ما اعلام کردیم که راه امام و خط امام را ادامه می‌دهیم. اولاً این حرکت، از روی تقلید نبود؛ حرکتی براساس تجربه و آگاهی بود. راه امام، راه نجات این کشور، هم در آغاز انقلاب، هم در دوران حیات آن بزرگوار بود و هم امروز هست؛ اما راه امام چیست؟ مقصود ما از راه امام کدام است؟

چند مطلب از نظر امام، در درجه اول بود؛

اول، اسلام و دین بود. امام، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد. انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این نظام را قبول کردند، این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه‌ی اسلامی بود.

دومین مطلب، تکیه به مردم است هیچ کس در نظام اسلامی نباید مردم، رای مردم و خواست مردم را انکار کند. حالاً بعضی، رای مردم را پایه‌ی مشروعیت می‌دانند؛ لاف‌های پایه‌ی اعمال مشروعیت است. بدون آرا مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند.

سوم از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پرابهنگان را مهمترین عنصر در پیروزی‌های این ملت می‌دانست؛ همین‌طور هم هست و همان‌طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد.

یک عنصر دیگر، دشمن‌شناسی و فریب نخوردن از دشمن است. اولین کار دشمن این است که تبلیغ می‌کند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهان‌خواران را از این سفره‌ی به یغما رفته‌ی سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، می‌بینیم که دشمنی می‌کنند - در تبلیغات، در محاصره‌ی اقتصادی - هرکاری که می‌توانند در تقویت دشمن علیه نظام، می‌کنند؛ صریح هم می‌گویند!

در این مملکت، آنچه که برای امریکا، برای استکبار و برای جهان‌خواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردی است که این مردم به سینه‌ی دشمنان این کشور و جهان‌خواران زده‌اند؛ این را نمی‌خواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. امام، دشمن را می‌شناخت؛ روشهای سیاسی و روشهای تبلیغاتی آنها را می‌فهمید، می‌شناخت و در مقابل آنها محکم می‌ایستاد.

پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها / ۱۳۷۸/۰۷/۰۶

همه می‌توانند ببینند که دشمن امروز هم در تلاش است که دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه‌ی انقلابی منصرف کند. بزرگترین مسئولیت در مقابل با توطئه دشمنان، بر دوش خود دانشگاهیان عزیز چه اساتید و چه دانشجویان است، و یقیناً مانند برخی مقاطع حساس گذشته به این مسئولیت عمل خواهند کرد. انتظار این‌جانب از فرزندان دانشجویم آن است که هوشیارانه حوادث سیاسی جهان و کشور را زیر نظر داشته باشند. دشمن را در هر جا و با هر چهره‌تی بشناسند و هدفها و روشهای خصمانه را با تیزبینی تشخیص دهند. در هیچ شرائطی اجازه‌ی اخلاق در روند علم و دین را در دانشگاه به کسی ندهند و محیط مصفا و پرنشاط دانشجویی را برای پیشرفت سریع علمی همراه با تعهد و تدین و تلاش انقلابی حفظ کنند.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

کسانی که دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملی، هویت ملی، شخصیت و عزت ملی باور ندارند. تربیت‌هایشان طوری است که به آنها اجازه نمی‌دهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملت، زیانبار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمیت و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلیت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البته فعالیت می‌کنند، تبلیغات می‌کنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه می‌دهند؛ اما دل متن مردم، بخصوص جوانان - دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوان - هر جا هستند، درک می‌کنند که برای یک ملت، بزرگترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هرکس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز امریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای جز نقشه‌ی استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیت قبل از انقلاب! معلوم است که ملت ایران در مقابل این نقشه می‌ایستد. این، آن جهتگیری ضد استبدادی ملت ایران است. البته تلاشهایی از طرف دشمنان هست؛ تبلیغات می‌کنند، حرف می‌زنند، سفسطه می‌کنند؛ بعضی حتی سعی می‌کنند روز سیزده آبان را - که روز مقاومت در مقابل استکبار است - به روز نرمش در مقابل امریکا تبدیل کنند! اگر نگوئیم ساده لوحی است، ناچاریم بگوئیم خیانت است؛ منتها چون انسان نمی‌خواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده‌لوحی و غفلت است. شما جوانان باید خیلی هوشیار و بیدار باشید؛ باید اهداف دشمن را بشناسید. امروز قدرت استکباری امریکا هدفش تسلط بر دنیاست و این چیزی نیست که پنهان و پوشیده باشد. حتی دولتهای اروپایی از تهاجم فرهنگی و از دخالت و از نفوذ مداخله‌جویانه‌ی پول امریکا گله دارند. مساله، مساله‌ی تصرف و دست‌اندازی است. البته کشورهایی هستند که نمی‌توانند مقاومت کنند و بایستند؛ اما ملت ایران ایستاده است. آن طرف مقابل هم تهدید می‌کند، تطمیع می‌کند، چرب‌زبانی می‌کند، تبلیغات می‌کند؛ از همه‌ی اینها هم یک هدف را دنبال می‌کند، تا این‌که راهی بگشاید و مجدداً وارد کشور ایران شود و دوباره بساطش را پهن کند و بتواند آن وضع شرم‌آور قبل از انقلاب را برای ملت ایران تکرار نماید؛ اما بدون تردید ملت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.

بحمدالله امروز جمهوری اسلامی در سطح دنیا دارای عزت و چهره‌ی پیشرونده است. تلاشهای امریکاییها برای این‌که نتوانند ملت و دولت ایران را محاصره کنند و در انزوا بیندازند، به جایی نرسیده است و هرگز هم به جایی نخواهد رسید. ملت ما پشت سر مسوولان نظام ایستاده است. شناختن دشمن از همه مهمتر است. دشمن سعی می‌کند خود را دوست جلوه دهد و شعارهای ملتها را عوض کند؛ کمابین‌که شعار ضدیت با صهیونیسم را در میان بعضی از دولتمردان عرب، تبدیل به یک شعار انحرافی کردند! یکی از کارهایشان تبدیل کردن شعارهاست. ملت و دولتی تسلیم می‌شود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن شناسی بود - که من این توصیه را به جوانان دارم - آنوقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه‌ای خواهد بود و آنچه که دشمن می‌خواهد، به فضل پروردگار آن را در میان ملت ایران به دست نمی‌آورد.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف / ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

از آفات مهم جنبش دانشجویی، سطحی شدن است. عزیزان من! از سطحی‌اندیشی به شدت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجو، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که: «تفکر ساعه خیر من عبادت سبعین سنه»؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سالها بیشتر است؛ به خاطر این‌که اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاش سازندگیتان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستان را

می‌شناسید، دشمنان را هم می‌شناسید. شما فرض کنید در یک جبهه جنگی آدمهایی پیدا شوند که جبهه خودی را از جبهه دشمن تشخیص ندهند - حیران و سرگردان دور خودشان بچرخند - گاهی این‌جا تیر بزنند، گاهی آن‌جا تیر بزنند؛ گاهی بالا تیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم این‌طوری می‌شود. عده‌ای می‌خواهند در های‌وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغنها و رنگ و لعابهای دروغین، مجموعه‌ی دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم‌تصعبا و ندانستنها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه می‌تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسان‌های فرزانه و هوشمند است، این است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۹/۲۶

یک ملت زنده و ملتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتما باید از آن غفلت نکند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است. نمی‌شود ملتی را فرض کرد که آرمانهای بزرگی داشته باشد و بخواید کارهای بزرگی بکند؛ اما دشمن نداشته باشد. بله؛ ملتهایی هستند که به گوشه‌های خزیده‌اند، کاری به کار سرنوشتشان ندارند، بیگانگان هم بر آنها مسلطند، آنها هم مثل گوسفند می‌چرند و بیگانگان مثل چوپانهای خائن هرچه می‌خواهند، از آنها استفاده می‌کنند؛ البته آنها اگر بخواید همان‌طور زندگی کنند، هیچ لزومی ندارد که به این فکرها باشند؛ چون آینده‌ی برایشان وجود ندارد. البته امروز در دنیا چنین ملتهایی را خیلی کم می‌شود سراغ داد. اگر وجود داشته باشند، خیلی کم هستند. بالاخره ملتها بیدار شده‌اند. به‌هرحال، ملتی مثل ملت ایران که علیه دخالت بیگانگان قیام کرد و دست بیگانگان را کوتاه نمود و به مداخله‌ی بیگانگان در کشور خود پایان داد - اینها کارهای کوچکی نیست - دشمن دارد. ملت ایران به غارت بیگانگان از منابع نفتی و منابع گوناگون مادی خود خاتمه داد و دستگاه حکومتی را که به نفع بیگانگان کار می‌کرد، ریشه کن کرد و از بیخ و بن برانداخت. این ملت با این خصوصیات، بالاخره دشمن دارد و بدون دشمن نخواهد بود.

امروز هم ملت ایران، یک ملت آرمانگراست و با ظلم و زورگویی و تحمیل و تبعیض مخالف است. همه‌ی کسانی که اهل ظلمند، همه‌ی کسانی که اهل تبعیضند، همه‌ی کسانی که اهل زورگویی هستند و همه‌ی کسانی که اهل چپاولگریند، طبعاً با این ملت میانه‌ی خوبی ندارند. البته بعضیها می‌گویند و ترویج می‌کنند که ما توهم می‌کنیم که علیه‌مان توطئه هست و دشمنی وجود دارد! خیلی خوب؛ کسانی که دلشان می‌خواهد چشم خودشان را روی هم بگذارند و بگویند ان‌شاءالله گریه است، بگذارند؛ اما واقعیت که عوض نمی‌شود، وجود دشمن، با به خواب رفتن من و شما که از بین نمی‌رود. اگر دشمن، کمین گرفته و منتظر فرصت است که ضربه وارد کند، چه من و شما بدانیم، چه ندانیم؛ اگر به فرض خود را به ندانستن هم بنزیم، بالاخره دشمنی خودش را می‌کند، چون دشمن است. با ندانستن ما، یا خود را به ندانستن زدن، دشمن از دشمنی خود دست برنمی‌دارد. افرادی مایلند اثبات کنند که نخیر؛ ملت ایران هیچ دشمنی ندارد! کنار خانه‌ی خودتان بنشینید و به کار خودتان سرگرم باشید؛ خاطراتان هم جمع باشد که همه جا امن و امان است؛ نه؛ این حرفها واقعیت ندارد. یک ملت زنده نمی‌تواند این‌گونه فکر کند. حتی ما بعضی از ملتها و دولت‌ها را سراغ داریم که در دورانی، که یا دشمنانشان آن‌قدر هم خطرناک نبودند، یا دشمنانشان آن‌قدر به آنها نزدیک نبودند، این‌طور وانمود می‌کردند که دشمن در خانه‌ی آنهاست؛ برای این‌که بتوانند از خودشان درست دفاع کنند؛ در همین سالهای طولانی جنگ سرد بین شرق و غرب، غالباً در کشورهای غربی و عمدتاً در امریکا این‌طور بود. حتی دشمن موهوم درست می‌کردند؛ دشمنی که شاید آن‌قدرها هم دشمنی او نزدیک نبود؛ اما آن‌چنان دشمن را به افکار عمومی‌شان نزدیک جلوه می‌دادند که بتوانند کارهای بزرگ و اقدامات مورد نظر خودشان را انجام دهند! این مربوط به کسانی است که دشمن این‌قدر نزدیک به آنها هم نیست. آن‌وقت در کشوری مثل ایران، با این دشمنیها و توطئه‌های آشکار، با آنچه که در داخل کشور می‌بینیم، با آنچه که از اطراف و اکناف علیه ما به‌طور دائم توطئه و دشمنی انجام می‌گیرد، عاقلانه نیست که بگوییم: «نه آقا، ما دشمنی نداریم. دشمنمان، دشمن نیست و در فکر توطئه نیست.» این حرف قابل اعتنایی نیست. پس، آن کسانی که نمی‌خواهند خودشان را به حماقت بزنند و بگویند دشمن نداریم، ناچارند در هر مرحله‌ی هدفهای دشمنانشان را بشناسند و بدانند که دشمن در فکر چیست.

در جبهه، یک فرماندهی خوب، آن کسی است که بتواند بفهمد دشمن از کجا می‌خواهد حمله کند و این را به نیروهای خودش تفهیم نماید. در دوران جنگ تحمیلی، جوانانی که آن روز در میدان جنگ بودند، این نکته را خیلی خوب می‌دانند. اگر در هر نقطه‌ای که شما هستید، بتوانید بفهمید دشمن در فکر چیست، یقیناً مبالغ زیادی از حمله‌ی دشمن را پیشگیری خواهید کرد و خودتان را مصونیت خواهید بخشید و کارهایی را که باید انجام دهید، انجام خواهید داد. البته ما نمی‌خواهیم حالا دشمن معرفی کنیم. غالباً ملت ایران دشمنان بین‌المللی و جهانی خودش را می‌شناسد. اما هدفهای دشمن در این مرحله چیست؟ اگر از من سوال کنند، من می‌توانم دو، سه هدف را به‌عنوان هدفهای مرحله‌ی دشمن در این مقطع زمانی برای کشور و ملت‌مان نام ببرم. البته برخلاف تبلیغات رادیوهای همان دشمنان، ما ادعا نمی‌کنیم که آنچه ما می‌فهمیم، مر حقیقت است و هیچ خدشه‌ای در آن نیست و ما در فهمیدن، معصوم هستیم؛ نه. این فهم من است؛ این آن چیزی است که من به‌عنوان خدمتگزاری که خدای متعال با همه‌ی حقارت این بنده‌ی حقیر، مسوولیت سنگینی را بر دوشم گذاشته، احساس می‌کنم و درمی‌یابم که بایستی ذهن مردم را نسبت به این مطالبی که می‌فهمم، روشن کنم. البته اگر کسی اطلاعات بیشتر و فهم بهتری از مسائل دارد و طور دیگری می‌فهمد، او هم فهم خودش برایش معتبر است؛ اما آنچه که من می‌فهمم، اینهاست.

دشمن سه هدف مرحله‌ی و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میداندار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمی‌کرد و این ملت پیش نمی‌رفت. دشمن می‌خواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. پس، سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریبها را هم «اصلاح» می‌گذارند! من کاری به این دوستان و خودیهای غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله جنیان این حرکت، به بیرون از این مرزها مربوط است. در داخل مرزها هم کسانی که اساس کار دست آنهاست، جزو دشمنانند؛ مثل جبهه‌ی قاسطین که من سال گذشته در مورد امیرالمومنین علیه‌السلام عرض کردم. در مقابل حکومت علوی، سه جبهه وجود داشت: قاسطین و مارقین و ناکثین. مارقین و ناکثین، جبهه‌ی داخلی و جبهه‌ی خودی بودند؛ منتها خودیهای فریب خورده و به دام افتاده - یا به دام ثروت طلبی و مقام‌خواهی و عقده‌های خودشان، یا به دام جهالتها و حماقتها و تعصبات خودشان - اما جبهه‌ی قاسطین، جبهه‌ی دشمن بود؛ جبهه‌ی آشتی‌ناپذیر بود؛ با علی آشتی‌یکن نبود. آمدند به امیرالمومنین علیه‌السلام عرض کردند: «یا امیرالمومنین! بگذارید جناب معاویه بن ابی‌سفیان چند صباحی در راس حکومت بماند» اما حضرت فرمود: «نه؛ اگر من حاکم، او نمی‌تواند استاندار این حکومت باشد؛ باید کنار برود.» آنها امیرالمومنین علیه‌السلام را تخطئه کردند و گفتند بی‌سیاستی کرده است! بعضی از نویسندگان تا امروز هم می‌گویند امیرالمومنین علیه‌السلام بی‌سیاستی کرد! اما خودشان بی‌سیاستند؛ امیرالمومنین علیه‌السلام بسیار پخته عمل کرد؛ برای این‌که معاویه بن ابی‌سفیان، جناب طلحه و زبیر نبود که اگر آن امتیازی را که می‌خواست، به او می‌دادند، او ساکت می‌نشست؛ نه. آن جبهه، جبهه‌ی قاسطین بود؛ جبهه‌ی بود که با جبهه‌ی علوی نمی‌ساخت؛ در هیچ شرایطی هم نمی‌ساخت. هرچه او عقب می‌رفت، این یک قدم جلو می‌آمد و جز در میدان جنگ، نقطه‌ی تلاقی با هم نداشتند. امیرالمومنین علیه‌السلام این را می‌دانست و لذا تا زمانی که بر سرکار بود، جبهه‌ی قاسطین هیچ کار نتوانستند بکنند و همیشه

شکست خوردند؛ اما وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شهادت رسید - که شهادت علی هم به‌دست آن گروه‌های شبه‌خودی متعصب عقده‌ای بدفهم کج فهم فریب خورده بود، نه بیگانه‌ی آن‌چنانی - آن بیگانه‌ها - قاسطین - حکومت را گرفتند و با گذشت چند سال، نشان دادند که ایده‌آل آنها در حکومت چیست؛ حکومت «حجاج بن یوسف» در همین کوفه به‌وجود آمد؛ حکومت «یوسف بن عمر ثقفی» به‌وجود آمد؛ حکومت یزید بن معاویه به‌وجود آمد! معلوم شد که آن جریان، اصلاً جریانی نیست که بتواند در یک نقطه با جریان علوی تلاقی کند.

امروز هم عیناً همان‌طور است. جبهه‌ی دشمن، غیر از آن آدم غافل‌ی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می‌شود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا می‌کند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است؛ دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار می‌گیرد، اما خودش را نشان نمی‌دهد. در داخل کشور، خودش را نشان نمی‌دهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه‌ی جهانی، در جبهه‌ی بین‌المللی، به‌عنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سیای آمریکا، یا موساد صهیونیست‌ها چرا. کاملاً چهره‌ی او آشکار است؛ حرف هم می‌زند، حقایق را هم می‌گوید؛ انگیزه‌هایی را هم که او برای مبارزه با اسلام و مسلمین دارد، بیان می‌کند؛ اما آن دنباله‌ی او که داخل کشور است، خود را دم چک اقتدار حکومت قرار نمی‌دهد. می‌داند که این حکومت، حکومت مقتدری است؛ حکومتی است که متکی به آرا مردم است؛ متکی به محبت مردم است؛ متکی به ایمان مردم است. از این حکومت می‌ترسند و خودشان را جلو نمی‌دهند؛ حرفشان را با یک واسطه، با دو واسطه، با سه واسطه، از زبان آدم‌های غافل می‌زنند. یک وقت می‌بینید طرف یک روحانی است، اما غافل و فریب خورده و بی‌خبر؛ یا یک دانشجو است، اما اسیر احساسات شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احیاناً دچار عقده و کینه‌ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج می‌شود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است؛ دشمن ما آن کسی است که «قد بدت البغضا من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر». دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه‌هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضیشان در مقابل انقلاب بر رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضیشان بعد از آن‌که نظام اسلامی بر سرکار آمد، خرابکاری کردند؛ بعضیشان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده، از لاک خود بیرون خریده‌اند!

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۹/۲۴

جبهه‌ی دشمن، غیر از آن آدم غافل‌ی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می‌شود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا می‌کند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است؛ دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار می‌گیرد، اما خودش را نشان نمی‌دهد. در داخل کشور، خودش را نشان نمی‌دهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه‌ی جهانی، در جبهه‌ی بین‌المللی، به‌عنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سیای آمریکا، یا موساد صهیونیست‌ها چرا. کاملاً چهره‌ی او آشکار است؛ حرف هم می‌زند، حقایق را هم می‌گوید؛ انگیزه‌هایی را هم که او برای مبارزه با اسلام و مسلمین دارد، بیان می‌کند؛ اما آن دنباله‌ی او که داخل کشور است، خود را دم چک اقتدار حکومت قرار نمی‌دهد. می‌داند که این حکومت، حکومت مقتدری است؛ حکومتی است که متکی به آرا مردم است؛ متکی به محبت مردم است؛ متکی به ایمان مردم است. از این حکومت می‌ترسند و خودشان را جلو نمی‌دهند؛ حرفشان را با یک واسطه، با دو واسطه، با سه واسطه، از زبان آدم‌های غافل می‌زنند. یک وقت می‌بینید طرف یک روحانی است، اما غافل و فریب خورده و بی‌خبر؛ یا یک دانشجو است، اما اسیر احساسات شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احیاناً دچار عقده و کینه‌ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج می‌شود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است؛ دشمن ما آن کسی است که «قد بدت البغضا من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر(۱)». دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه‌هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضیشان در مقابل انقلاب در زمان رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضیشان بعد از آن‌که نظام اسلامی بر سرکار آمد، خرابکاری کردند؛ بعضیشان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده، از لاک خود بیرون خریده‌اند! خیال می‌کنند که فرصتی هست

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۱/۲۴

متأسفانه عده‌ای امروز حساسیت پیدا کرده‌اند؛ تا گفته می‌شود دشمن، لجنشان می‌گیرد که چرا می‌گویید دشمن! دشمن هست؛ نمی‌شود شما دشمن را ندیده بگیرید. هیچ کس یک ملت و یک جماعت را برای این‌که دشمن خود را ندیده است، خاک‌پزه‌های دشمن را ندیده است، اسلحه‌ی دشمن را ندیده است، توطنه‌ی دشمن را نفهمیده است، ستایش نخواهد کرد. خود دشمن به طور صریح می‌گوید که من دشمنی می‌کنم. خود دشمن می‌گوید که من برای ایجاد اختلال در ایران بوجه می‌گذارم؛ برای تشنج افکار در ایران رادیو درست می‌کنم؛ می‌خواهم مردم ایران دو دسته شوند. ولی ما بگوییم نیست؟! این ساده‌لوحی نیست؟! بنابراین، دست دشمن هم در کار است. البته اگر ما بیدار باشیم و اشتباه نکنیم، دشمن نمی‌تواند کاری بکند. پس، اشتباه و غفلت و کوتاهی ما یقیناً یک جز مهم و عنصر اساسی در موفقیت دشمن است.

بیانات در دیدار با جوانان در مصلاک بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

کشوری با چنین جوانانی، با چنین استعدادی، با چنین انرژی‌ای، با چنین امکانات طبیعی و اقلیمی‌ای و با آن زمینه‌های معرفتی و مکتبی، اگر مسوولانش درست کار کنند - که مسوولان کشورمان تصمیم هم دارند که کار کنند - بلاشک آینده‌ای که در انتظار آنهاست، یک آینده‌ی بسیار درخشان است؛ آینده‌ای که می‌تواند برای دنیای اسلام در درجه‌ی اول، و برای دیگران در درجه‌ی بعد، به عنوان یک الگو مطرح شود. اما تهدیدهایی هم هست. این تهدیدها را باید شناخت. این‌که من اصرار دارم در همه‌ی گفته‌ها و اظهارات - چه در خطاب به نسل جوان و چه در خطاب به عموم ملت - تهدیدهای متوجه به کشور و ملت و بخصوص نسل جوان را تذکر دهم، به این خاطر است که اهمیت این تهدیدها بسیار زیاد است.

عزیزان من! گاهی یک غفلت، یک بی‌توجهی، یک سستی و یا یک سهل‌انگاری، ممکن است یک محصول عظیم را از دست ملتی بگیرد. نباید اجازه داد. ملت ما نشان داده، آن‌جایی که جای کار و حرکت و تلاش است، اگر فرماندهان و مسوولان خوبی بالای سرش باشند، خواهد توانست کارهای بزرگ را به انجام رساند. بعد از این هم خواهد توانست؛ مشروط بر این‌که تهدیدها را بدانیم. این‌جا دیگر خطاب من فقط به نسل غیرجوان نیست؛ بخصوص به خود شما جوانان هم توجه می‌دهم و مایلم به‌طور دقیق تهدیدهایی را که وجود دارد، بشناسید و شما هم به سهم خودتان در مقابله‌ی با این تهدیدها کوشا باشید.

تهدیدهایی که متوجه آینده‌ی درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی؛ تهدیدهای داخلی. من ابتدا این یک کلمه را بگویم که اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد؛ عامل نفوذی نداشته باشد و دو چهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند؛ دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. البته توجه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. من می‌گویم هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است؛ بی‌بنوباری تهدید است؛ مواد مخدر تهدید است؛ بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی بیپوده تهدید است؛ درگیریهای داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسوولان تهدید است؛ البته غفلت مسوولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همه‌ی این

تهدیدها را از سر راه خود بردارد.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل / ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

این حرکت و این راه، دشمنانی دارد؛ مانعها و عایق‌هایی دارد؛ هم در محدوده‌ی درون خود انسان، هم در محدوده‌ی زندگی اجتماعی و هم در آفاق وسیع سیاسی. من در صحبت‌های خود بارها از دشمن اسم آورده‌ام و راجع به دشمن صحبت کرده‌ام. بعضی نسبت به این رویکرد، حساسیت نشان دادند؛ گفتند یا فهماندند که شما چرا مرتب به دشمن می‌پردازید. من در جواب آنها همیشه گفته‌ام و اکنون هم می‌گویم که اگر فرض کنیم دشمنی بر سر هر راهی وجود دارد، خردمندان نیست که انسان دشمن را نبیند و وجود او را عدم فرض کند. اگر فرض کنیم که دشمن در کمین ما نیست، این لزوماً به این معنا نیست که او در کمین ما نباشد. اگر دشمنی فرض می‌شود، باید او را شناخت و از او برحذر بود. ما در زمینه‌ی مسأله‌ی سیاسی بزرگ کشورمان - یعنی پیدایش نظام نو، نظام بی‌سابقه، نظامی که دارای پیام و سخن تازه‌ای است؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی - از روز اول تا به حال با دشمنانی مواجه بوده‌ایم. اگر ما چشم خودمان را بر این دشمنها بیندیم، این دشمنها از بین نمی‌روند. اگر ما به خودمان تلقین کنیم که او دشمن ما نیست، او از دشمنی منصرف نخواهد شد؛ باید دشمن را شناخت. بعضی گفتند: شما توهم توطئه می‌کنید؛ توطئه‌ای وجود ندارد! من در پاسخ، نشانه‌های توطئه و نشانه‌های خصومت را از اول انقلاب تا امروز در یک فهرست طولانی معرفی می‌کنم و نشان می‌دهم. چطور توطئه علیه ما نیست؟! در اول پیروزی انقلاب، آشکارا با انقلاب مخالفت شد؛ در سطح سرویس‌های امنیتی، مجامع سیاسی، تشکلهای سیاسی برخی کشورها و عمدتاً در آن مناطقی که این انقلاب و تشکیل این نظام در این کشور، منافع آنها را از بین برده بود. این سلسله تا امروز ادامه دارد. بحث من بر سر این نیست که ما حالا بیاییم دشمن را به طور مشخص با نشانه‌ها و با خصوصیات معرفی کنیم؛ نه، شناسایی دشمن دشوار نیست. آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه‌ی جهانی وجود دارد که امروز در راس آن، رژیم امریکاست. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرتهای دیگری باشند. امروز امریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده - پنهانی هم نیست - در مقالاتشان نوشته‌اند؛ در تحلیل‌های سیاسی‌شان، منافع خودشان را تعریف کرده‌اند. منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک قطبی؛ یعنی در راس مجموعه‌ی کشورهای عالم، دولتی به نام دولت امریکاست و در بدنه، انواع و اقسام دولتها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفتهای علمی و دارای توان نظامی‌اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه‌ی با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد - این تحلیل امریکایی است - دولتهایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته می‌شود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای - در اصطلاح قبلی - جهان سوم. از همه‌ی فرصتهای اینها که می‌توان برای توسعه‌ی اقتدار امریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم - نفت آنها، گاز آنها - باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولتهای مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولتها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیت‌هایی در آن کشورها هستند که می‌شود آنها را خرید، باید خرید، اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که می‌شود از آنها به عنوان نیروی فشار علیه دولتهایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. امروز امریکا این سیاست را دارد. یک روز انگلیس داشت؛ آن روزی که در شرق و غرب دنیا حاکمیت پادشاهی انگلیس تثبیت شده بود؛ در آسیا، در شبه قاره‌ی هند، در استرالیا، در کانادا و در جاهای دیگر، قبل از آن هم روسیه تزاری نسبت به همان منطقه‌ی محدودی که روی آن نفوذ و فشار داشت، این سیاست را اعمال می‌کرد. البته امروز ابزارها مدرنتر و وسایل پیشرفته‌تر شده است. درست است که انقلاب اسلامی ایران رژیم پهلوی را از بین برد، اما این مبارزه، فقط مبارزه‌ی با رژیم پهلوی نبود؛ مبارزه‌ی با حضور امریکا و با سلطه و نفوذ امریکاییها بود که تا مغز استخوان این ملت نفوذ کرده بودند. لذا از اول هم همه‌ی دنیا فهمیدند که در صف مقدم دشمنان این نظام و این انقلاب، امریکاست. حالا ما چشم خودمان را بیندیم، سر خودمان را کلاه بگذاریم و بگوییم؛ نه، امریکا با ما دشمن نیست؟! چه کار کرده که نشان بدهد دشمن نیست؟ اموال ما را بلوکه نکرده است؟ الان میلیاردها دلار متعلق به این ملت در امریکا بلوکه است. اموال و ابزار فراوانی در رژیم گذشته از امریکا خریده بودند و هنوز منتقل نشده بود که انقلاب شد. اینها در انباری نگهداری می‌شود؛ ما چند سال دنبال کردیم که آنها را برگردانیم، قبول نکردند. اموال ما را که در انبارهای آنهاست، به ما ندادند؛ با این‌که پولش را گرفته بودند؛ و جالب این است که انبارداری هم برای خودشان حساب کردند و شروع کردند از طلبهای ما کم کردن! یک دشمن چه کار کند که آدم باور کند او «دشمن» است؟!!

بیانات در دیدار جمعی از بانوان / ۱۳۷۹/۰۶/۳۰

هویت اسلامی این است که زن در عین این‌که هویت و خصوصیت زنانه‌ی خود را حفظ می‌کند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می‌کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده‌ی خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملتهای اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روزبه‌روز پیشرفت کند و هم در زمینه‌ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به این‌جا منتهی می‌شود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان با معرفت، در همه‌ی این میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۹/۱۱/۱۹

سوم، دشمن‌شناسی است. همه‌ی کارهای ما، یک نوع مبارزه است. زندگی، میدان مبارزه است. شما در خانه‌ی خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا نتوانید تنفس کنید و ادامه‌ی حیات دهید. مبارزه‌ها فرق می‌کند؛ کوچک و بزرگش فرق می‌کند؛ شخصی و عمومی‌اش فرق می‌کند؛ جهتگیری انسانی و ضدانسانی‌اش فرق می‌کند؛ همه در حال مبارزه‌اند. این‌که گفته‌اند «انما الحیاه عقیده و جهاد»، یک واقعیت است. انسان راهی را انتخاب می‌کند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه می‌شود. زندگی این است. این مبارزه علیه کیست؟ فلش این مبارزه را به سمت چه کسی باید قرار داد و جهت مبارزه کدام است؟ یعنی در این مبارزه، عبارت اخراجی این‌که دشمن کیست مهم است. این عنصر سوم هم در کار آن روز نیروی هوایی وجود داشت؛ دشمن معلوم بود.

دستگاه‌های مسلط بر این کشور که با فریب و نیرنگ و فشارهای گوناگون، با ادامه‌ی سلطه‌ی ظالمانه‌ی رژیم طاغوت نتوانسته بودند کاری انجام دهند و همه چیز از دستشان در رفته بود، یک راه بیشتر نداشتند و آن، کودتای نظامی بود. ژنرال امریکایی را به ایران فرستادند تا زمینه‌ی کودتای نظامی را بررسی کند. اگر قرار بود این کودتای نظامی انجام گیرد، به وسیله‌ی چه کسانی انجام می‌گرفت؟ به وسیله‌ی سران خود فروخته و خائنی که در نیروهای مسلح آن روز جا گرفته بودند. پس در واقع چه کسی می‌توانست دشمن این ملت و دین و انقلاب و این حرکت عظیم باشد؟ همان بدنه‌ی مسلحی که آنها غضبش کرده بودند. اما عناصر مومن نیروی هوایی دشمن را شناختند. از درون حصار نیروهای مسلح، انسانهای پاک، خوب، با اخلاص، مسلمان، مومن و متعهد، خواستند این تهمت و ننگ را به خود آنها برگردانند. حرکت نیروی هوایی ما در آن روز، دشمن‌شناسی آنها را نشان می‌داد.

آیا امروز هم این سه عنصر مهم است یا نه؟ آیا امروز هم احساس تعهد مهم است یا نه؟ آیا آدم ولنگار و بی‌اعتنای به مسوولیت و بدون احساس تعهد، ممکن است وجودش اندک فایده‌ای برای نیروی هوایی، برای ارتش، برای کشور و برای هر مجموعه‌ی دیگری - جز خودش - داشته باشد؟ پس، اول، احساس تکلیف است. امروز نیز همان احساس تکلیف برای یک‌یک ما لازم است.

حال که احساس تکلیف کردیم، می‌خواهیم کاری کنیم. بنابراین باید موقعیت و فضا و زمینه‌ها و امکانات را بشناسیم تا بدانیم کدام کار، بهین و برتر است و ما باید آن را انجام دهیم. این مبارزه‌ی بهینه در برابر کیست؟ دشمن ما کیست؟ ببینید؛ امروز هم هر سه عنصر، اساسی است.

روز نوزدهم بهمن شما پرسنل نیروی هوایی، فراموش شدنی نیست؛ همیشه مهم است و همیشه زنده خواهد ماند. آن دشمنی که جهت این مبارزه باید علیه او باشد، با هر سه نقطه در وجود یک‌یک افراد در کشور ما مخالف است.

جوانهای امروز در نیروی هوایی و در ارتش و در همه‌ی نیروهای مسلح و در سراسر کشور و در دستگاه‌های مختلف، با یک احساس پاک مسوولیت و تعهد به میدان می‌آیند. این استعداد ایرانی، این زمینه‌های فراوان کار، این امکاناتی که امروز در کشور و پای‌کار وجود دارد، آینده‌ی خوبی را نوید می‌دهد. دشمن چگونه می‌تواند از پدید آمدن آن آینده جلوگیری کند؟ راه اولش این است که این احساس تعهد را در هر انسان کاری و فعال بمراند و از بین ببرد؛ احساس تکلیف را به لابلالیگری، بی‌مبالاتی، ولنگاری و وادادگی تبدیل کند. از راه‌های مختلف هم وارد می‌شوند. از راه ترویج شهوات و از راه طعمه‌های مالی و سایر راه‌ها وارد می‌شوند و انسان‌های متعهد را به یک انسان بی‌تعهد و بی‌فایده و خنثی و از دست‌رفته تبدیل می‌کنند.

نقطه‌ی دوم - یعنی موقع‌شناسی - نیز همین‌طور است. بسیاری از این جنجال‌های سیاسی و تبلیغات که عمدتاً به وسیله‌ی بوق‌های اجنبی در داخل کشور ما فضا را آلوده می‌کنند و آلودگی فرهنگی و آلودگی صوتی معنوی به وجود می‌آورند، برای این است که موقعیت‌ها شناخته نشود؛ یعنی افراد ندانند که در چه موقعیتی قرار دارند. می‌بینید که گاهی اوقات جنجال‌های سیاسی موسمی به وسیله‌ی گروه‌ها و عناصر مختلف و بعضی از دستجات و جناح‌های گوناگون سیاسی در کشور راه می‌افتد. اینها بلندگو هستند. گوینده‌ها غالباً مربوط به دشمنان آن سوی مرزها هستند که مساله‌ای را وسط ذهنیت مردم پرتاب می‌کنند تا ذهن آنها را مشغول کنند و به دنبال آن، موقع‌شناسی از بین برود و جایگاه زمانه، نیاز زمانه، موقعیت فعالیت و عمل - این‌که امروز کشور به چه کاری احتیاج دارد - به دست فراموشی سپرده شود. بسیاری از نقش‌های فرهنگی دشمن در این زمینه است.

دشمن‌شناسی نیز همین‌طور است. می‌بینید بعضی کسان ترویج می‌کنند که ما دشمن خارجی نداریم! انسان از غفلت بعضی افراد تعجب می‌کند. من به شما عرض کنم، این انقلاب و این کشور و این حرکت عظیم، بزرگترین ضربه را بر منافع چپاولگران و غارتگران بین‌المللی وارد کرده است. اگر این حرف حقیقت دارد که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی جلو منافع غارتگرانه‌ی بیگانگان را در این کشور گرفته است - که حقیقت دارد و راست است - دیگر کدام توضیحی برای اثبات وجود دشمن لازم است؟! معلوم است که دشمن کیست و چه کسی با این نظام مخالف است.

اکثر رسانه‌های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات و سازمان‌های خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با مودیریه‌های اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!

من به شما عرض کنم، هر کس امروز سعی کند نقش دشمن را در ذهن‌های مردم، بی‌اهمیت و کوچک جلوه دهد - چه بداند، چه نداند - برای دشمن کار می‌کند. پس امروز هم این سه عنصر، سه عنصر اساسی است. امروز هم ما به همین سه عنصر احتیاج داریم. شما هم در نیروی هوایی به این سه عنصر احتیاج دارید.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجه بدهم که مواظب تئوری‌های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکیم‌آمیز غرب با کشورهای از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نام‌های مختلف، بسیار حرف‌ها زده می‌شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته‌ی تحکیم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزش‌های غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند - بخصوص امریکاییها - جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زیدگان است. لذا زیدگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و مناسبانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله می‌کنند! آنها حرف‌هایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرف‌ها می‌دهند! باید مراقب اینها بود.

من در این زمینه حرف‌های زیادی با محیط دانشگاه و جوان دانشگاهی و استاد دانشگاهی دارم. این حرف‌ها، حرف‌های جدی است؛ باید با اینها مواجه شد. نمی‌شود صورت مساله را پاک کرد و رفت خاطر جمع یک گوشه نشست. بعضی افراد می‌خواهند صورت مساله را پاک کنند. وقتی می‌گوییم دشمن، می‌گویند دشمن چیست؟ وقتی می‌گوییم توطئه، می‌گویند شما بدبین هستید! نمی‌شود با پاک کردن صورت مساله، قضیه را تمام کرد. قضیه که حل نمی‌شود؛ باید فکر کرد. البته علت این‌که من این را با فشر دانشگاهی در میان می‌گذارم، به خاطر این است که برای دانشگاهی احترام قائلم. من ارزش دانشگاه را برای کشور با همه‌ی وجود حس می‌کنم. دانشگاه نقطه‌ی اوج خدماتی را که می‌تواند به یک کشور ارائه شود، تامین می‌کند. دانشگاه برای کشور، بسیار مهم است.

به شما عرض کنم، اطلاع از مردم، یک بخش از اطلاع است؛ بخش دیگری اطلاع از دشمن است. کسی از من نپرسید که شما از دشمن هم اطلاعی دارید یا نه؟! ولی من خودم عرض می‌کنم: بله، بنده از دشمنان هم بی‌اطلاع نیستم. خیلی‌ها خیال می‌کنند که ما گاهی تیر به تاریکی می‌اندازیم و از دشمن صحبت می‌کنیم. نه؛ تیر به تاریکی انداختن نیست؛ می‌دانیم و حس می‌کنیم که دشمن حضور دارد. اتفاقاً همین چند روز قبل بعضی از مطبوعات امریکا خبر از اظهارات رئیس سازمان سیا دادند که در بعضی از روزنامه‌های ما هم منعکس شد. او گفته بود ما در فلان تعداد کشور - از جمله ایران را هم اسم آورده بود - ماموران سازمان خودمان را فعال کرده‌ایم که زبان مادریشان، زبان آن کشورهاست. بعد بخصوص اسم ایران را آورده بود و گفته بود ما مامورانی داریم که زبان مادریشان فارسی است و متوسط سنی‌شان هم سی سال است. ممکن است برای بعضی این سوال پیدا شود که چرا این حرف‌ها را می‌گویند. وقتی اطلاعاتی زیاد و سرریز می‌شود، برای صاحب آن اطلاعات اهمیتش کم می‌شود؛ لذا از گوشه و کنار حرف‌ها خیلی چیزها می‌شود فهمید. بله، ندیدن دشمن هنر نیست.

در زمان حافظ، چهار امیر پشت سر هم بر شیراز حکومت کردند که یکی از آنها شاه شیخ ابواسحاق است - البته اسمش شیخ است، اما شیخ نبوده - حافظ هم در چند جا اسم او را آورده؛ چون به او بسیار علاقه‌مند بوده است. شاه شیخ ابواسحاق، هم جوان، هم زیبا و هم بسیار عیاش بوده است. امیر مبارزالدین - که

یکی از پادشاهان آن منطقه بود - از کرمان حرکت کرد و به طرف شیراز آمد و قصد داشت این شهر را بگیرد. برای حمله به شیراز، آرام می‌آمد تا شیرازها نفهمند و او ناگهان شیراز را محاصره کند و فرصت دفاع به آنها ندهد. بعضی از مردم از ماجرا آگاه شدند، مأموران حکومت هم قضیه را فهمیدند؛ اما کسی اصلاً جرات نمی‌کرد موضوع را به شاه شیخ ابواسحاق خبر دهد. دشمن نزدیک شیراز رسید و تمام منطقه‌ی جلو حصار شیراز را اردو زد. وزیر شاه شیخ ابواسحاق بالاخره دید این‌طوری نمی‌شود؛ فردا دشمن به شهر حمله می‌کند و پادشاه خبر ندارد که دشمن پشت شهر است. آیا این برای یک مسوول هنر است که نداند دشمن کجاست؟! وزیر پیش شاه شیخ ابواسحاق آمد، اما دید جرات نمی‌کند مستقیم به او بگوید؛ لذا از راهش وارد شد؛ گفت هوا خیلی خوب و بهاری است و صحرا سبزه‌زار است؛ آیا میل ندارید بالای پشت بام قصر بروید و بیرون را تماشا کنید؟ به این بهانه پادشاه را از داخل قصر بیرون کشید و بالای قصر برد. وقتی پادشاه روی پشت بام رفت و نگاه کرد، دید کسانی در بیابان اردو زده‌اند. پرسید این اردو مربوط به کیست؟ گفت متعلق به امیر مبارزالدین است. گفت چه موقع آمده‌اند؟ گفت - مثلاً - ده روز است. این پادشاه بی‌غیرت و بی‌عرضه به جای این‌که بلافاصله بیاید و لباس جنگ بپوشد - البته بعد هم جنگ کرد و ابتدا اسیر و سپس کشته شد - گفت اینها حیفتان نیامد در این هوای خوش بهاری به جنگ آمدند! این‌گونه نمی‌شود انسان مسوولیت‌های مهم جامعه را بر عهده گیرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

امروز اگرچه ما همه‌ی مردم را به دقت و هوشیاری در مقابل توطئه‌های پیچیده‌ی دشمن توصیه می‌کنیم، اما کسانی را که با مسوولیت‌های گوناگون سروکار دارند، بیشتر توصیه می‌کنیم؛ چون امروز دشمن با ملاحظه‌ی شوکت و اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی، آهنگ حملات خود را نسبت به این نظام، پرشتابتر و تندتر کرده است. از دو سه طریق حمله به نظام جمهوری اسلامی را پیش می‌برند، شاید بتوانند ضربه‌های بزنند؛ و چون می‌بینند که ضربه‌ها کاری نیست و اثری نمی‌کند، مرتب در روشهایشان تجدید نظر می‌کنند. اقتدار این نظام که به عواطف و آرا عمومی و ایمان مردم متکی است، دشمن را سراسیمه کرده؛ اما هنوز از میدان خارج نشده است. دشمن هنوز توطئه می‌کند و تا مدت‌ها توطئه خواهد کرد. ما باید بیدار باشیم و همچنان که دشمن روشهای دشمنی خود را تغییر می‌دهد، هوشیاریهای خودمان را زیاد کنیم؛ هم همه‌ی آحاد این مردم عزیز - خوشیختانه مردم ما، جوانهای ما، قشرهای مختلف ما، همه آگاه و هوشیار و حساسند؛ که این حساسیت عمومی در کشور ما، امر بسیار مهمی است و خیلی چیزهای ریز به چشم مردم می‌آید - و هم مسوولان.

به مجرد این‌که بر سر مساله‌ای در داخل کشور اختلاف نظری به وجود می‌آید، بنا می‌کند یک طرف را کوبیدن، به نفع یک طرف دیگر؛ یک طرف را تعظیم و تجلیل و تکریم کردن، علیه یک طرف دیگر؛ ما باید هوشیار باشیم، حواسمان جمع باشد و بفهمیم که دشمن در چه فکر و چه خیالی است. خیلیها این ترند را می‌فهمند، بعضیها هم نمی‌فهمند و فریب می‌خورند. امام رضوان‌الله‌علیه در این‌گونه موارد یک قاعده‌ی کلی ابراز می‌کردند. بنده در طول این بیست‌ودو سال تجربه‌ای که از آغاز جمهوری اسلامی تا امروز داشته‌ام، همه‌جا دیده‌ام که این روش و منطقی که امام به کار می‌زدند، درست بوده است. امام می‌گفتند که هر وقت دشمنان از شما تعریف کردند، بدانید طمع در شما دارند؛ لذا مراجعه کنید و زمینه‌ی آن طمع را از بین ببرید. هرچه که آنها مردم را، جماعت را، جوانان و قشرهای مختلف را به آن دعوت کردند، بدانید که آن به ضرر شماست. ما هر جا تاکنون تجربه کرده‌ایم، همین‌طور بوده است؛ بنابراین بسیار باید مراقب بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

پیغمبر به مجرد این‌که وارد مدینه شد، کار را شروع کرد. از جمله شگفتیهای زندگی آن حضرت این است که در طول این ده سال، یک لحظه را هدر نداد. دیده نشد که پیغمبر از فشانیدن نور معنویت و هدایت و تعلیم و تربیت لحظه‌ای باز بماند. بیداری او، خواب او، مسجد او، خانه‌ی او، میدان جنگ او، در کوچه و بازار رفتن او، معاشرت خانوادگی او و وجود او - هر جا که بود - درس بود. عجب برکتی در چنین عمری وجود دارد! کسی که همه‌ی تاریخ را مسخر فکر خود کرد و روی آن اثر گذاشت - که من بارها گفته‌ام، بسیاری از مفاهیمی که قرنهای بعد برای بشریت تقدس پیدا کرد؛ مثل مفهوم مساوات، برادری، عدالت و مردم‌سالاری، همه تحت تاثیر تعلیم او بود؛ در تعلیم سایر ادیان چنین چیزهایی وجود نداشت و یا لاف‌ل به منصفی ظهور نرسیده بود - فقط ده سال کار حکومتی و سیاسی و جمعی کرده بود. چه عمر بابرکتی! از اول ورود، موضعگیری خود را مشخص کرد.

بعد، تدبیر و سیاست اداره‌ی آن نظام را طراحی کرد. وقتی انسان نگاه می‌کند و می‌بیند قدم به قدم، مدیرانه و هوشیارانه پیش رفته است، می‌فهمد که پشت سر آن عزم و تصمیم قوی و قاطع، چه اندیشه و فکر و محاسبه‌ی دقیقی قرار گرفته است که علی‌الظاهر جز با وحی الهی ممکن نیست. امروز هم کسانی که بخواهند اوضاع آن ده سال را قدم به قدم دنبال کنند، چیزی نمی‌فهمند. اگر انسان هر واقعه‌ای را جداگانه حساب کند، چیزی ملتفت نمی‌شود؛ باید نگاه کند و ببیند ترتیب کار چگونه است؛ چطور همه‌ی این کارها مدیرانه، هوشیارانه و با محاسبه‌ی صحیح انجام گرفته است.

اقدام بعدی بسیار مهم، ایجاد اخوت بود. اشرافیگری و تعصبهای خرافی و غرور قبیله‌ای و جدایی قشرهای گوناگون مردم از یکدیگر، مهمترین بلاهای جوامع متعصب و جاهلی آن روز عرب بود. پیغمبر با ایجاد اخوت، اینها را زیر پای خودش له کرد. بین فلان رئیس قبیله با فلان آدم بسیار پایین و متوسط، اخوت ایجاد کرد. گفت شما دو نفر با هم برادرید؛ آنها هم با کمال میل این برادری را قبول کردند. اشراف و بزرگان را در کنار بردگان مسلمان‌شده و آزادی‌یافته قرار داد و با این کار، همه‌ی موانع وحدت اجتماعی را از بین برد. وقتی می‌خواستند برای مسجد، مؤذن انتخاب کنند، خوش‌صداها و خوش‌قیافه‌ها زیاد بودند، معاریف و شخصیت‌های برجسته متعدد بودند؛ اما از میان همه‌ی اینها بلال حبشی را انتخاب کرد. نه زیبایی، نه صوت و نه شرف خانوادگی و پدر و مادری مطرح بود؛ فقط اسلام و ایمان، مجاهدت در راه خدا و نشان دادن فداکاری در این راه ملاک بود. ببینید چطور ارزشها را در عمل مشخص کرد. بیش از آنچه که حرف او بخواهد در دلها اثر بگذارد، عمل و سیره و ممشای او در دلها اثر گذاشت.

برای آن‌که این کار به سامان برسد، سه مرحله وجود داشت: مرحله اول، شالوده‌ریزی نظام بود که با این کارها انجام گرفت. مرحله دوم، حراست از این نظام بود. موجود زنده‌ی روبه‌رشد و نموی که همه‌ی صاحبان قدرت اگر او را بشناسند، از او احساس خطر می‌کنند، قهرا دشمن دارد. اگر پیغمبر نتواند در مقابل دشمن، هوشیارانه از این مولود طبیعی مبارک حراست کند، این نظام از بین خواهد رفت و همه‌ی زحماتش بی‌حاصل خواهد بود؛ لذا باید حراست کند. مرحله سوم، عبارت از تکمیل و سازندگی بناست. شالوده‌ریزی کافی نیست؛ شالوده‌ریزی، قدم اول است. این سه کار در عرض هم انجام می‌گیرد. شالوده‌ریزی در درجه‌ی اول است؛ اما در همین شالوده‌ریزی هم ملاحظه‌ی دشمنان شده است و بعد از این هم حراست ادامه پیدا خواهد کرد. در همین شالوده‌ریزی، به بنای اشخاص و بنیانهای اجتماعی نیز توجه شده است و بعد از این هم ادامه پیدا خواهد کرد.

پیغمبر نگاه می‌کند و می‌بیند پنج دشمن اصلی، این جامعه‌ی تازه متولد شده را تهدید می‌کنند:

یک دشمن، کوچک و کم‌اهمیت است؛ اما درعین‌حال نباید از او غافل ماند. یک وقت ممکن است یک خطر بزرگ به وجود آورد. او کدام است؟ قبایل نیمه‌وحشی اطراف مدینه. به فاصله‌ی ده فرسخ، پانزده فرسخ، بیست فرسخ از مدینه، قبایل نیمه‌وحشی‌ای وجود دارند که تمام زندگی آنها عبارت از جنگ و خونریزی و غارت و به جان هم افتادن و از همدیگر فاییدن است. پیغمبر اگر بخواهد در مدینه نظام اجتماعی سالم و مطمئن و آرامی به وجود آورد، باید حساب اینها را بکند. پیغمبر فکر اینها را کرد. در هر کدام از آنها اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت بود، با آنها پیمان بست؛ اول هم نکت که حتماً بیاید مسلمان شوید؛ نه، کافر و مشرک هم بودند؛ اما با

اینها پیمان بست تا تعرض نکنند. پیغمبر بر عهد و پیمان خودش، بسیار با فشار می‌کرد و پایدار بود؛

دشمن دوم، مکه است که یک مرکزیت است. درست است که در مکه حکومت به معنای رایج خودش وجود نداشت؛ اما یک گروه اشراف متکبر قدرتمند متنفذ با هم بر مکه حکومت می‌کردند. اینها با هم اختلاف داشتند، اما در مقابل این مولود جدید، با یکدیگر همدست بودند. پیغمبر می‌دانست خطر عمده از ناحیه‌ی آنهاست؛ همین‌طور هم در عمل اتفاق افتاد. پیغمبر احساس کرد اگر بنشیند تا آنها سراغش بیایند، یقیناً آنها فرصت خواهند یافت؛ لذا سراغ آنها رفت؛ منتها به طرف مکه حرکت نکرد. راه کاروانی آنها از نزدیکی مدینه عبور می‌کرد؛ پیغمبر تعرض خودش را به آنها شروع کرد، که جنگ بدر، مهمترین این تعرضها در اول کار بود. پیغمبر تعرض را شروع کرد؛ آنها هم با تعصب و پیگیری و لجاجت به جنگ آن حضرت آمدند. تقریباً چهار، پنج سال وضع این‌گونه بود؛ یعنی پیغمبر آنها را به حال خودشان رها نمی‌کرد؛ آنها هم امیدوار بودند که بتوانند این مولود جدید - یعنی نظام اسلامی - را که از آن احساس خطر می‌کردند، ریشه کن کنند. جنگ احد و جنگهای متعدد دیگری که اتفاق افتاد، در همین زمینه بود.

دشمن سوم، یهودیها بودند؛ یعنی بیگانگان نامطمئنی که علی‌العجاله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ اما دست از مودبگری و اخلاصگری و تخریب برنمی‌داشتند. اگر نگاه کنید، بخش مهمی از سوره‌ی بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه‌ی فرهنگی پیغمبر با یهود است. چون گفتیم اینها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهنهای مردم ضعیف‌الایمان اثر زیاد می‌گذاشتند؛ توطئه می‌کردند؛ مردم را ناامید می‌کردند و به جان هم می‌انداختند. اینها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند. پیغمبر تا آنجایی که می‌توانست، با اینها مدارا کرد؛ اما بعد که دید اینها مدارا برادر نیستند، مجازاتشان کرد. پیغمبر، بیخود و بدون مقدمه هم سراغ اینها نرفت؛ هر کدام از این سه قبیله عملی انجام دادند و پیغمبر بر طبق آن عمل، آنها را مجازات کرد.

دشمن چهارم، منافقین بودند. منافقین در داخل مردم بودند؛ کسانی که به زبان ایمان آورده بودند، اما در باطن ایمان نداشتند؛ مردمان پست، معاند، تنگ‌نظر و آماده‌ی همکاری با دشمن، منتها سازمان‌نیافته. فرق اینها با یهود این بود. پیغمبر با دشمن سازمان‌یافته‌ای که آماده و منتظر حمله است تا ضربه بزند، مثل برخورد با یهود رفتار می‌کند و به آنها امان نمی‌دهد؛ اما دشمنی را که سازمان‌یافته نیست و لجاجتها و دشمنیها و خیانتهای فردی دارد و بی‌ایمان است، تحمل می‌کند.

و اما دشمن پنجم. دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مومن وجود داشت. خطرناکتر از همه‌ی دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد؛ تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه‌ی با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچکتر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگتر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان.

پیغمبر در رفتار خود مدبرانه عمل کرد و سرعت عمل داشت. نگذاشت در هیچ فضیهای وقت بگذرد. قناعت و طهارت شخصی داشت و هیچ نقطه‌ی ضعیفی در وجود مبارکش نبود. او معصوم و پاکیزه بود؛ این خودش مهمترین عامل در اثرگذاری است. ما باید یاد بگیریم؛ مقدار زیادی از این حرفها را باید به بنده بگویید؛ من باید یاد بگیرم؛ مسوولان باید یاد بگیرند. اثرگذاری با عمل، به مراتب فراگیرتر و عمیقتر است از اثرگذاری با زبان. او قاطعیت و صراحت داشت. پیغمبر هیچ وقت دو پهلو حرف نزد. البته وقتی با دشمن مواجه می‌شد، کار سیاسی دقیق می‌کرد و دشمن را به اشتباه می‌انداخت. در موارد فراوانی، پیغمبر دشمن را غافلگیر کرده است؛ چه از لحاظ نظامی، چه از لحاظ سیاسی؛ اما با مومنین و مردم خود، همیشه صریح، شفاف و روشن حرف می‌زد و سیاسی‌کاری نمی‌کرد و در موارد لازم نرمش نشان می‌داد.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۰/۰۲/۱۲

عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت - و بحمدالله ماهی ماندگاری نظام شد - مساله‌ی دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حیله‌ی دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسوولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاههای استکباری دنیا را در این نقطه‌ی از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سالهای متماد مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاههای سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرات داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب‌مانده نگه‌دارند، اندک اهانتی کند؟! کسی جرات نداشت به آنها بگوید بالای چشمتان ابروست! امریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیت و آرامش به ایران می‌آمدند، می‌رفتند و می‌بردند. سیاست کشور، در دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست‌وزیران، با صوابدید آنها؛ و موضعگیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته‌ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را به کل به هم ریخت. امام می‌دانست که این دشمن ساکت نمی‌نشیند و تعرض می‌کند. اگر در برهه‌ای تعرض کرد و تودهنی خورد، موقتاً عقب‌نشینی می‌کند تا باز تعرض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متاسفانه می‌بینم که کسانی طبق خواسته‌ی آن دشمنان، تبلیغ می‌کنند که این توهم است! دشمن همین را می‌خواهد که مردم، مسوولان، کارگزاران حکومت، اداره‌کنندگان کشور و طراحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند. نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه‌های دشمنی او را شناخت. این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تاکید می‌کرد. این‌که می‌دیدید امام می‌فرمود: «هرچه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید»، به خاطر این است.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و آران و بیدگل / ۱۳۸۰/۰۸/۲۰

همیشه اطلاع از آنچه که دشمن در گذشته عمل کرده است، موجب می‌شود که انسان ترفندهای دشمن را در زمان خودش هم بداند. البته روشها عوض می‌شود. شما می‌بینید که در مبارزات ورزشی هم مربیان می‌نشینند و عملکرد فلان تیم رقیب را با دقت نگاه می‌کنند تا روشهای او را بشناسند. ملت ایران در طول صد سال اخیر اقلاً در دو قضیه مهم قبل از انقلاب اسلامی با امریکا و انگلیس روبرو شده است. یک قضیه، قضیه مشروطیت است؛ یک قضیه، قضیه نهضت ملی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیه، آنها ترفندی زدند و ملت ایران را از لذت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوری سخت و سیاه را در هر کدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.

من از این‌که می‌بینم جوانان ما از این قضایا بی‌اطلاعند، رنج می‌برم. همیشه اطلاع از آنچه که دشمن در گذشته عمل کرده است، موجب می‌شود که انسان ترفندهای دشمن را در زمان خودش هم بداند. البته روشها عوض می‌شود. شما می‌بینید که در مبارزات ورزشی هم مربیان می‌نشینند و عملکرد فلان تیم رقیب را با دقت نگاه می‌کنند تا روشهای او را بشناسند. ملت ایران در طول صد سال اخیر اقلاً در دو قضیه مهم قبل از انقلاب اسلامی با امریکا و انگلیس روبرو شده است. یک قضیه، قضیه مشروطیت است؛ یک قضیه، قضیه نهضت ملی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیه، آنها ترفندی زدند و ملت ایران را از لذت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوری سخت و سیاه را در هر کدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.

ماجرای سوم، ماجرای انقلاب اسلامی بود که امام هشیاری به‌خرج داد و نگذاشت. عده‌ای اول انقلاب به تلقین همان دشمنان، تبلیغ می‌کردند که بسیار خوب، امام آمد، انقلاب را پیروز کرد، مردم را به صحنه آورد و دولت جمهوری اسلامی تشکیل شد؛ کار امام دیگر تمام شد؛ امام به قم برود و مشغول درس و بحث و کارهای خود باشد! معنایش این بود که همان کاری که در مشروطیت شد، در انقلاب اسلامی هم بشود. امام بزرگوار ما، ملت مومن، مبارزان آبدیده‌ای که تجربه‌های تاریخی را داشتند و بزرگان سیاستمدار انقلاب که می‌فهمیدند چه می‌کنند و دشمن از کدام منفذ ممکن است هجوم و حمله‌ای دوباره به این کشور بکند، ترفند دشمن را فهمیدند. قانون اساسی تدوین شد و امام بزرگوار در همه‌ی جریان کار، بر استحکام این پایه اشرف و نظارت داشت. در طول این مدت، مردم در کنار حقایق دینی و پرچمداران معرفت دینی باقی ماندند. جوانان ما به جای این‌که طبق خواسته‌ی دشمن، به حقایق و زیباییهای معرفت دینی و به برجستگیهای اسلامی که پرچم عدالت را در دنیای امروز بلند کرده است، پشت کنند، از همه‌ی قشرهای دیگر آگاهانه‌تر و با اصرار بیشتر، پرچم اسلام و اسلام‌خواهی را در کشور برافراشته و به دست گرفته‌اند.

مردم و جوانان ما نگذاشتند فرمول قدیمی دشمن، در انقلاب اسلامی تحقق پیدا کند. این فرمول چیست؟ قدم اول، جدایی دستگاه سیاست و نهضت از دین و روحانیت است. قدم دوم، مایوس شدن مردم از تحولی که به وجود آمده است؛ مثل مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت. مایوس شدن مردم موجب می‌شود که در صحنه حضور نداشته باشند. قدم سوم، در غیاب مردم، پدید آمدن یک دیکتاتوری ظالمانه و بی‌رحم و در مشت دشمن و استکبار و استعمار قرار گرفتن است. در تحولاتی که دین نقشی نداشته است، راحت توانسته‌اند این فرمول را پیاده کنند؛ مردم را مایوس کنند؛ آنها را از صحنه دور کنند؛ در غیاب آنها هر کاری که می‌خواهند بکنند و عوامل مورد نظر خود را سر کار بیاورند. در ایران پس از انقلاب اسلامی نتوانستند این کار را بکنند؛ نتوانستند عنصر دین را از اساس حکومت جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی جدا کنند؛ نتوانستند مردم را مایوس کنند؛ مردم در صحنه ماندند و تا مردم در صحنه هستند، دشمن مجال هیچ تحرک واقعی و حقیقی را در کشور ما ندارد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۹/۰۱

مهمتر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد می‌شود، حواس خود را جمع خواهد کرد. همه، دشمن را می‌شناسند. امروز دشمن ملت ایران و دشمن استقلال و آزادی او، دولت استکباری و متکبر امریکاست. در این شکی نیست؛ به این موضوع، خودشان هم اعتراف می‌کنند. البته گاهی چاپلوسانه و ریاکارانه می‌گویند ما با ملت ایران مخالف نیستیم؛ اما اتفاقاً مخالفت اصلی آنها با ملت ایران است؛ چون ملت ایران است که این قیام عظیم را به راه انداخت؛ ملت ایران است که این پشتیبانی صادقانه و غیرتمندانه را از اسلام می‌کند؛ ملت ایران است که موجب شده امریکا نتواند طمع بورد؛ والا اگر ملت ایران پشتیبان نظام و مسوولان نبود، مگر مسوولان می‌توانستند در مقابل این زیاده‌خواهیها بایستند؟ ما این دشمن را می‌شناسیم؛ اما روش دشمنی را هم باید شناخت. امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمانهای اسلامی است؛ منحرف کردن شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد.

بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان / ۱۳۸۱/۱۲/۰۶

بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمنند. «رحما بینهم»؛ یعنی برادران مسلمان بین خود رحیم و مهربان باشند. دشمن از هر دو طرف تلاش می‌کند. از یک طرف غالی‌گری و ناصبی‌گری را ترویج می‌کند و شیعه را در چشم سنی، دشمن حقیقی معرفی می‌کند - بعضی از متحجرین دینی هم متأسفانه باور می‌کنند - از سوی دیگر شیعه را به اهانت به مقدسات و ارزشهای سنی وادار می‌کند. توطئه‌ی دشمن آن است که این دو مکتب را در مقابل هم قرار دهد. این اختلاف در جهت از بین بردن هویت یک ملت و در موضوعاتی ایجاد می‌شود که نباید بین آنها باشد. به علمای محترم شیعه و سنی گفتم شما دم از وحدت می‌زنید و این خیلی خوب است و من هم از شما ممنونم؛ اما از کید دشمن غافل نباشید. دشمن از راههایی وارد می‌شود که ممکن است شما از آن غفلت کنید و به آن توجه نداشته باشید هوشیار باشید و دشمن را در هر لباسی بشناسید. «و لتعرفنهم فی لحن القول»؛ از سخنانشان هم می‌توان آنها را شناخت.

بدانید کسانی که شما را به واگرایی از دین، ملت و کشور سوق می‌دهند، دشمنند و دوست نیستند. کسانی که شما را به اختلافات داخلی سوق می‌دهند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند دلها را نسبت به هم چرکین کنند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند آرمانهای انقلاب اسلامی را دست‌نیافتنی و نظام اسلامی را ناتوان از رسیدن به آنها جلوه دهند، دشمنند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

این‌که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست؛ به این مساله توجه داشته باشید. ندانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم. از سالهای هفتادوسه و هفتادوچهار بتدریج و به‌صورت روزافزون، مبارزه‌ی اعتقادی - اخلاقی شروع شد. بنده همان وقتها شروع این مبارزه را احساس کردم. بحث تهاجم فرهنگی‌ای که مطرح کردیم، ناشی از این بخش قضیه بود. در کنار حرکات عملی سیاسی و اقتصادی و غیره، حقیقتاً یک تهاجم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و با ابزارهای فرهنگی آغاز شد.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز / ۱۳۸۲/۰۵/۰۸

در مقابل روح سرکش و طغیانگری که امروز استکبار دارد، فقط یک عامل وجود دارد که می‌تواند آن را مهار کند و جلو این طغیانگری را بگیرد و آن، بیداری و اراده‌ی ملت‌نواست. وقتی ملتی بیدار است، حقوق خود را می‌شناسد، دشمن را می‌شناسد، هدف او را می‌داند و تصمیم می‌گیرد در مقابل او بایستد. این‌جاست که دیگر کمیت استکبار و امریکا و همه‌ی تجهیزات نظامی لنگ است. این‌جاست که دیگر نمی‌تواند کاری بکند. این همان نکته‌ی اساسی است که انقلاب اسلامی از اول روی آن تکیه کرد و نظام اسلامی براساس این پایه‌ی مستحکم، خود را بنا نمود. این‌جاست که شما جوانان باید قدر خود را بدانید. این‌جاست که مسوولان کشور باید قدر این جوانان پرشور، مومن و با اراده را بدانند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

جوانان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی‌ای که می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لایابالگیری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنایی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسوولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان می‌پردازند باید مراقب این موارد باشند. امروز مبارزه با امریکا این‌جاست. مبارزه با امریکا در میدان علم هم صدق می‌کند. آن‌جا هم از این‌که پیشرفت علمی داشته باشیم، ناراحتند. از پیشرفت علمی مردم ما ناراحتند؛ از پیشرفت اقتصادی مردم ما ناراحتند؛ از این‌که دولت بتواند خدمتی به مردم بکند و گره‌ای از مشکلات مردم باز شود، ناراحتند. هر کس به عقب‌ماندگی علمی کمک کند، به نفع امریکا کار کرده است. هر کس کمک کند به این‌که دولت نتواند خدمات لازم را انجام دهد - چه قوه‌ی مجریه، چه قوه‌ی قضاییه و چه قوه‌ی مقننه - برای امریکا و در خدمت امریکا کار کرده است. هر کس فکرها و نظرات امریکاییها را در روزنامه‌ها و تریبونها بیان کند، به نفع امریکا کار کرده است. یکی از

کارهای آنها شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی است. عینا همان کاری که در زمان امیرالمومنین می‌کردند؛ هر روز یک شایعه، یک تهمت و یک جنگ روانی. هر کس فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور امریکاست و برای امریکا کار کرده است؛ چه از امریکا پول بگیرد، چه نوکر بی‌مزد و مواجب امریکا باشد. امروز مبارزه با امریکا عبارت است از مقاومت در مقابل این جریان‌سازی سیاسی و فرهنگی. همه، حواسشان جمع باشد. آدمهایی که غرض و سونیتی ندارند، مواظب باشند به‌خاطر یک انگیزه و احساس زودگذر حرفی نزنند که در جهت خواسته‌های امریکا و علیه این ملت و این کشور تمام شود. بدانند دشمن چگونه تقویت می‌شود و از چه راههایی دست و پای خود را باز و علیه این ملت اقدام می‌کند.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۲/۰۱/۰۲

ثبات کشور و ثبات نظام اسلامی، بزرگترین فرصتی است که امروز در اختیار ملت ایران و مسوولان قرار دارد. دشمنان می‌خواهند کشور ثبات خود را از دست بدهد. در یک کشور بی‌ثبات، نه کار علمی می‌شود کرد و نه کار اقتصادی؛ نه کار فرهنگی می‌شود کرد و نه می‌توان از حقوق ملت دفاع کرد؛ همچنانکه نمی‌شود عزت ملت را در دنیا حفظ کرد. این ثباتی که امروز در این کشور وجود دارد، به برکت ابراز اقتدار ملت ایران در مراحل گوناگون است. همین‌که شما در راهپیمایی‌ها آنطور حضور پیدا می‌کنید؛ در پای صندوق انتخابات علی‌رغم تلاش دشمنان و بوقهای تبلیغاتی بیگانه آن‌طور با اخلاص وارد می‌شوید، نشان‌دهنده اقتدار ملی است و این اقتدار ملی پشتوانه‌ی ثبات کشور و نظام اسلامی است. البته مراکز استکباری عالم دوست ندارند کشور ما با ثبات باشد؛ می‌خواهند تلاطم در کشور ایجاد کنند. بدانید، و می‌دانید، که همه‌ی تلاش خود را می‌کنند برای بحران‌آفرینی؛ ایجاد تلاطم و ایجاد آشوب؛ همچنان‌که کردند. در تابستان سال ۸۲ همه‌ی دستگاه‌های جاسوسی وابسته به صهیونیسم و امریکا بسیج شدند برای این‌که کشور را به آشوب بکشند؛ اما آگاهی و هوشیاری مردم و تلاش مجاهدت‌آمیز خدمتگزاران آنها، دست رد به سینه‌ی همه‌ی این توطئه‌ها زد و نگذاشت. من بارها عرض کرده‌ام که دشمن از دشمنی خود دست نمی‌کشد، مگر وقتی که احساس کند دشمنی بی‌فایده است. امروز شما ملت ایران در نظر مستکبران عالم ملتی هستید که به‌وقت، بجا و به‌هنگام، آنچه را که نشانه‌ی اقتدار ملی است، به‌ظهور می‌رسانید و نشان می‌دهید؛ این را شناخته‌اند. همین آگاهی و هوشیاری و آمادگی شما، توطئه‌های چندساله‌ی فرهنگی و سیاسی دشمن را باطل کرد و از بین برد. خوابها دیده بودند؛ توطئه‌ها کرده بودند؛ ولی آگاهی شما، توطئه‌های دشمن را نقش بر آب کرد. امروز دشمنان ملت ایران که هدفشان این بود که کشور را به تلاطم و آشوب دچار کنند و برادرکنشی به راه بیندازند؛ هدفشان این بود که در بین مسوولان جنگ و اختلاف ایجاد کنند، به بن‌بست رسیده‌اند. آنها در عراق و در فلسطین هم به بن‌بست رسیده‌اند؛ چون مجاهدت و فداکاری ملت فلسطین آنها را به بن‌بست رسانده است. اینها سال گذشته در همین روزها خیال می‌کردند که با تصرف و تسلط بر عراق، یکسره طعمه‌ی کاملاً آماده‌ی را می‌توانند برابند و از بین ببرند؛ ولی امروز مشکلات عراق آنها را پا در گل کرده است و به بن‌بست رسیده‌اند. البته دشمن با این بن‌بست‌هایی که با آن مواجه است، ممکن است تصمیم‌های دیوانه‌وار بگیرد، اما هر تصمیمی هم که بگیرند، علیه ملت آزاده‌ی مثل ملت ایران نقش بر آب خواهد شد؛ ملت ما بیدار است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۸۲/۰۹/۲۰

امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می‌بینید دست‌پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرفهایی می‌زنند، چه سمپاشی‌هایی می‌کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاق می‌پراکنند. سالهای متمادی است که دست استعمار و دست قدرت‌طلب قدرتهای فزونخواه غربی دارند این کار را می‌کنند. در حج، فرصت خوبی برای آنهاست تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه‌ی دوران سال و در همه‌ی میدانها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. بعد از گذشت قرن‌ها روبه‌روی هم بنشینند - مثل کسانی که در جنگ با همدیگر روبه‌رو می‌شوند - با دل‌های پرکینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ این او را سب کند، او این را سب کند. هیچ بعدی ندارد که بخصوص در این روزگار بسیار حساس، در مراسم حج کسانی را اجیر کنند، برای این‌که این اختلاف را ایجاد کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروانها باید با احساس مسوولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال این‌که از حقیقت دفاع می‌کند، از نقشه‌ی دشمن دفاع کند و برای دشمن کار کند. دیگران پول می‌گیرند، مزدور می‌شوند و این کار را می‌کنند؛ عده‌ی عوام سطحی متعصب را هم ممکن است علیه شما، علیه عقایدتان و علیه مقدساتتان تحریک کنند. اگر با عمل متقابلی مواجه شوند، بلاشک به هدف خودشان رسیده‌اند؛ آنها همین را می‌خواهند؛ می‌خواهند ما را با هم گلاویز کنند تا خیال خودشان را راحت کنند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

اولین چیزی که در حوزه‌های علمیه لازم است، عمق بخشیدن به تحصیل دینی است؛ باید درس خواند، باید کار کرد. حوزه‌های علمیه باید صادرات فکری داشته باشند؛ باید روحانی عالم و فرزانه تربیت کنند؛ باید روحانی پاکیزه و پاکدامن پرورش دهند؛ باید روحانیونی پرورش دهند که با مسائل سیاسی عالم آشنا باشند و دنیا را بشناسند. یکی از اشکالات کار ما، نشناختن وضع زمانه است. بعضی‌ها علم و تقوا هم دارند، اما درعین‌حال نمی‌توانند جایگاه و سنگری را که باید در آن بایستند و کار کنند، بشناسند؛ مثل کسی که در بین جبهه‌ی خودی و دشمن، سنگر و جایگاه خودش را گم می‌کند و جهت دشمن را اشتباه می‌کند؛ آتش هم می‌گیرد، اما گاهی آتش را روی سر دوستان می‌ریزد. نشناختن فضای جغرافیای سیاسی و فکری دنیا و همچنین نقطه‌ی تمرکز و خط نگاه و امتداد تیر دشمن - که از کمان حقد و کینه‌ی او پرتاب می‌شود - ما را خیلی دچار اشکال می‌کند. باید در زمینه‌ی علمی کار کنیم؛ در زمینه‌ی سیاسی هم برای خودمان آگاهی درست کنیم؛ خود را پاکیزه کنیم و از لحاظ شخصی هم اهل تزکیه باشیم. روحانی، مظهر پاکی و پاکیزگی است. امروز یکی از آماج‌های حملات دشمنان بلاشک روحانیت است. روحانیت را با کلیتش می‌خواهند از بین ببرند؛ در این هیچ تردید نکنید. درست است که در بین روحانیون کسانی را برای آماج قرار دادن، هدف قرار می‌دهند و برایشان اولویت قائل می‌شوند؛ اما در نهایت، از نظر دشمن، کلیت روحانیت مخل و مضر و مزاحم است؛ چون روحانیت پایبند به معارف دینی است، مگر آن روحانی‌یی که به‌طور کامل در دام شیطان غلتیده باشد؛ که البته چنین چیزی هم خیلی کم اتفاق می‌افتد. امروز روشنگری دینی مهمترین زهری است که جامعه‌ی اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد؛ لذا با روحانیت و حضور فعال روحانی مخالفند. اگر روحانی مومن و فعال و کارآمد و هوشمند و هوشیاری باشد، با او بیشتر مخالفند و او را بیشتر آماج حملات خودشان قرار می‌دهند. لذا امروز حفظ حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب فاضل و علمای بزرگ یک وظیفه‌ی اساسی است؛ این وظیفه در کرمان هم وجود دارد، در شهرستان‌های این استان هم وجود دارد، در همه جای کشور هم وجود دارد. باید فضیلت آگاه، عالم، فقیه، فیلسوف، متکلم، مفسر و محدث که درعین‌حال با مسائل جهان و تاریخ و عملکردهای دشمن آشنا باشند، در حوزه‌های علمیه تربیت شوند. برای این هدف باید فکر کرد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه / ۱۳۸۲/۰۷/۲۱

آنها توجه دارند که اگر بخواهند کشوری را تحت سیطره‌ی اقتصادی و سیاسی نگه دارند، راهش این است که نگذارند از لحاظ علمی پیشرفت کند. عین همین قضیه در طول دوران حکومت پهلوی هم وجود داشته. اینها مسائلی است که تحلیل و تبیین آنها جزو کارهای طولانی است. البته این کارها شده؛ اینها دعوی محض نیست؛ استدلال‌هایی پشت سرش وجود دارد.

امروز کشور ما خوشبختانه دوره‌ی را می‌گذرانند که دو آگاهی در آن هست: یکی آگاهی به توانایی و استعداد ذاتی خود؛ دوم آگاهی به این‌که قدرتهای در پی

سیطره‌ی بر کشور ما و بر کشورهای نظیر ما، مهمترین معارض دانشمند شدن و پیشرفت علمی کشور ما هستند. یعنی آگاهی به معنای خودشناسی، و آگاهی به معنای دشمن‌شناسی و توطئه‌شناسی، به برکت این دو آگاهی، این امید وجود دارد که ما بتوانیم به پیشرفتهای عظیم علمی نایل شویم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

آخرین سرفصلی که ذکر می‌کنم، غفلت از دشمن است. هر چه از دشمن و توطئه‌های دشمن غفلت کرده‌ایم، بایستی از آن استغفار و توبه کنیم. این توبه به معنای توجه دادن خود، تنبه دادن به خود به معنای آگاهی و هشیاری و باز شدن چشم ماست. مدتی این جنجال را راه انداختند که شما از دشمن، زیاد اسم می‌آوردید؛ توهم توطئه دارید؛ خیال می‌کنید علیه شما توطئه است. با غفلت از توطئه، مگر توطئه از بین می‌رود؟ امروز دیگر همه چیز آشکار و ظاهر شده است. آن روزی که این حرفها زده می‌شد، شاید هنوز برخی از حرفها علنی نشده بود؛ اما امروز به طور علنی اعلان می‌کنند که علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه قانون اساسی ما، علیه ملت ما و علیه منافع ما توطئه وجود دارد. با غفلت از توطئه نمی‌توان از توطئه جان سالم به در برد. باید هوشمندانه و آگاهانه با دشمنی‌ها و توطئه‌ها آشنا شد و در مقابل آن هوشمندانه و آگاهانه و مدبرانه از خود و از منافع ملی خود و از هویت خود دفاع کرد.

بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۸۵/۰۲/۰۶

همه‌ی جوان‌های کشور، همه‌ی صاحبان فکر و تدبیر و همه‌ی پیرهای کشور، زن و مرد، باید همت کنند در این حرکت عظیم و همگانی این ملت، خودشان را سهیم کنند و می‌شود. شما هر جا هستید و هر جا مشغول کارید، بدانید همان جا یک گوشه‌ای از این جبهه‌ی وسیع است؛ اگر همان جا خوب و منضبط و وفادارانه و با مهارت کار کنید، در این جبهه اثر گذاشته‌اید. و دشمن این را نمی‌خواهد؛ این را هم توجه داشته باشید. دشمنان ما و استکبار خبیث جهانی فهمیده‌اند که با ملت و جمهوری اسلامی ایران در میدان جنگ نظامی نمی‌شود وارد شد؛ برایشان خسارت‌های زیادی دارد و درست هم هست و این را درست فهمیده‌اند. دارند بوجه می‌گذارند و سعی‌شان این است که داخل قشرهای مردم - در بین دانشجویها، در بین کارگراها، در بین دستگاه‌های اداری، در بین کارمندا و در بین قشرهای مختلف - اختلاف ایجاد کنند تا نگذارند کشور این راهی را که دارد طی می‌کند، این راه را طی کند. امروز دشمن دنبال این است. همه باید هوشیار باشند. تکلیف الهی بر دوش همه‌ی ما این است که هر کدام، هر جا هستیم، چشم و گوشمان را از همیشه بیشتر باز کنیم و ببینیم دشمن برای این نقطه‌ای که ما قرار داریم، چه طراحی‌ای کرده است؛ نگذاریم او در این طراحی کامیاب شود؛ این وظیفه‌ی ماست.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم در سالروز میلاد امیرالمومنین(ع) / ۱۳۸۵/۰۵/۱۷

امت اسلامی پیشرو علم و مدنیت و اخلاق و گسترش نشانه‌های انسانیت در دورانه‌های طولانی در تاریخ بود. امروز امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب‌ماندگی است؛ کفار و دشمنان دین در سیاست و در امور زندگی او دخالت می‌کنند؛ به او ظلم می‌کنند و او نمی‌تواند از خودش دفاع کند. این، ضعف و انحطاط دنیای اسلام بر اثر فراموش کردن مجاهدت در راه خداست. نمی‌گوییم چرا شمشیر دست نگرفته‌اید و وقت و بی‌وقت با دشمن نجنگیده‌اید - جنگ هم یکی از انواع جهاد است - می‌گوییم ما چرا از شناسایی دشمن غافل شده‌ایم؟ از نقشه‌های دشمن غافل شده‌ایم؟ از کید دشمن غافل شده‌ایم؟ چرا فریب دشمن را خورده‌ایم؟

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی بمناسبت کنگره عظیم حج / ۱۳۸۵/۱۰/۰۸

با آغاز بیداری اسلامی که نقطه‌ی اوج آن سربرآوردن جمهوری اسلامی در ایران بود، اردوگاه استعمار غربی با تهدید بزرگ روبرو شد. شکست مکتبهای سیاسی شرق و غرب و غلط درآمدن و فروریختن ارزشهایی که استعمارگران، آن را تنها راه خوشبختی بشریت وانمود میکردند، خودآگاهی اسلامی را در میان توده‌های مسلمان ریشه‌دار ساخت و ناکامی‌های پی‌درپی مستکبران در پوشاندن و خاموش کردن این فریاد الهی، نهال امید را در دل ملت‌های مسلمان بارور ساخت.

امروز روزی است که امت اسلامی چه نخبگان سیاسی و فرهنگی و دینی و چه توده‌های مردم در آن، باید بیش از همیشه هوشیار باشند و حیل‌های دشمن را بشناسند و با آن مقابله کنند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

ملت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین‌المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. دنیا مردم‌سالاری دینی را نمی‌شناخت؛ امروز مردم‌سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه‌ی ملت‌های اسلامی است. دنیا تعریف نظام سلطه را نمی‌شناخت؛ این را ملت ما تعریف کرد و در فرهنگ سیاست بین‌المللی وارد شد. مسئله‌ی دین‌محوری سیاست، قانون، مدیریت کشور؛ اینها همه مفاهیم جدیدی است که ملت ما توانسته است اینها را وارد کند. پس ما در مسابقات جهانی - مسابقه‌ی علمی، مسابقه‌ی سیاسی، مسابقه‌ی صنعتی، مسابقه‌ی اقتصادی و مسابقه‌ی فرهنگی - می‌توانیم وارد شویم و در کوتاه‌مدت امید به موفقیت داشته باشیم، و در بلندمدت امید به سرآمد شدن داشته باشیم. این، وضع ملت ماست. این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالتی بی‌مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمنهای درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سالهای قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلاک عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردم‌ش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد، بنا را ویران می‌کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد می‌کند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مومن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمدالله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امید دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند. اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای

آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی‌شان، نه تهدید نظامی‌شان، نه فشار سیاسی‌شان، نه جنگ روانی‌شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار فوی‌تر هستیم؛ این نشان‌دهنده این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست. ما در مقابل این دو دشمن وظائفی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه‌ی او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارند. ما سیاست‌های پنج‌ساله‌ی خودمان را تعریف می‌کنیم؛ افق چشم‌انداز بیست‌ساله را تعریف می‌کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین‌طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۱/۱۷

چیزهایی مانع از اتحاد می‌شود. عمده‌ی آنها بعضاً کج‌فهمی‌ها و بی‌اطلاعی‌هاست؛ از حال هم خبر نداریم؛ درباره‌ی هم توهمات می‌کنیم؛ درباره‌ی عقاید هم، درباره‌ی تفکرات یکدیگر دچار اشتباه می‌شویم؛ شیعه درباره‌ی سنی، سنی درباره‌ی شیعه؛ فلان ملت مسلمان درباره‌ی آن ملت دیگر، درباره‌ی همسایه‌اش؛ سو تفاهم‌ها، که دشمنان هم بشدت بر این سو تفاهم‌ها دامن می‌زنند. افرادی هم متأسفانه بر اثر همین سو فهم، سو تحلیل، ندیدن نقشه‌ی کلی دشمن، بازیچه‌ی این بازی دشمن قرار می‌گیرند و دشمن از آنها استفاده می‌کند. گاهی یک انگیزه‌ی خیلی کوچک، انسانی را وادار می‌کند حرفی بزند، موضعی بگیرد، کاری بکند که دشمن در نقشه‌ی کلی خود از آن حرف استفاده می‌کند و شکاف را بین برادران زیاد می‌کند.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۲۱

به مجردی که دشمن کوچکترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضعگیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است. چه‌طور دشمن را بشناسیم؟ چه‌طور تمایلات او را کشف کنیم؟ چه‌طور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آن جا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کار سختید؛ بسیجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۲۱

مگر مجموعه‌ی بسیجی - آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب - می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجوی‌های بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجوی و بسیجی - به همان معنای مثبت و پرخون و پرتپش - باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجوی بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجوی هم فقط بی‌زاری از امریکا نیست. امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؛ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی. بی‌زاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچکترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضعگیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.

چه‌طور دشمن را بشناسیم؟ چه‌طور تمایلات او را کشف کنیم؟ چه‌طور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آن جا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کار سختید؛ بسیجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۲۱

بسیج دانشجویی نیازهایی دارد؛ نیازهای اصلی و عنصری و اساسی؛ نیاز اولش به فکر و تحلیل و روشن‌بینی است. فکر، تفکر، اندیشه‌پردازی - یا به قول شماها کار تئوریک - در زمینه‌ی مسائل اسلام، در زمینه‌ی مسائل انقلاب، در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی و در زمینه‌ی مسائل جاری؛ به طوری که دانشجوی بسیجی، در هر جمع دانشجویی، ذهن روشنتر، زبان گویاتر و ابتکار بیشتری داشته باشد. همان طوری که گفتم و اشاره کردم، حقایق را از ورای جناح‌بندی‌های سیاسی نگاه کنید و ببینید؛ از بالا نگاه کنید و جبهه را ببینید. در یک جبهه‌ی گسترده‌ای که ممکن است طول آن صد کیلومتر باشد، واحدهای گوناگونی هستند؛ یک نفر در یک واحد، فقط خودش را می‌بیند. اما آن کسی که با هلی‌کوپتر از بالا عبور می‌کند، آرایش جنگی مجموعه‌ی این واحدها را می‌بیند. از بالا اوضاع کشور را نگاه کنید؛ آن وقت جای خودتان را درست پیدا می‌کنید که کجا باید باشید، چه کار باید بکنید، به چه چیز باید حساسیت نشان بدهید، به چه چیز باید حساسیت نشان ندهید. همان طور که گفتم گاهی یک حرف حق را نباید زد؛ چون گفتن این حرف، پازل دشمن را تکمیل می‌کند. مواظب باشید در هیچ مرحله‌ای، شما تکمیل‌کننده‌ی پازل دشمن نباشید.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) / ۱۳۸۶/۰۵/۲۸

یک توطئه‌ی عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فرق اسلامی وجود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئله‌ی شیعه و سنی را مطرح می‌کنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنی نیست، بلکه می‌خواهند بقیه‌ی فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه‌های اصولی، فرقه‌های فقهی، فرقه‌های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن می‌خواهد و بخصوص انگلیسها در این قضیه متبحرند؛ خیلی مجربند؛ سال‌های متمادی - دهها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صد‌ها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را می‌شناسند؛ روی آنها انگشت می‌گذارند برای ایجاد اختلاف. الان هم بشدت مشغولند. البته دیگر اینجا مخصوص انگلیسها نیست؛ سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی

اسرائیل و آمریکا و همه هستند، برای اینکه این اختلاف را عمیق کنند. شایعات درست میکنند؛ با فلان مسئول یک کشور سنی، طوری حرف میزنند که احساس کند شیعه به عنوان یک خطر دارد او را تهدید میکند. اینجا با جامعه شیعیان - مسئولان کشور شیعه و بقیه کشورهای که در آنها شیعه هستند - طوری حرف میزنند که احساس کنند اهل سنت دارند آنها را تهدید میکنند و هستی و هویت آنها را از بین میبرند. کارشان این است. عین همین قضیه در تواریخ سابقه هم دارد. نمونه‌های مشخص و معینی ذکر شده است، ما هم در زمان خودمان داریم می‌بینیم. به فلان مسئول سنی میگویند چه نشسته‌ای که از ایران آمدند چند تا روستا را در کشور تو شیعه کردند! اینجا هم می‌آیند و به بعضی از ما میگویند چه نشسته‌اید که آمدند چندتا روستا از کشور شما را سنی کردند! اینجا کار دشمن است. باید این را شناخت.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم / ۱۳۸۶/۱۰/۰۸

خدا را شکر میکنیم ملت ایران در طول این بیست و هفت، هشت سالی که خدای متعال این توفیق را داد و اینها توانستند پرچم اسلام را در این سرزمین بلند کنند، جوری عمل کردند که در هر یک از تدابیر استکبار، آنها مقابل ملت ایران شکست خوردند. اگر نوع تحرکات و انگیزشها و حرکتها استکبار را در مقابل جمهوری اسلامی در این بیست و هفت، هشت سال فهرست کنیم، در همه‌اش بدون استثنا آنکه شکست خورده، آن جبهه‌ی پرمدا و متکبر و مستکبر بوده است. ما ادعائی هم نداشتیم، اما ما مردم مسلمان به برکت ایمانمان، به برکت توکلمان، به برکت حضورمان در صحنه، به برکت اینکه میخواستیم مسئولیت خود را انجام دهیم، ما ملت ایران بر همه‌ی این دستگاه پرهیاهوی استکبار در همه‌ی این قضایا فائق آمدیم. اینجا به انواع و اقسام خواستند اختلاف ایجاد کنند، نتوانستند. و باید هوشیار باشیم. راه ادامه‌ی این موفقیتها، عزیزان من! این است که ما دشمن را فراموش نکنیم. دشمن را فراموش نباید کرد. در همه‌ی قضایا باید توجه داشت که دشمنی وجود دارد که از غفلت ما ممکن است استفاده کند، ضربه وارد کند. این، روشی است که قرآن به ما یاد میدهد. شما ببینید سرتاسر قرآن چقدر اسم شیطان تکرار شده. خوب، یک بار میگفتند یک شیطان‌ی هست، تمام شد دیگر؛ این برای همین است که انسان در عرصه‌ی زندگی - که عرصه‌ی چالشها و مبارزه است؛ زندگی سرتاپا چالش و مبارزه است - فراموش نکند که دشمن دارد و دشمن ممکن است ضربه بزند. راهش این است: دشمن را فراموش نکنیم؛ خدای متعال را هم که پشتیبان ماست، از یاد نبریم؛ احساس مسئولیت حضور در صحنه را هم از یاد نبریم. این، آن عامل بسیار موثر و مهم است.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

این دشمنی که در مقابل ملت ایران است، با این اعتماد به نفسی که شما تا امروز به آن رسیده‌اید، ستیزه خواهد کرد؛ بخصوص که امروز آمریکا در سیاستهای خاورمیانه‌ای خودش شکست خورده. سیاستهای خاورمیانه‌ای آمریکا عمدتاً معطوف به جمهوری اسلامی بود. از یک طرف افغانستان، از یک طرف عراق؛ فکر میکردند جمهوری اسلامی بین دو لبه‌ی یک گازانبر قرار خواهد گرفت و زیر فشار واقع میشود و دستهایش را بالا میبرد. سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبتنی بود بر تقویت رژیم صهیونیستی، و یکی از بزرگترین اقدامها و تصمیماتشان این بود که در داخل لبنان - که همسایه‌ی مشرف بر سرزمین فلسطین غصب شده است - آن نیروی محرکه و مومن و اثرگذار و نافذ، یعنی حزب‌الله و نیروی مقاومت را از بین ببرند. سال گذشته با آن شکست مفتضحانه، این از دستشان گرفته شد. از پارسال تا حالا هم مرتب دارند دست و پا میزنند، برای اینکه شاید بتوانند در لبنان یک کاری بکنند. یک حکومت طرفدار آمریکا، یک ارتش طرفدار آمریکا به وجود بیاورند؛ که الان مشکل و معضله‌ی لبنان به خاطر این است. آمریکائی‌ها حاضر نیستند به‌آسانی این گوشت به خیال خودشان پخته را از زیر دندانشان بیرون بیاورند؛ برای اینکه بتوانند یک فرد دست‌نشانده‌ای به عنوان رئیس - که فرمانده ارتش هم هست - و به تبع آن، یک دولت دست‌نشانده در آنجا به وجود بیاورند تا بتوانند حزب‌الله را زیر فشار قرار دهند؛ اما تا حالا نتوانسته‌اند. برای قدرتی مثل آمریکا، اینجا ناکامی است. با آن همه ادعا، با آن همه توان، با آن همه پول، با آن دستگاه دیپلماسی فوق‌العاده قوی، و با آن ابزارهای گوناگون فنی و انسانی نتوانستند با حزب‌الله مواجه شوند. اینجا حزب‌الله را هم مرتبط با ایران میدانند؛ پیروزی حزب‌الله را، پیروزی جمهوری اسلامی میدانند. اینجا هم شکست خوردند.

در مسئله‌ی هسته‌ای، آمریکائی‌ها تا همین چند ماه پیش اصرار، اصرار که باید ایران بکلی همه‌ی فعالیتها هسته‌ای‌اش را کنار بگذارد؛ یعنی مثل آن کاری که با لیبی کردند؛ نه‌اش را جارو کنند، تقدیم کند به آنها؛ بکلی اعلام انصراف کند. اخیراً - چند هفته‌ی قبل از این - وضع به جانی رسیده است که گفتند ایران در همین حدی که هست، توقف کند. ببینید فاصله‌ی اینها خیلی زیاد است. یک روزی بود که اینها حاضر نبودند پنج عدد سانتریفیوژ را تحمل کنند. مسئولین گفتگو و مذاکره‌ی با اروپا حاضر شده بودند بیست تا سانتریفیوژ را نگه دارند، آنها گفته بودند نمیشود؛ گفته بودند پس لااقل پنج تا، گفته بودند نمیشود. اگر میگفتند یکی، باز هم میگفتند نمیشود! امروز سه هزار تا سانتریفیوژ دارد کار میکند، مبالغ زیادی هم آماده‌ی کار گذاشتن است. میگویند در همین حد متوقف شوید. این هم یکی از ناکامی‌های آمریکاست.

در خود منطقه آمریکائی‌ها تلاش کردند از بعد از قضیه‌ی بیستم شهریور آن برجهای دوقلو، صحنه را تصویر کنند به یک صحنه‌ی دو قطبی در این منطقه: جنگ بین دموکراسی و تروریسم. چقدر تبلیغات کردند، چقدر کار کردند، چقدر تهاجم نظامی و لشکرکشی و خرج کردند و هر کاری توانستند، کردند تا بگویند ما حامل دموکراسی هستیم، منطقه حامله‌ی تروریسم است؛ ما آمده‌ایم منطقه را نجات دهیم. امروز شما نگاه کنید در خود عراق که مرکز و محور فعالیتها اینها بود؛ از مردم عادی که سوال کنید، میگویند موجب و عامل تروریسم خود آمریکائی‌ها نیست؛ هیچ کس معتقد نیست که آمریکا برای عراق دموکراسی آورده. این حکومتی که تشکیل شد، این دولتی که روی کار آمد، این مجلسی که روی کار آمد، علی‌رغم آمریکا آمد؛ نمیخواستند این بشود؛ ناچار شدند؛ این را همه میدانند. بنابراین در صحنه‌های مختلف، اینها ناکام شدند.

آیا وقتی که یک قدرت سیطره‌جو برای عقب نشاندن روحی و روانی یک ملت و شکستن اعتماد به نفس او، اینطور ناکام میشود، آیا ساکت میماند؟ جواب این است که نه، ساکت نمیماند؛ دنبال راه‌های جدید میگردد. چون او دنبال راه‌های جدید میگردد، ما باید به فکر شیوه‌های جدید باشیم. ما باید محاسبه‌ی راه‌های جدید دشمن را بکنیم؛ بدانیم امکانات او، امکانات کمی نیست. من بارها گفته‌ام: «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد». دشمن امکانات تبلیغاتی‌اش با امکانات تبلیغاتی جمهوری اسلامی قابل مقایسه نیست. این را هم من به شما عرض بکنم؛ در زمینه‌های کار فرهنگی، در زمینه‌های کار تبلیغاتی و ارتباطاتی، امکانات دشمن خیلی زیاد است؛ دائم مشغولند، پول هم فراوان خرج میکنند. اینی که گفتند آقا ما هشتاد میلیون دلار، صد میلیون دلار به مخالفین نظام در ایران - به تعبیر خودشان اوپوزیسیون - میدهم، اینجا ظاهر قضیه است؛ هزینه‌های آنها برای این کار خیلی بیشتر از این چیزهاست. دارند هزینه میکنند. من و شما، جوان این مملکت، دانشجوی این مملکت، مسئول این مملکت، استاد این مملکت باید بدانند که دشمن از چه راهی وارد خواهد شد؛ پیش بینی کند. اگر پیش‌بینی کردید، آن وقت پدیده‌هایی که در جامعه پیش می‌آید، اینها را میشناسید. وقتی شما میدانید که فرضاً سلیبی در راه است، یا طوفانی در راه است، پدیده‌های پیش از حدوث سلیب یا طوفان وقتی در زندگی شما اتفاق می‌افتد، این لحظات پیش از سلیب یا طوفان را میشناسید و عاملش را میدانید. وقتی نمیدانید، این عوامل برای شما ناشناخته است. گاهی انسان به آن عوامل نادانسته کمک میکند. این است که این بحث را برای ما جدی میکند.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه / ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

این ملت بیست و هشت سال است که با توطئه‌ی آمریکا، با دشمنی آمریکا، با انواع و اقسام لطمه‌زدهای آمریکا مواجه است. هر کار توانستند علیه این ملت کرده‌اند. مواظب باشید مرزها را مشخص کنید. کسانی هستند مزدور آنها؛ کسانی هستند نوکر آنها؛ کسانی هستند در خدمت آنها؛ مرزها را با

اینها هم روشن کنید و مشخص کنید. وقت بصر و صبر، یکی همین‌جاست؛ بصیرت. ملت ایران وقت انتخابات که میرسد، احتیاج به بصیرت دارد؛ نگاه کند ببیند دشمن چه موضعی گرفته است در قبال این حرکت عظیم مردمی؛ حواس خود را جمع کند، تصمیم درست بگیرد. این هم وظیفه‌ی ما مردم است که بایستی مراقبت کنیم.

بیانات در دیدار مردم کازرون / ۱۶/۰۲/۱۳۸۷

امروز ما باید بدانیم این دشمن ناکام مانده‌ی در مقابل ملت ایران نقشه‌اش چیست. باید بیدار باشیم: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس». اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد. باید این را بدانند ملت ایران. بحمدالله ملت ما، ملت هوشیاری است؛ زبان‌آوران و سخنگویان و صاحب‌دلان و روشنفکران زیادی هم در میان علمای دین، در میان علمای دانشگاه هستند که مردم را ارشاد میکنند، راهنمایی میکنند. جوانان پر شور ما هم در عرصه‌های مختلف رشد پیدا کرده‌اند. امروز در میان مردم ما، جوانان بسیجی ما در میدانهای علم، در میدانهای تجربه، در میدانهای فناوری‌های دشوار پیشرفت کرده‌اند. ملت، یک چنین ملتی است. بنابراین شناخت صحنه برای ملت ما مشکل نیست. امروز یکی از نقاطی که دشمن ما بر روی آن سرمایه‌گذاری میکند، مسئله‌ی اختلافات است. اختلاف بین این مذاق سیاسی، با آن مذاق سیاسی؛ اختلاف بین این استان با آن استان؛ اختلاف بین این سلیقه با آن سلیقه؛ اختلاف بین این مذهب با آن مذهب؛ یکی از راه‌ها این است. البته در دنیای اسلام این را دنبال میکنند. همین اخیرا در یک گزارشی دیدم و خواندم پارلمان انگلیس به دولت کشورشان - مال همین چند هفته پیش است - سفارش میکند که در دنیای اسلام، آن نقاطی که فرقه‌های اسلامی و مذاهب اسلامی در آنها با هم توافق ندارند، آنها را جستجو کند، پیدا کند، بر روی آنها تکیه کند؛ یعنی ایجاد اختلاف؛ یعنی جنگ بین مذاهب اسلامی. در داخل هم به یک شکل دیگری، همان‌طور که عرض کردیم، این را دارند دنبال میکنند.

بیانات در دیدار مردم کازرون / ۱۶/۰۲/۱۳۸۷

ملت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین‌المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. دنیا مردم‌سالاری دینی را نمی‌شناخت؛ امروز مردم‌سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه‌ی ملت‌های اسلامی است. دنیا تعریف نظام سلطه را نمی‌شناخت؛ این را ملت ما تعریف کرد و در فرهنگ سیاست بین‌المللی وارد شد. مسئله‌ی دین‌محوری سیاست، قانون، مدیریت کشور؛ اینها همه مفاهیم جدیدی است که ملت ما توانسته است اینها را وارد کند. پس ما در مسابقات جهانی - مسابقه‌ی علمی، مسابقه‌ی سیاسی، مسابقه‌ی صنعتی، مسابقه‌ی اقتصادی و مسابقه‌ی فرهنگی - می‌توانیم وارد شویم و در کوتاه‌مدت امید به موفقیت داشته باشیم، و در بلندمدت امید به سرآمد شدن داشته باشیم. این، وضع ملت ماست.

این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالت‌هی بی‌مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افتقانت تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سال‌های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلاک عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفت‌ش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربانه‌ای که در درون پای‌ها بنا بیفتد، بنا را ویران می‌کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد می‌کند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مومن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمدالله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امید دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی‌شان، نه تهدید نظامی‌شان، نه فشار سیاسی‌شان، نه جنگ روانی‌شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی‌تر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

ما در مقابل این دو دشمن وطنانی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه‌ی او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارند. ما سیاست‌های پنج‌ساله‌ی خودمان را تعریف می‌کنیم؛ افق چشم‌انداز بیست‌ساله را تعریف می‌کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین‌طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

بیانات در دیدار مردم کازرون / ۱۶/۰۲/۱۳۸۷

امروز ما باید بدانیم این دشمن ناکام مانده‌ی در مقابل ملت ایران نقشه‌اش چیست. باید بیدار باشیم: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (۱). اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد. باید این را بدانند ملت ایران. بحمدالله ملت ما، ملت هوشیاری است؛ زبان‌آوران و سخنگویان و صاحب‌دلان و روشنفکران زیادی هم در میان علمای دین، در میان علمای دانشگاه هستند که مردم را ارشاد میکنند، راهنمایی میکنند. جوانان پر شور ما هم در عرصه‌های مختلف رشد پیدا کرده‌اند. امروز در میان مردم ما، جوانان بسیجی ما در میدانهای علم، در میدانهای تجربه، در میدانهای فناوری‌های دشوار پیشرفت کرده‌اند. ملت، یک چنین ملتی است. بنابراین شناخت صحنه برای ملت ما مشکل نیست.

آنچه که امروز لازم است، این است که همه این وظیفه را بشناسند، بدانند که ما کجا هستیم. یک عده‌ای غفلت میکنند، نمیفهمند که ما این همه حرکت کرده‌ایم، پیش آمده‌ایم؛ نمیفهمند که ما هنوز راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ نمیفهمند که ما دشمن داریم، دشمن از تبلی ما، از غفلت ما، از اختلاف ما، سو استفاده میکند. مخاطب بیشتر این حرف شخصیت‌های مطرح جامعه - سیاسی و فرهنگی و غیره - هستند که باید مراقب حرف زندهای خودشان، مراقب نوشتنهای خودشان، مراقب موضع‌گیریهای خودشان باشند. اتحاد و اتفاقی که رمز همه‌ی پیشرفت‌ها و پیروزیهاست، امروز بیشتر از همه برای این کشور لازم است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۷/۰۴/۲۹

البته دشمن، دشمن است. از دشمنانی که از اسلام ضربه خورده‌اند، سیلی خورده‌اند، نباید توقع داشت که در مقابل نظام جمهوری اسلامی ساکت و آرام بنشینند. یقیناً دشمن دشمنی میکند. انتظار دشمنی دشمن را باید داشت، منتها باید آگاهانه، هشیارانه در مواجهه‌ی با دشمنی دشمن بهترین راه را برای حفظ منافع ملی، حفظ مصالح عموم مردم در نظر گرفت.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

امت اسلامی باید بیدار باشد؛ باید در مقابل اینها بایستد. وظیفه‌ی درجه‌ی اول هم بر دوش سیاستمداران است. مسئولان و زمامداران کشورهای اسلامی بهوش باشند. این فریاد ممکن است از گلوئی بعضی از سیاستمداران خودی خارج شود؛ اما ما اشتباه نمیکنیم. ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد. از گلوئی اینهاست، اما مال اینها نیست؛ فریاد، فریاد دیگران است، مربوط به قدرتهای استکباری دنیاست. آنها هستند که مخالف وحدت امت اسلامی‌اند. اگر از حنجره‌ی کسانی از داخل امت اسلامی هم خارج شود، اینها فریب خورده‌اند. این صدا، صدای اینها نیست. این صدا آنهاست؛ این صدا را میشناسیم. در درجه‌ی اول، سیاستمداران و مسئولان و باز در درجه‌ی مهم و بالا، اندیشمندان، کسانی که با مغز و دل مردم سر و کار دارند؛ علمای دین، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شعرا، ادبا، دانشمندان دنیای اسلام، این وظیفه‌ی بزرگ را بر عهده دارند که به مردم، سرانگشتانی را که میخواهند در این وحدت اختلال کنند و این رشته‌ی مستحکم الهی را از دست مسلمانها بگیرند، معرفی کنند.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

اینکه می‌بینید یقه‌ی جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را میگیرند و رها نمیکنند، نشانه‌ی این است که ضربه‌ای که جمهوری اسلامی بر بیکر استکبار وارد کرده است، خیلی عمیق بوده. دشمن ما فلان گروهک منزوی با چهارتا آدم کوچک یا بزرگ نیست. دشمن ما فلان دولت منطقه‌ای عاجز و ناتوان نیست که تو ملت خودش هم پایگاهی ندارد. دشمن ما دستگاه عظیم استکبار است که مهمترین تصمیم‌گیرهایش سرمایه‌داران صهیونیست و کمپانی‌دارها و تراست‌دارها و کارتل‌دارهای گردن‌کلفت دنیایند. این، در مقابل نظام اسلامی ایستاده است و البته از همه‌ی شیوه‌ها هم استفاده میکند. ضربه به او خورده است که این جور می‌بینید از همه‌ی امکانات استفاده میکند، از همه‌ی وسائل استفاده میکند. حالا از ایجاد واگرایی نسبت به عقاید اسلامی، سوق دادن جوان به مواد مخدر، به فساد، به استفاده‌ی از غفلت بعضی از دستگاه‌ها، جوانها را آسیب‌پذیر کردن، تا اختلافات مذهبی، تا اختلاف شیعه و سنی، تا فلان گروهک؛ و اگر دستش برسد در متن مسئولین بالا. و نیمه‌بالای جمهوری اسلامی هم نفوذ بکند، این کار را هم میکند. همه‌ی تلاش را دارند میکنند. با همه‌ی این تلاشها مومنین ایستاده‌اند: «کالجیل الراسخ لا تحکره العواصف». این تندبادها نمیتواند جمهوری اسلامی را تکان بدهد.

ما به دل خودمان نگاه میکنیم، به دل مردمان نگاه میکنیم، رحمت الهی را مشاهده میکنیم. وقتی می‌بینیم عزممان راسخ است، وقتی می‌بینیم تحریک دشمن ما را متحرک نمیکنند، اخم او ما را نمیترساند، وعده‌ی او ما را به او دلخوش و خوش‌بین نمیکنند، میفهمیم رحمت الهی است؛ خدای متعال پشت سر همه‌ی این عوامل ظاهری و مادی است؛ دست قدرتمند الهی پشت این نظام است و دارد او را به پیش میبرد؛ دارد هدایت میکند. «اللهم انما یتقنی المکتفون بفضل قوتک». در دعای صحیفه‌ی سجاده - من توصیه میکنم همه‌ی شما را که با صحیفه‌ی سجاده انس پیدا کنید؛ دعاها را امام سجاد (سلام الله علیه) - آمده: همه‌ی کسانی که در دنیا قدرتی دارند، اکتفا ذاتی‌ای دارند، ریزه‌خوار قدرت تو هستند؛ در مشت قدرت تو هستند. «فصل علی محمد و اله و اکفنا و انما یعطی المعطون من فضل جدتک فصل علی محمد و اله و اعطنا و انما یهدی المهدون بنور وجهک فصل علی محمد و اله و اهدنا». اعتماد به خدا، اکتفا به کفایت الهی، پشتگرایی به رحمت و هدایت خدا، مگر میگذارد انسان ناامید شود. به مردم خودمان هم که نگاه میکنیم، عین همین را می‌بینیم. اگر کردستان است، اگر سنی‌اند، اگر بلوچند، اگر شیعه‌اند، اگر اصفهانی‌اند، اگر شیرازی‌اند، انسان می‌بیند در اعماق دل مردم نشانه‌ی رحمت الهی پیداست؛ دلها را خدای متعال قرص کرده است. خیلی خوب، خدا حجت را بر ما تمام کرده؛ این امکان، این زمینه، حرکت کنید پیش بروید. روحانی این زمان از این امکان باید حداکثر استفاده را بکند، با افکار جدید آشنا شوند، راه‌ها و شیوه‌های دشمن را بشناسند و به زمان خودشان عالم شوند؛ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس». درست مثل جبهه‌ی جنگ. شاید بسیاری از این جمع حاضر جبهه‌های جنگ را دیده باشند - حالا جوان‌ترها آن روزها را ندیده‌اند - در داخل جبهه‌ی جنگ، از اطراف گلوله‌ی توپخانه می‌آید، خمپاره می‌آید، انواع و اقسام آتش از اطراف میبارد و از بالای سر انسان رد میشود؛ به طوری که گاهی انسان جهتگیری را گم میکند؛ نمیداند این گلوله‌ای که دارد می‌آید، از طرف دشمن دارد می‌آید، یا از طرف دوست دارد مواضع دشمن را میکوبد. این خیلی خطر بزرگی است. برای یک رزمنده بزرگترین خطر این است که جهتگیری را گم کند؛ نداند دشمن کجاست، دوست کجاست. اگر ندانست دشمن کجاست و دوست کجاست، آنوقت ممکن است به طرف دوست آتش کند؛ به خیال اینکه دارد به طرف دشمن آتش میکند. اینها خیلی خطرناک است. بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش میکنیم، خیال میکنیم به طرف دشمن داریم آتش میکنیم! بعضی از ما غفلت میکنیم از اینکه ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. غفلت میکنیم؛ همه‌ی همت یک شیعه میشود کوبیدن سنی، همه‌ی همت یک سنی میشود کوبیدن شیعه. خوب، این خیلی تاسف‌آور است. و دشمن این را میخواهد.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

زمان پیش رفته، تغییر زیاد شده، راه‌های نفوذ در ذهن جوانها زیاد شده. این راه‌ها را باید بشناسید و بخصوص باید مواجهه‌ی با دشمن را در حوزه‌ی تفکر و احساس جوانها اهمیت بدهید و بدانید که دشمن اولین نقطه‌ای را که مورد توجه قرار میدهد، آن نقطه‌ی فعال است که یکی از بخشهای آن، عبارت است از نسل جوان؛ چون امید به نسل جوان است و سازنده‌ی آینده، نسل جوان است، لذا آنجا را دشمن هدف قرار میدهد. البته یکی از نقاط حساس هم علمای دین هستند؛ دشمن آنجا را هم به انواع مختلف و اشکال گوناگون هدف قرار میدهد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئولونها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهاست. من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

بیانات در سالروز عید سعید مبعث / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

ملت ما ملت خوبی است، ملت بزرگی است، ملت وفاداری است، ملت باگذشتی است. نمونه‌هایش را در طول مدت این سی سال مشاهده کرده‌ایم؛ در همین فضای اخیر، در این انتخابات و حوادثی که بعد از انتخابات به وجود آوردند، نقش ملت را شما مشاهده کردید. سلائق مختلفی در عرصه زندگی اجتماعی در میان ملت وجود دارد؛ حرفشان را می‌زنند، هرکدام نظرشان را بیان می‌کنند؛ اما آنجائی که احساس می‌کنند که پای دشمنی با نظام در میان است، آنجائی که احساس می‌کنند دستی دارد حرکتی را برای ضربه زدن به نظام اداره می‌کند، مدیریت می‌کند، مردم از آنها کناره می‌گیرند؛ ولو او همان شعاری را بدهد که این احاد مردم به آن شعار معتقد هم باشند؛ می‌بینند که او بدخواه است، خودشان را کنار می‌کشاند. این مسئله‌ی مهمی است.

ما در این سی سال روزی نبود که تجربه‌ی نیندوزیم، مطلبی یاد نگیریم - خیلی چیزها یاد گرفتیم، خیلی چیزها فهمیدیم؛ برای ملت ما تجربه شد؛ همه فهمیدند که در آن وقتی که ملت در عین استقرار و آرامش و ثبات یک حرکت بزرگ را انجام می‌دهد، نباید غافل بماند از دشمنی دشمنانی که دارند برایش نقشه می‌کشند. همه گفتند یک انتخابات چهل میلیونی، یک عظمت بی‌نظیر از اول انقلاب تا حالا، حضور مردم در صحنه بعد از سی سال، قدرت جذب مردم و به صحنه آوردن مردم برای نظام؛ این یک عظمت بود؛ نباید غفلت کنند؛ همه فهمیدند که در چنین وضعیتی نباید غفلت کنند که دشمن کمین گرفته است؛ مراقب است. حالا تا گفته میشود دشمن خارجی، فوراً خارجی‌ها با چهره‌ی حق به‌جانب می‌آیند که نه، نه، ما دخالتی نداریم، ما کاری نکردیم. این بی‌حیائی است؛ همه می‌بینند. حالا آن کاری که دستگاه‌های اطلاعاتی و دیگران کشف می‌کنند و دخالت‌ها را می‌دانند، آن به کنار؛ آن چیزی که همه دارند مشاهده می‌کنند، نقش رسانه‌هاست که مهمترین نقش را در این چند ده سال اخیر، رسانه‌ها در تحولات ملتها داشته‌اند.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر / ۱۳۸۸/۰۵/۰۵

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال می‌زنم به جبهه‌ی جنگ. اگر شما تو جبهه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیاران نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی می‌روند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند؛ دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بینید که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش می‌کند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمی‌داند دیگر، عرصه‌ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتهدند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری / ۱۳۸۸/۰۵/۱۲

همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه‌ی امیر مومنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آید، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آید، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه‌ی ما، همه‌ی احاد مردم - تجربه‌ی هشداردهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

دست‌های از مدتها پیش در کار بودند، مقدماتی فراهم می‌کردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده‌ای بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبارآلود کردند، دهانها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که می‌خواستند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربه‌ی ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برو جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجو ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنجائی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا می‌کنند.

بیانات در دیدار جمعی از شعرا / ۱۳۸۸/۰۶/۱۲

«الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله»؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگوئید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شان یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمیشود با شیوه‌های سیاسی - شیوه‌های سیاستگران و سیاستمداران - در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شان فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشائی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد. و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

مسئله‌ی بعدی - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری میکند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود

دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسك»؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسك» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نجیگان از تاثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما هم‌اشار به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شیعف عظیمی که دشمن پیدا میکند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید میکند از فلان کس که آقا از شجاعت او ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید متوجه شد و نیاستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

[از برنامه های دشمن] مسئله‌ی بعدی - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری میکند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسك»؛ (۱) اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسك» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نجیگان از تاثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما هم‌اشار به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شیعف عظیمی که دشمن پیدا میکند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید میکند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نیاستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

بیانات در دیدار عمومی مردم جالوس و نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، ببینند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید. یک روز شما میخواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمیانی هم میشود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را میخواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه میخواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.

بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی / ۱۳۸۸/۱۰/۱۹

هر سال نوزدهم دی را همه‌ی ملت ایران، بخصوص مردم عزیز و بابصیرت قم، همچون یک مقطع تاریخی گویا و زبانداز، به رخ مستکبران عالم میکشند. جا هم دارد؛ حقیقتا هم حادثه‌ی مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است.

این حادثه از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است؛ هم بصیرت در این حادثه موج میزند، هم موقع‌شناسی، هم دشمن‌شناسی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثه‌ی عظیمی است که در نوزدهم دی سال ۵۶ - یعنی سی و دو سال قبل - به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدا یک تحول، یک حرکت، یک جریان عظیم و جهنداری در ملت ایران شد. پس حادثه، حقیقتا حادثه‌ی مهمی است. آن روز هم تاثیر گذاشت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیر روحانی آن حادثه را گرامی میدارید، باز تاثیر میگذارد؛ درس میدهد، بصیرت میدهد و جهت حرکت را به ما نشان میدهد.

بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما / ۱۳۸۹/۰۴/۱۲

اگر شما به عنوان یک کارگردان، به عنوان یک هنرپیشه، به عنوان یک فیلمنامه‌نویس، به عنوان یک عامل موثر در پدید آمدن این اثر نمایشی و این اثر دراماتیک جاذب و جالب، به عنوان کسی که در این میدان فعال است - حالا یا فیلمنامه‌نویس است، یا کارگردان است، یا فیلمبردار است، یا هرچه - نقش ایستادگی و نقش دشمن‌شناسی را ایفا کردید، نقش خودتان را شناختید و به آن عمل کردید، خود شما قهرمان یک داستان حقیقی هستید؛ خود شما میشوید یک قهرمان؛ همچنان که در یک هنر نمایشی، در یک داستان، یک قهرمان داریم، یک ضد قهرمان داریم؛ این قهرمان به سمت یک هدفی دارد تلاش میکند، مجاهدت میکند، کار میکند؛ شما اگر در جای خودتان قرار گرفتید، آن نقش خودتان را ایفا کردید، شما خودتان همان قهرمانید؛ آن وقت اثری که میسازید، بازی‌ای که میکنید، باورتر، گرمتر، گیراتر و جذابتر خواهد شد. این آن چیزی است که ما از جامعه‌ی هنرمند کشورمان، از شما مجموعه‌ای که بخصوص با صدا و سیما همکار هستید، انتظار داریم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

در مسائل جهانی آن چیزی که از همه واضح‌تر و بارزتر است، بیش فعال شدن جبهه‌ی مقابل ماست. بیماری بیش‌فعالی یکی از بیماری‌های کودکان و نوجوانان است. بیش‌فعالی معنایش این است که تحرک، زیاد؛ کارهای گوناگون انجام میدهند، اما تمرکز نیست، هدف نیست؛ به این در و آن در میزنند. تحرک زیاد، اما بدون هدف و غالباً همراه با ناکامی. این حالت بیش‌فعالی است. انسان این حالت را امروز در جبهه‌ی مقابل دشمن مشاهده میکند. مشغول تحرکات گوناگونند؛ تحریم، قطعنامه، تهمت، جوسازی علیه نظام اسلامی، تقویت معارضین داخلی، به اصطلاح ورزشکارها دوبینگ کردن معارضین داخلی، که اینها را همین طور هی با آمبولهای نیروزا که هیچ تاثیری هم در تقویت واقعی ندارد و فقط ظاهرا او را فعال میکند، هی تزیق کنند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

سومین نکته‌ای که از این وضعیتی که وجود دارد، استفاده میشود، شناسائی دشمن و شیوه‌های او و کاری است که دارد انجام میدهد؛ دشمن الان چه کار دارد میکند؟ یکی از مهمترین یا شاید بتوانم بگویم مهمترین کاری که دشمن میکند، دو قلم کار است؛ یک قلم، جدا کردن مردم از نظام، یک قلم جدا کردن مردم از بینات دین و اصول دین و واضحات احکام اسلامی و شریعت اسلامی است. این دو تا قلم کاری است که اینها دارند انجام میدهند. درست هم فهمیده‌اند؛ چون پشتوانه‌ی

نظام، مردمند. میدانند که اگر مردم را از نظام جدا کردند، نظام بی‌پشتوانه خواهد شد؛ لذا سعی میکنند مردم را از نظام جدا کنند. چه جوری؟ بی‌اعتماد کنند. یک کار واضح: بی‌اعتماد کنند: مردم را به مسئولین بی‌اعتماد کنند. مسئولین هرچه کار بکنند، هرچه تلاش بکنند، هرچه تحرک نشان بدهند، هرچه کارهای خوب بکنند، یک تفسیر بدی در رادیوهای بیگانه و در تبلیغات بیگانه وجود دارد که اگر انسان این رادیوها را نگاه کند، این به طور واضح مشاهده میشود. البته این همیشه بوده. همیشه و در همه‌ی دوره‌ها یکی از کارهای دشمن، جدا کردن و بی‌اعتماد کردن مردم به مدیران و کارگزاران بوده. در همه‌ی این دوره‌ی بیست ساله، بیست و یکی دو ساله‌ی بعد از رحلت امام و در دوره‌ی حیات مبارک امام (رضوان الله تعالی علیه)، این یکی از کارها بوده. لذا بود که در آن زمان، امام بزرگوار با وجود اعتراضاتی که به بعضی از عملکردهای مسئولین و کارگزاران کشور داشتند، همیشه در موضع مدافع آنها قرار میگرفتند. این معنایش این نبود که امام از جزئیات کارها دفاع میکند؛ نه. اما امام سینه سپر میکرد. در مقابل کارگزاران و مسئولین نظام اگر کسی سنگ‌اندازی میکرد، موجب بی‌اعتمادی مردم به اینها میشد، امام می‌ایستادند. بنده هم همین جور. بنده هم از همه‌ی دولت‌ها به این حیث، دفاع کردم. باز هم دفاع میکنم. نباید به خاطر یک عملکردی در یک گوشه‌ای، مسئولین نظام را اعم از قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی مقننه یا قوه‌ی قضائیه، در چشم مردم بی‌اعتبار کرد. چون مردم اگر چنانچه احساس کردند که این دستگاه‌های عظیم نمیتوانند مورد اعتماد قرار بگیرند، امید مردم از بین خواهد رفت. فکر این را باید بکنند. انصافا خلاف حق هم هست؛ یعنی این چیزهایی که گاهی اوقات گفته میشود، خلاف حق است. خب ما داریم می‌بینیم اوضاع و احوال را و از بطون کار آشنا هستیم؛ خیلی تلاش دارد میشود؛ تلاش مومنانه و مخلصانه؛ انسان این را مشاهده میکند. پیشرفت‌هایی هم که مشاهده میشود - هی گفته میشود: پیشرفت‌های کشور، پیشرفت‌های کشور - اینها همین طور با نشستن کنج خانه و بیکاری مسئولین که به دست نمی‌آید؛ با تلاش مسئولین اینها به دست می‌آید. تلاش دارد میشود؛ انصافا تلاش میشود. دشمن میخواهد این حالت را از بین ببرد. دشمن میخواهد این حالت اعتماد مردم به مسئولین نظام را سست کند تا مردم احساس کنند نمیشود به دولتشان اعتماد کنند؛ به قوه‌ی قضائیه‌شان، به مجلس‌شان نمیشود اعتماد بکنند؛ اینها را در چشم مردم خراب کنند. این خطاست. این یک قلم کار دشمن است که این را باید فهمید. نباید با دشمن همصدا شد، نباید جدول دشمن را پر کرد، پازل دشمن را تکمیل کرد، صدای دشمن را در داخل بازتاب داد؛ اینها را باید مراقبت کرد.

یکی هم مسئله‌ی دین و بینات اسلامی و انقلاب اسلامی است. از توحید و نبوت و امامت و ولایت و از اینها بگیرید تا احکام و حجاب و حدود شرعی و بقیه‌ی چیزها؛ دائم دارد شبهه‌پراکنی میشود. باید حواسمان باشد که اینها روش دشمن است. باید در مقابل اینها تدبیر داشت، باید کار کرد. البته در اینجا و در این شبهه‌هایی که به طرق مختلف مطرح میشود، همه وظیفه دارند که در برابر این هنجارشکنی‌های دینی که در این ساینها و در این اظهارات مشاهده میشود و این فرقه‌سازیهایی که وجود دارد، و این هنجارشکنی‌های اخلاقی و جنسی که انسان مشاهده میکند و از این قبیل چیزها، بایستند. اینها کارهایی است که نه اینکه همه‌ی این کارها را دشمن دارد از خارج میکند؛ نه، انگیزه‌های داخلی هم وجود دارد، اما دشمن تقویت میکند، جهت میدهد، کمک میکند و اینها را هل میدهد به جلو و دشمن از این چیزها خرسند است. باید این را مواظب باشیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

مسائل اصلی را باید شناخت و مسائل فرعی را اصلی نکرد؛ نه اینکه مطرح نکرد؛ نه، مسائل فرعی هم باید طرح شود؛ همه‌ی جزئیات باید طرح شود؛ اما اصلی نشود و ملاک مخالفت و موافقت قرار نگیرد. ملاک موافقت و مخالفت، صراط مستقیم حق است، اسلام است، تشرع است، تدبیر است، پایبندی به مبانی انقلاب است، پایبندی به آرزوهای امام و اهدافی است که امام ترسیم کردند؛ مقابله‌ی با مستکبرین است، بدبین بودن به مستکبرین است. یعنی بدانیم که دشمن ما کیست. اینجور نباشد که ما با رفیق و برادر خودمان که مثلا اینجا نشسته، بنا کنیم مخالفت، اما دلمان با آن مستکبر، با آن بی‌حیای مخالف همراه باشد، از او کمک بخواهیم، به او اعتماد کنیم؛ اینجوری نباشد.

دیدار انمه جمعه سراسر کشور با رهبر معظم انقلاب / ۱۳۸۹/۰۷/۰۶

در سالهای اخیر برخی قلمها، تلاش فراوانی کردند تا موضوع دشمن‌شناسی را از ذهن جامعه و مردم خارج کنند و حتی در برخی موارد مغالطه می‌کردند که نظام برای فرار از مسئولیت برخی مشکلات داخلی، دائما موضوع دشمن خارجی را طرح می‌کند. این حرف از اساس نادرست است زیرا کسی نمی‌تواند منکر کوتاهی‌ها، غفلت‌ها و سهل‌انگاریهای مسئولان در بروز برخی مشکلات در سی سال گذشته باشد اما این موضوع نباید به معنای نادیده گرفتن دشمن باشد.

چرا عده‌ای اصرار داشته و دارند که حضور دست توطئه‌گر خبیث و فعال دشمن را در حوادث گوناگون کشور نادیده بگیرند. باید همواره نسبت به تحرک دشمن هوشیار بود و شیوه‌ی مقابله با آن را دانست.

جوانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اصلی‌ترین هدف دشمن هستند، زیرا جوان موتور پیش برنده کشور است. باید جوانان را از آسیب خطرهای دشمن حفظ کرد که یکی از راههای آن، ارتباط مستمر و هدایتگر انمه جمعه با جوانان است.

بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۱

غالبا کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و نشناختن فرصت، ضربه می‌خورند. وقتی دشمنی کمین می‌گیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمیشناسیم؛ یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم؛ آن وقت ضربه می‌خوریم.

جمله‌ی خوبی را این برادر عزیز اینجا گفتند. گفتند خانواده‌ها میگفتند اگر این رزمنده را ما از خانه بیرون نفرستیم، فردا دشمن دم در خانه می‌آید، باید بجنگیم. این خیلی نکته‌ی مهمی است؛ این همان نکته‌ای است که امیرالمومنین (علیه‌السلام) فرمود: هر جماعتی که در داخل خانه‌ی خودشان مورد تهاجم دشمن قرار بگیرند، غفلت کنند از این که دشمن دارد می‌آید، اینها شکست خواهند خورد، مغلوب خواهند شد. (۱) دشمن را از دور باید دید، از دور باید شناخت؛ این غفلتی بود که آن روز آن کسانی که باید میدیدند، ندیدند. در تهران هی گفته میشد و خبر میرسید که در منطقه‌ی کرمانشاه، در منطقه‌ی ایلام - بیشتر در این مناطق - دشمن مشغول آرایش نظامی است. آنجا که گفته میشد، سیاسیون که مسئول کار بودند، انکار میکردند؛ میگفتند نه، چنین خبری نیست، تا وقتی تهران را بمباران کردند. در روز ۲۱ شهریور ۵۹ جنگ در واقع آغاز نشد - آن روز تهران بمباران شد - جنگ از پیش شروع شده بود. اگر مسئولانی که آن روز در راس کار بودند - همان کسانی که بعد هم نشان دادند لیاقت اداره‌ی کشور را ندارند - میفهمیدند، تشخیص میدادند و آمادگی خود را بالا میبردند، نه خرمشهر آنجور میشد، نه قصرشیرین آنجور میشد، نه برخی از مناطق دیگر مرزی.

آن غفلت اولیه موجب شد که بر این منطقه و منطقه‌ی خوزستان، آنطوری که من در برهه‌ی کوتاهی از نزدیک مشاهده کردم، آنچنان فضای غم‌آلودی حاکم شود که بعضی از مناظر آن را که من از نزدیک دیدم، نمیتوانم فراموش کنم. کار وقتی دست مردم باشد، وقتی استعدادها مردمی و حضور مردمی میدان پیدا کند که وارد عرصه شود، این غفلتها پیش نمی‌آید.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم، گاهی به روی ما لبخند زدند. اوائل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند

دشمن را، فرب و وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان می‌زنند، زیر حرفشان می‌زنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ می‌گویند! من نمونه‌های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحث نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که آمریکائی‌ها کردند، رئیس جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جور‌اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فرب و وعده‌های دروغ اینها را نخوریم.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور / ۱۳۹۱/۰۲/۱۳

ملت ایران در صحنه است، آماده است، خوشبختانه باصیرت است، موقع‌شناس است؛ بحمدالله دشمن‌شناس هم هست. در این سی و سه سال، دشمنهای خودمان را شناختیم؛ فهمیدیم چه کسانی هستند که گاهی ممکن است ریاکارانه و دروغ‌پردازانه تظاهر به دوستی هم بکنند، اما دشمنند. برای اینکه در این دنیا بزرگ، در این کشمکش میان قدرتهای مادی دنیا، ملت ایران بتواند از حق خود دفاع کند، از آینده‌ی خود دفاع کند، از نسلهای بعدی دفاع کند، باید بیدار باشد، هوشیار باشد، در صحنه باشد؛ یکی از نمونه‌هایش همین انتخابات است، و البته نمونه‌های زیادی دارد.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۹۱/۰۷/۰۲

امسال موقعیت حج، یک موقعیت مخصوصی است. بروز و ظهور عظمت حضرت خاتمالانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) در چشم دوستان و ارادتمندان و همچنین در چشم دشمنان، یکی از خصوصیات حج امسال است. این قضیه‌ای که دستهای گنجهار دشمنان در مورد اهانت به درگاه قدس آن بزرگوار، در آمریکا انجام دادند، دو طرف دارد، دو رو دارد؛ از یک طرف نشان‌دهنده‌ی عمق بغض و کینه‌ی دشمنان و مستکبرین و عوامل آنهاست با پیامبر رحمت، با پیامبر عزت، با پیامبر کرامت، با حامل برترین و ارزشمندترین محامد انسانی و بشری در طول تاریخ زندگی بشر و در همه‌ی عالم وجود؛ نشان می‌دهد اینها چقدر عمیقاً با پیغمبر دشمنند. از آن طرف، آن اهانتها را میکنند؛ از آن طرف، سیاستمداران نشان در این قضیه موضعی می‌گیرند که با موضع دشمنی هیچ تفاوتی ندارد! این یک روی قضیه است؛ که خب، این برای دنیا اسلام خیلی مفید بود. دیرباورترین انسانها و مجموعه‌ها و جماعات فهمیدند که امروز صفت اصلی بین کی و کیست؛ دعاواها بین جبهه‌ی حق و باطل بر محور چیست؛ معلوم شد بر محور اصل اسلام است، بر محور اصل وجود خاتمالانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. این یک حادثه‌ای بود که دشمن انجام داد، اما دنیا اسلام از آن سود برد؛ زیرا که دشمن را شناخت، علت دشمنی را شناخت، محور اختلاف حق و باطل را شناخت. امروز دعاواها اینهاست؛ بقیه حرفهائی که مستکبرین عالم علیه ملت‌های مسلمان ردیف میکنند و می‌گویند، حرفهای فرعی و دروغی و بهانه است؛ روشن شد اصل قضیه چیست. این یک روی قضیه است.

بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۴

بصیرت در این دوران و در همه‌ی دورانها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه میکنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش میکنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام میکنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار میکند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند؛ خط فاصل. جدا می‌شویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل میکند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، اینجوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض میکنیم، این است. یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست میکنند، فریاد دشمن را هم نمیشناسند، چون از حنجره‌ی دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آنها دارد، به حساب دشمن می‌گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی / ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

دشمن را باید شناخت، ابزارهای دشمن را باید شناخت، حیل‌های دشمن را باید شناخت؛ از کجا وارد میشود؟ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعی گرفتیم. ما با آمدن خون از بینی یک انسان مسلمان هم موافق نیستیم و دردمان می‌آید. ما می‌گوئیم آن کسانی که سوریه را به جنگ داخلی دارند میکشانند، مقصد آن کسانی که سوریه را دارند به سمت تخریب و برادرکشی میکشانند و کشانده‌اند، مقصدند. همه‌ی خواسته‌های ملتها باید از طرق متعارف، معمولی و بدون خشونت‌های اینجوری حل شود.

دیدار مسئولان و کارکنان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح با رهبر انقلاب / ۱۳۹۱/۱۰/۲۷

مصادق عینی تحقق وعده‌ی الهی، نظام جمهوری اسلامی است که به‌رغم همه‌ی فشارها و طراحی‌های دشمن، بعد از گذشت ۳۴ سال، اکنون یک نظام محترم، مقتدر، اثرگذار در مسائل منطقه‌ای و جهانی، دارای ملتی بزرگ، فهیم، دشمن‌شناس و لحظه‌شناس و دارای پیشرفت‌های بزرگ علمی است.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

عرض کردیم دشمنانی هستند. این دشمنان چه کسانی هستند؟ لانه‌ی اصلی توطئه علیه ملت ایران کجاست؟ پاسخ به این سوال، دشوار نیست. امروز سی و چهار سال است که هرگاه نام «دشمن» برده میشود، ذهن ملت ایران متوجه دولت آمریکا میشود. خوب است دولتمردان آمریکا به این نکته توجه کنند و این را بفهمند که ملت ایران در طول این سی و چند سال چیزهایی دیده است، مراحلی را گذرانده است، که تا می‌گویند دشمن، ذهن ملت ایران متوجه به آمریکا میشود. این مسئله‌ی بسیار مهمی است برای یک دولتی که میخواهد در دنیا با آبرو زندگی کند؛ این مسئله، مسئله‌ی قابل توجه و قابل دقتی است؛ باید روی این مسئله تکیه کنند. مرکز توطئه اینجا است، اساس دشمنی اینجا است.

البته دشمنهای دیگری هم هستند که ما اینها را در درجه‌ی اول و در ردیف اول به حساب نمی‌آوریم؛ دشمن صهیونیستی هم هست، منتها رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ی نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم میکنند؛ تهدید به حمله‌ی نظامی میکنند؛ اما به‌نظر خودشان هم میدانند، و اگر نمیدانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزنند، جمهوری اسلامی «تل‌آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد.

دولت انگلیس خبیث هم با ملت ایران دشمنی میکند؛ این هم یکی از دشمنان سنتی و قدیمی ملت ایران است؛ منتها دولت انگلیس نقش مکمل آمریکا را در این میدان بازی میکند. خود دولت انگلیس استقلالی ندارد که انسان او را یک دشمن مستقلاً به حساب بیاورد؛ دنباله‌رو آمریکا است. بعضی از دولتهای دیگر هم دشمنی‌هایی دارند. من اینجا مناسب میدانم که بگویم مسئولین دولت فرانسه هم در چند سال اخیر دشمنی‌های آشکاری با ملت ایران کرده‌اند؛ این یک ناهوشمندی از سوی دولتمردان فرانسه است. انسان عاقل، بخصوص سیاستمدار عاقل، هرگز نباید انگیزه‌ی این را داشته باشد که موجودی را که دشمن او نیست، تبدیل به دشمن کند. ما با دولت فرانسه، با کشور فرانسه مشکلی نداشتیم؛ نه در طول تاریخ مشکلی داشتیم، نه در دوران حاضر؛ اما سیاست غلط از زمان سارکوزی - که دولت امروز فرانسه هم متاسفانه همان راه را می‌رود - دشمنی با ملت ایران است. به نظر ما این کار غلطی است، کار غیرمدرانه و غیرعقلانه‌ای است، کار ناهوشمندانه‌ای است.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

این هم یکی از آن لطافت‌های عالم است که آمریکایی‌ها دشمنی میکنند، میگویند شما نفهمید که ما با شما دشمنیم؛ مخالفت و عناد می‌ورزند، متوقعند که ملت ایران نفهمد که آنها معاندند و دشمنی میکنند! این سیاست از اواخر دوران بوش در مقابل ایران شروع شده است، امروز هم متاسفانه همان سیاست را دولتمردان آمریکا ادامه میدهند؛ همان پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی. من چند سال پیش اینجا در جوار بقعه‌ی علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌السلام) در همین سخنرانی اول فروردین گفتم مراقب باشید اظهار محبت شما، اظهار دوستی و موافقت شما به معنای این نباشد که دستکش مخملی بر روی پنجه‌ی چدنی کشیدید و می‌خواهید تظاهر به دوستی کنید، اما در باطن دشمنی میکنید.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامی تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره‌ی آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزشهای اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی میکنند این مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطبهای جدیدی برای آن بترانند؛ که به تجربه دریافته‌اند که با آنان میتوان بر سر اصول و ارزشهای ملی براجتی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

این، وظیفه‌ی عالمان دین را سنگین‌تر میکند. آنها باید با هوشیاری و دقت فراوان، و با شناخت شیوه‌ها و ترفندهای فریبنده‌ی دشمن، راه نفوذ را بکلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند. نشستن بر سفره‌ی رنگین متاع دنیا، از بزرگترین آفتها است. آلوده شدن به صله و احسان صاحبان زر و زور و نمک‌گیر شدن در برابر طاغوت‌های شهوت و قدرت، خطرناک‌ترین عامل جدائی از مردم و از دست دادن اعتماد و صمیمیت آنها است. منیت و قدرت‌طلبی که سست‌عصران را به گرایش به سوی قطبهای قدرت فرا میخواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه‌ی قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الاخرة نجلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا والعاقبة للمتقين».

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید میکند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و بویژه در منطقه‌ی عربی، با جد و اهتمام دنبال میشود و پولی که میتوانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمبگذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت میگردد. آنها که قدرت یکپارچه‌ی اسلامی را مانع هدفهای خبیث خود میدانند، دامن‌زدن به اختلافها در درون امت اسلامی را آسانترین راه برای مقصود شیطنانی خود یافته‌اند و تفاوت‌های نظری در فقه و کلام و تاریخ و حدیث را - که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است - دستاویز تکفیر و خونریزی و فتنه و فساد ساخته‌اند.

نگاه هوشمندانه به صحنه‌ی درگیریهای داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها بروشنی نشان میدهد. این دست غدار، بی‌شک از جهلها و عصبیتها و سطحی‌نگری‌ها در میان جوامع ما بهره‌برداری میکند و بر روی آتش، بنزین میریزد. وظیفه‌ی مصلحان و نجبان دینی و سیاسی در این ماجرا بسیار سنگین است. اکنون لیبی به گونه‌ای، مصر و تونس به گونه‌ای، سوریه به گونه‌ای، پاکستان به گونه‌ای، و عراق و لبنان به گونه‌ای درگیر یا در معرض این شعله‌های خطرناکند. باید بشدت مراقب و در پی علاج بود. ساده‌اندیشی است که این همه را به عوامل و انگیزه‌های عقیدتی و قومی نسبت دهیم. تبلیغات غرب و رسانه‌های منطقه‌ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود میکنند و حاشیهای امنی برای صهیونیستها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می‌آورد. این در حالی است که دو طرف نزاع در سوریه، نه سنی و شیعه، بلکه طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آنند. نه دولت سوریه یک دولت شیعی، و نه معارضه‌ی سکولار و ضد اسلام آن یک گروه سنی‌اند. تنها هنر گرداندگان این سناریوی فاجعه‌آمیز آن است که توانسته‌اند از احساسات مذهبی ساده‌اندیشان در این آتش‌افروزی مهلك استفاده کنند. نگاه به صحنه و دست‌اندرکاران سطوح مختلف آن، میتواند مسئله را برای هر انسان منصفی روشن کند. این موج تبلیغات در مورد بحرین نیز به گونه‌ای دیگر به دروغ و فریب سرگرم است. در بحرین، اکثریتی مظلوم که سالهای متمادی است از حق رای و دیگر حقوق اساسی یک ملت، محرومند، به مطالبه‌ی حق خود برخاسته‌اند. آیا چون این اکثریت مظلوم شیعه‌اند و حکومت جبار سکولار، متظاهر به سنی‌گری است، باید این را نزاع شیعه و سنی دانست؟ استعمارگران اروپائی و آمریکائی و همپایه‌های آنان در منطقه البته میخواهند چنین وانمود کنند، ولی آیا این حقیقت است؟ اینها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تامل و دقت و احساس مسئولیت فرا میخواند و شناختن هدفهای دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض میسازد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۱۷

امروز ما مسلمانان احتیاج داریم به هوشیاری؛ احتیاج داریم به این‌که نقشه‌ی کلی زندگی خود و مواجهه‌ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم. اگر نقشه را شناختیم، راه را درست انتخاب خواهیم کرد. اشکال آنجاست که گاهی ما مسلمانان خودمان نقشه‌ی دشمن را درست نمی‌شناسیم، خود ما جزئی از آن نقشه‌ی دشمن میشویم؛ که امروز متاسفانه دنیای اسلام مبتلای به این است. نقشه‌ی دشمن، اختلاف‌افکنی در بین مسلمانان است؛ نقشه‌ی دشمن، تحریک عصبیت‌های مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر است؛ نقشه‌ی دشمن این است که توجه امت اسلامی را از نقطه‌ی حقیقی خصومت و دشمنی - یعنی سرمایه‌داری فاسد و مفسد و صهیونیسم - منحرف کند و به جاهای دیگری متوجه کند.

یک روزی دنیای اسلام با صهیونیسم غاصب مقابله میکرد، دشمنان در تبلیغاتشان گفتند این یهودیستیزی است؛ در حالی که یهودیستیزی نبود. در کشورهای اسلامی، یهودی‌ها هم مثل دیگر ادیان - یهودی، مسیحی، مسلمان - در کنار همدیگر زندگی میکنند. امروز در کشور ما یهودی هست، مسیحی هست، مسلمان هست، بعضی از ادیان دیگر حضور دارند و در زیر سایه‌ی امنیت اسلام، همه باهم زندگی میکنند. بحث یهودیستیزی نیست، بحث مقابله‌ی با صهیونیسم غاصب متجاوز ظالم قسبی‌القلب است؛ این را بدروغ تحریف میکردند، میگفتند یهودیستیزی؛ اما امروز خود غربی‌ها مبتلا به اسلام‌ستیزی و مسلمان‌ستیزی هستند. در دنیای غرب شما مشاهده کنید؛ امواج مسلمان‌ستیزی را تحریک میکنند، از آنها حمایت میکنند، از اهانت‌کنندگان به اسلام و پیامبر اعظم پشتیبانی میکنند - این

اسلام‌ستیزی است، این مال آنجاست - در درون جامعه‌ی اسلامی هم مذاهب مخالف سنتی را ترویج میکنند، شیعه‌ستیزی را ترویج میکنند؛ این سیاست آنهاست: مسلمانان باید با یکدیگر مبارزه کنند، سرگرم هم شوند؛ شیعه علیه سنی، سنی علیه شیعه؛ برای اینکه حواسها از نقطه‌ی اصلی دشمنی منعطف شود، نفهمند کیست که امروز دارد با دنیای اسلام مقابله میکند، نفهمند کیست که برای امت اسلامی دامهای خطرناکی گذاشته. اینها را ما باید بفهمیم؛ هم ملتها بفهمند، هم سیاستمداران بفهمند، هم روشنفکران بفهمند.

نقشه‌ی دشمن را بشناسیم. اگر نقشه‌ی دشمن را شناختیم، امکان تدبیر در مقابل این نقشه به وجود می‌آید؛ اما اگر نقشه‌ی دشمن را شناختیم، امکان تدبیر وجود نخواهد داشت؛ در پیدا کردن راه خودمان اشتباه میکنیم، در عملکرد خودمان اشتباه میکنیم. نقشه‌ی دشمن این است: ملتهای مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین اینها اختلاف به راه بیندازند - کمالینکه امروز می‌بینید به راه انداخته‌اند - هزاران نفر کشته شوند، خونها بر زمین ریخته شود، ملتهای مسلمان از مسائل اصلی خود غافل بمانند، از پیشرفت ضروری‌ای که باید به دنبال آن باشند، غفلت کنند، برای اینکه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تامین شود؛ همچنان که یک روز با استعمار، این کار را کردند.

من به شما عرض بکنم؛ در تاریخ، غربی‌ها نخواهند توانست لکه‌ی ننگ استعمار را از دامان خود پاک کنند. شعارهای طرفداری از حقوق بشر، شعارهای طرفداری از دموکراسی، نخواهد توانست عملکرد غربی‌های مدعی و برادعا را در آسیا و در آفریقا و در آمریکای لاتین و در نقطه‌نقطه‌ی کشورهای که سالها تحت استعمار بودند، به فراموشی بسپرد. آن روز با استعمار این کار را کردند. امروز به شکل دیگری همان نقشه را دنبال میکنند، همان هدفها را دنبال میکنند؛ خب، ما باید بیدار باشیم؛ ما باید بفهمیم که چه میکنیم؛ ما باید نقشه‌ی راه خودمان را بشناسیم.

امروز برای مسلمانان، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزو فوری‌ترین و ضروری‌ترین است. ما دعوت میکنیم از همه‌ی کشورهای اسلامی، از همه‌ی دولتهای اسلامی، بصیرت را به کار بگیرند؛ ببینند که در مقابل کی قرار دارند؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنند، در شناخت نقشه‌های دشمن اشتباه نکنند؛ بفهمند دشمن دنبال چیست و بدانند که سعادت ملتشان در چیست.

دیدار انجمنی جمع‌های سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

دولت، مسئولان، سیاسیون، دیپلماتها و مردم باید تحرکات و رفتارهای پیچیده و ظاهرسازیهایی حقوق بشری غرب و آمریکا را با نگاه واقع بینانه و در چارچوب رویارویی عمیق و مبنایی غرب با اسلام تحلیل کنند زیرا در غیر اینصورت در تمایز میان تاکتیک‌ها و راهبردهای طرف مقابل و حتی شناخت دشمن دچار اشتباه خواهیم شد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۹۳/۰۷/۲۳

علاج بنیانی و اساسی [تقابل جبهه استکبار با هویت یابی مسلمانان و بیداری اسلامی] را میتوان در دو جمله‌ی کلیدی خلاصه کرد که هر دو از بارزترین درسهای حج است:

اول: اتحاد و برادری مسلمانان در زیر لوای توحید،

و دوم: شناخت دشمن و مقابله با نقشه‌ها و شیوه‌های او.

(...)

شناخت دشمن و شیوه‌های او نیز دومین رکن است. اولاً وجود دشمن کین‌توز را نباید به دست غفلت و فراموشی سپرد و مراسم چندباره‌ی رمی جمرات در حج، نشانه‌ی نمادین این حضور ذهن همیشگی است. ثانیاً در شناخت دشمن اصلی که امروزه همان جبهه‌ی استکبار جهانی و شبکه‌ی حمایت‌کار صهیونیسم است، نباید دچار خطا شد. و ثالثاً شیوه‌های این دشمن عنود را که تفرقه‌افکنی میان مسلمانان، و ترویج فساد سیاسی و اخلاقی، و تهدید و تطمیع نخبانان، و فشار اقتصادی بر ملتها، و ایجاد تردید در باورهای اسلامی است، باید بخوبی تشخیص داد و وابستگان و ایادی دانسته و نادانسته‌ی آنان را از این راه شناسایی کرد. دولتهای استکباری و پیشاپیش آنان آمریکا، به کمک ابزارهای رسانه‌ای فراگیر و پیشرفته، چهره‌ی واقعی خود را میپوشانند و با دعوی طرفداری از حقوق بشر و دموکراسی، رفتاری خدعه‌آمیز در برابر افکار عمومی ملتها در پیش میگیرند. آنان در حالی دم از حقوق ملتها میزنند که ملتهای مسلمان، هر روز بیشتر از گذشته، آتش فتنه‌های آنان را با جسم و جان خود لمس میکنند. یک نگاه به ملت مظلوم فلسطین که ده‌ها سال است روزانه زخم جنایات رژیم صهیونیستی و حامیانش را دریافت میکند؛ یا به کشورهای افغانستان و پاکستان و عراق که تروریسم زاینده‌ی سیاستهای استکبار و ایادی منطقه‌ای آنان، زندگی را به کام ملتهای آنان تلخ کرده است؛ یا به سوریه که به جرم پشتیبانی از جریان مقاومت ضد صهیونیستی، آماج کینه‌ی سلطه‌گران بین‌المللی و کارگزاران منطقه‌ای آنان شده و به جنگ خونین داخلی گرفتار آمده است؛ یا به بحرین یا به میانمار که در هر یک به نحوی، مسلمانان محنت‌زده و مغفول، و دشمنانشان مورد حمایتند؛ یا به ملتهای دیگری که از سوی آمریکا و متحدانش، پی‌درپی به تهاجم نظامی یا تحریم اقتصادی یا خرابکاری امنیتی تهدید میشوند؛ میتوان چهره‌ی واقعی این سردمداران نظام سلطه را به همه نشان دهد. نخبان سیاسی و فرهنگی و دینی در همه جای جهان اسلام باید خود را به افشای این حقایق، متعهد بدانند. این وظیفه‌ی اخلاقی و دینی همه‌ی ما است. کشورهای شمال آفریقا که متأسفانه امروز در معرض اختلافات عمیق داخلی قرار گرفته‌اند، بیش از همه باید به این مسئولیت عظیم، یعنی شناخت دشمن و شیوه‌ها و ترفندهایش توجه کنند. ادامه‌ی اختلافات میان جریانهای ملی و غفلت از خطر جنگ خانگی در این کشورها، خطر بزرگی است که خسارت آن برای امت اسلامی به این زودی‌ها جبران نخواهد شد.

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور / ۱۳۹۳/۰۸/۲۹

ما با برخورد غیرخردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمع‌ی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را نشناسیم، اگر دوست را نشناسیم، دشمن را نشناسیم، اگر امروز نظام سلطه را نشناسیم، استکبار را نشناسیم، چطور میتوانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور میتوانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

آنچه برای ما مهم است این است که ما در رفتار خودمان، در گذشته‌ی خودمان تأمل کنیم و از ضعفهای خودمان و از فوتهای خودمان درس بگیریم؛ امروز هم همین است. کسی توهم نکند که آن کسانی که در مقابل انقلاب اسلامی با همه‌ی قوا ایستاده بودند، امروز منصرف شده‌اند؛ نه، امروز هم ایستاده‌اند؛ منتها هر دشمنی اگر چنانچه ناچار شد، عقب‌نشینی میکند؛ اگر مجبورشان کردید و وادارشان کردید به عقب‌نشینی، ناچار عقب‌نشینی میکنند؛ اما از دشمنی منصرف نمیشوند؛ امروز مسئله در دنیا این است. دشمن را باید شناخت، جبهه‌ی دشمن را باید شناخت، لبخند دشمن را نباید جدی گرفت، نباید فریفته‌ی آن شد، هدف را نباید فراموش کرد؛ هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمانهای اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی. این هدف را نباید فراموش کرد، باید دنبال کرد و باید یقین داشت که با ایمان راسخ، با ادامه‌ی راه، با بصیرت در امور پیرامونی و مسائل جاری، با بصیرت نسبت به دشمن و بصیرت نسبت به میدان عمل و جبهه‌ی مبارزه، پیروزی قطعی است؛ این را بایست توجه داشت. اینکه بنده مکرر عرض میکنم افق دید نظام جمهوری اسلامی، افق روشنی است، به‌خاطر این است؛ چون بحمدالله مردم ما، جوانان ما، مرد و زن ما، هم دارای ایمانند، هم دارای بصیرتند، هم دشمن را می‌شناسند، هم اهل کار و اهل عمل و اهل ابتکارند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

امروز متأسفانه انسان مشاهده میکند در برخی از فاصله‌ها و مقاطع حرفه‌ای زده میشود از سوی دشمنان؛ این برای مردم ما مایه‌ی عبرت است. در همین مذاکرات گوناگونی که در این روزها انجام میگردد، ملت ایران این مذاکرات را زیر نظر داشته باشند؛ اظهارنظرهای بی‌دبانهای مسئولان آمریکایی را مردم ببینند، زیر نظر داشته باشند، دشمن را بشناسند. بعضی‌ها میخواهند نظر مردم را از دشمنی دشمن منصرف کنند؛ نه، ببینید دشمنی را، ببینید دورویی را. مسئولین آمریکایی در جلسات خصوصی با مسئولین کشور ما یک‌جور حرف میزنند، بمجرد اینکه از آنها جدا میشوند، در بیرون یک‌جور دیگر حرف میزنند. مردم ایران این دورویی دشمن و نیت سو و پلید دشمن ما را ببینند؛ ملت توجه داشته باشد.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

دشمنان انقلاب ما امروز چه کسانی هستند؟ دشمنان انقلاب چند قدرت فاسد دنیاپند که در دنیا بی‌آبرو هستند؛ اینها دشمنان ملت ایرانند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

یک واقعیت دیگری که نباید غفلت کرد، دشمنی دشمنان ما است. از دشمنی دشمن نباید غفلت کرد. به قول سعدی: «دشمن چون از همه حیلتنی فروماند، سلسله‌ی دوستی بچیناند». آنگاه در دوستی کاری کند که هیچ دشمنی نکرده باشد؛ این را نباید فراموش کنیم؛ این واقعیتی است؛ دشمن ما هستند، دشمن اسلامند، دشمن استقلال ملی ما هستند و دشمن ملت ما هستند به‌خاطر این خصوصیات؛ بله، اگر چنانچه این ملت از انقلاب دست برمیداشت، از اسلام دست برمیداشت، خودش را تسلیم متجاوز و متعدی میکرد، از ملت ما خیلی هم راضی بودند، خیلی هم تعریف میکردند، اما با ملت بدند به‌خاطر این. قد بدت البغض من افواههم؛ حرفه‌ای هم که میزنند، نشان میدهد که چقدر این بغض و دشمنی عمیق است. و ما تخفی صدورهم اکبر؛ آن مقداری که میگویند بخشی از آن دشمنی‌ها است که اینها بر زبان می‌آورند، والا آنچه که در دلهاست آنها است بمراتب بیشتر است؛ این هم یک واقعیتی است که نباید از یاد برد و نباید فراموش کرد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

باید از دشمنی اشرار بیمناک نشویم. دشمنی بالاخره وجود دارد. هیچ ملتی که صاحب حرفی و ایده‌ای باشد و حرکتی بکند، از دشمنی دشمنان مصون نیست. امروز به نظر من اقبال ملت ایران این است که دشمن ملت ایران و دشمنان ملت ایران، جزو بدنام‌ترین‌ها در دنیا هستند. شما ملاحظه کنید، امروز دولت آمریکا در سطح بین‌المللی یک بازیگر خشن و آلوده‌ی به جنایت معرفی شده که واقعیت قضیه هم همین است. در سطح بین‌المللی دولت آمریکا امروز این است: یک بازیگر خشن، آلوده‌ی به جنایت، و بی‌بک از کارهای زشت، و ارتکاب خلاف حقوق ملتها و حقوق انسانها؛ در داخل کشور خودشان هم به‌عنوان یک دولت و یک رژیم دروغگو و مزور معرفی شده [که] وعده میدهد، عمل نمیکند. لذاست که اعتقاد مردم به این دولتها - هم به این رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، هم به رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - [در] نظرسنجی‌هایی که از مردم کردند، در حد بسیار پایینی بود؛ نشان میدهد که مردم اینها را قبول ندارند. خب، اینها دشمن ما هستند؛ دشمن ما یک دولت آبرومند، یک دولت حرف‌حساب‌دار نیست، اینها هستند. لذا از اینها نیابستی یک بیمی انسان به خودش راه بدهد. و اتکا به حمایت الهی امر بسیار مهمی است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

از دشمنی دشمن نباید غفلت کرد. به قول سعدی: «دشمن چون از همه حیلتنی فروماند، سلسله‌ی دوستی بچیناند». آنگاه در دوستی کاری کند که هیچ دشمنی نکرده باشد؛ این را نباید فراموش کنیم؛ این واقعیتی است؛ دشمن ما هستند، دشمن اسلامند، دشمن استقلال ملی ما هستند و دشمن ملت ما هستند به‌خاطر این خصوصیات؛ بله، اگر چنانچه این ملت از انقلاب دست برمیداشت، از اسلام دست برمیداشت، خودش را تسلیم متجاوز و متعدی میکرد، از ملت ما خیلی هم راضی بودند، خیلی هم تعریف میکردند، اما با ملت بدند به‌خاطر این. قد بدت البغض من افواههم؛ حرفه‌ای هم که میزنند، نشان میدهد که چقدر این بغض و دشمنی عمیق است. و ما تخفی صدورهم اکبر؛ (۱) آن مقداری که میگویند بخشی از آن دشمنی‌ها است که اینها بر زبان می‌آورند، والا آنچه که در دلهاست آنها است بمراتب بیشتر است؛ این هم یک واقعیتی است که نباید از یاد برد و نباید فراموش کرد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفیرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۳/۰۲/۰۶

دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه‌ی دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود؛ خب، این به ما لطمه میزند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی میکند، دچار ضعف میکند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است. امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبیر و اندیشه احتیاج دارد، به اثاره‌ی دفتان عقول احتیاج دارد؛ و بشیروا لهم دفتان العقول. نیاز مهم دیگر دنیای اسلام اتحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امت واحده تشکیل داد؛ ان هذه امتکم امه وحده و انا ربکم فاعبدون؛ خدای متعال این‌جور میفرماید. اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه‌ی واحد و قبه‌ی واحد، درمقابل داشتن جبهه‌ی واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتحاد دنیای اسلام؛ چرا عده‌ای نمیفهمند؟ چرا عده‌ای این حقایق روشن را درک نمیکنند؟ هدف آمریکا و جبهه‌ی غربی‌ها از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی چیست؟ چرا این را فکر نمیکنند؟ رژیم صهیونیستی غاصب - که امروز بزرگ‌ترین بلیه‌ی دنیای اسلام وجود این رژیم است - باید بتواند با آسودگی زندگی کند، بر مشکلات خودش فائق بیاید، بر عوامل نابودکننده‌ای که بحمدالله در ارکان آن رژیم غاصب وجود دارد فائق بیاید؛ این نمیشود مگر اینکه سر مسلمانها را بند کنند، بین آنها اختلاف بیندازند، مسائل کوچک را برای آنها بزرگ کنند.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

سیاست دشمنان اسلام این است که در کشورهای اسلامی در میان جوامع اسلامی و در امت اسلامی برادرکشی و جنگ داخلی را به نیابت از خودشان به‌راه بیندازند؛ خودشان کنار بنشینند و شاهد این باشند که ما به جان هم افتادیم. خب، اینجا باید دشمن را شناخت، باید توطئه‌ی دشمن را فهمید، این کمبود دنیای اسلام است. در میان امت اسلامی کسانی هستند که برای مقابله‌ی با برادران مسلمان خودشان با دشمنان اسلام دست‌به‌دست میدهند؛ امروز ما این را داریم؛ به شیطان نزدیک میشوند برای اینکه با برادران مسلمان خودشان بجنگند و مبارزه کنند و مقابله کنند؛ امروز کسانی هستند که حاضرند با رژیم صهیونیستی همکاری کنند، برای اینکه برادر مسلمان خودشان را به خاک بیندازند. انهم اتخذوا الشیطن اولیا من دون الله و یحسبون انهم مهتدون؛ (۱) با شیطان میسازند، دست‌به‌دست هم میدهند و گمان باطلشان این است که در راه هدایت دارند قدم برمیدارند. اینها معیارهای قرآنی است، اینها معیارهای روشنی است که قرآن در اختیار ما قرار میدهد، اینها را باید بفهمیم؛ کی میتوانیم بفهمیم؟ وقتی با قرآن انس داشته باشیم، وقتی دل خودمان را به روی قرآن باز کنیم.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

سیاست دشمنان اسلام این است که در کشورهای اسلامی در میان جوامع اسلامی و در امت اسلامی برادرکشی و جنگ داخلی را به نیابت از خودشان به‌راه بیندازند؛ خودشان کنار بنشینند و شاهد این باشند که ما به جان هم افتادیم. خب، اینجا باید دشمن را شناخت، باید توطئه‌ی دشمن را فهمید، این کمبود دنیای

اسلام است. در میان امت اسلامی کسانی هستند که برای مقابله با برادران مسلمان خودشان با دشمنان اسلام دست‌به‌دست می‌دهند؛ امروز ما این را داریم؛ به شیطان نزدیک میشوند برای اینکه با برادران مسلمان خودشان بجنگند و مبارزه کنند و مقابله کنند؛ امروز کسانی هستند که حاضرند با رژیم صهیونیستی همکاری کنند، برای اینکه برادر مسلمان خودشان را به خاک بیندازند. انهم اتخذوا الشیطان اولیا من دون الله و یحسبون انهم مهتدون؛ با شیطان می‌سازند، دست‌به‌دست هم می‌دهند و گمان باطلشان این است که در راه هدایت دارند قدم برمیدارند. اینها معیارهای قرآنی است، اینها معیارهای روشنی است که قرآن در اختیار ما قرار میدهد، اینها را باید بفهمیم؛ کی میتوانیم بفهمیم؟ وقتی با قرآن انس داشته باشیم، وقتی دل خودمان را به روی قرآن باز کنیم.

بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی / ۱۳۹۳/۰۲/۱۴

چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور برداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است. در شناخت دشمنان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستان اشتباه کنیم؛ جبهه دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه نکنیم، این هم خطر است. برادران عزیز، خواهان عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی میکند، اما اگر دقت کنید دشمنی او دشمنی اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگر؛ دشمن اصلی را پیدا کنید؛ والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل میرود، هم نتیجه‌ی کار نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد شد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها / ۱۳۹۳/۰۲/۱۱

مطمئناً انگیزه‌هایی وجود دارد در جبهه دشمنان ما برای متوقف کردن حرکت علمی کشور. حالا بعضی‌ها روی کلمه‌ی دشمن حساسیت دارند؛ به ما اعتراض میکنند که چرا مدام می‌گویید دشمن، دشمن؛ درحالی‌که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس»؛ مکرر گفته شده، مکرر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه میکنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم؛ نه، اعدی عدوک نفسک التی بین جنییک؛ (۱) از همه‌ی دشمنها بدتر، دشمن درونی ما است، دشمن خود ما است، نفس راحت طلب ما است، تنبلی ما است، تن‌آسایی ما است، عدم تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خوب، باید دشمن را شناخت، دید - حالا [اینکه] شما می‌گویید برخوردمان با دشمن این‌جور باشد، آن‌جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها / ۱۳۹۳/۰۲/۱۱

مطمئناً انگیزه‌هایی وجود دارد در جبهه دشمنان ما برای متوقف کردن حرکت علمی کشور. حالا بعضی‌ها روی کلمه‌ی دشمن حساسیت دارند؛ به ما اعتراض میکنند که چرا مدام می‌گویید دشمن، دشمن؛ درحالی‌که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس»؛ مکرر گفته شده، مکرر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه میکنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم؛ نه، اعدی عدوک نفسک التی بین جنییک؛ از همه‌ی دشمنها بدتر، دشمن درونی ما است، دشمن خود ما است، نفس راحت طلب ما است، تنبلی ما است، تن‌آسایی ما است، عدم تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خوب، باید دشمن را شناخت، دید - حالا [اینکه] شما می‌گویید برخوردمان با دشمن این‌جور باشد، آن‌جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خوب، وقتی این را فهمیدیم، برمیگردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، معنا پیدا میکند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است. آنوقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیریت، شما که استادی، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصه‌ی عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی. ما البته در گذشته، در یک دورانی، نمونه‌های نامطلوبی در دانشگاه داشتیم. کسانی را در یک دانشگاه معتبر کشور داشتیم که جوانهای نخبه را تشویق میکردند به ترک کشور؛ اینکه مکرر می‌گویند فرار مغزها، فرار مغزها؛ آدمهای داشتیم که دانشجوی نخبه را جستجو میکردند، پیدا میکردند، تشویق میکردند به اینکه کشور را ترک کنند و بروند؛ در یک دورانی این را داشتیم؛ و در یک دورانی دیدیم این را و گذراندیم این دوران را که در داخل وزارت کسانی بودند که در مقابل حرکت علمی و پیشرفت علمی مانع‌تراشی میکردند؛ [البته] ممکن است با دلایلی از نظر خودشان موجه، اما واقعیت همین بود که مانع‌تراشی بود. اینها نباید تکرار بشود؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند؛ به آن اهمیت نمیدهند؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند؛ اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک میکنند. این عرض اصلی ما است؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا کند و باید مضاعف بشود. عرض کردم - حالا جای تفصیل کلام در اینجا نیست - ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۲/۱۶

محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطقی عقلانی بوده است؛ براساس یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است؛ اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»؛ تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه‌ی عناصر قوه‌ی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

دانشجو در واقع جزو مجموعه‌هایی است که وجدان بیدار ملت را و جهت‌گیری‌های آن را نشان میدهد، لذا باید دانشجو خیلی آگاهانه با مسائل برخورد کند؛ وضعیت خود را، وضعیت محیط خود را، تهدیدها را، فرصتها را، دشمنها را، دشمنی‌ها را باید بشناسد. [البته] انتظار این را نداریم که دانشجو از درس و بحث و کار گوناگون، بزند و فقط به کار سیاسی بپردازد؛ نه، این [منظور] نیست؛ انتظار داریم که با چشم باز، با نگاه روشن، با احساس تکلیف و با انگیزه به مسائل نگاه کند؛ این انتظار ما از دانشجو است.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

در محیط دانشجویی، «رقابت گفتمانی» چیز خوبی است، در صورتی‌که با تحمل مخالف همراه باشد. از وجود مخالف نه باید انسان تعجب بکند، نه باید انسان خشمگین بشود، نه باید انسان بیمناک بشود؛ هیچ‌کدام از این سه حالت در قبال مخالف، قابل قبول نیست... محیطهای دانشجویی با همین نشاطی که بحمدالله امروز دارند، ادامه‌ی کار خواهند داد؛ یکدیگر را هم تحمل کنند، باهمدیگر حرف بزنند، با هم بحث بکنند، مباحثی را محکم کنند؛ اساس کار را هم در زمینه‌ی عملی، تقوا قرار بدهند و در زمینه‌ی فکری، حدمرز اسلامی و شناخت دشمن و شناخت شیوه‌های دشمنی که از سوی دشمن به کار می‌رود.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

امروز جبهه‌ی استکبار در تلاش و معارضه‌ی با این نظام است؛ هیچ‌کس تصور نکند که دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد؛ نه، آن‌وقتی که شما قوی باشید، آن‌وقتی که شما آماده باشید، آن‌وقتی که شما دشمن را و ترفندهای دشمن را بشناسید، دشمن بناچار از دشمنی دست خواهد کشید؛ آن‌وقتی که شما دچار غفلت باشید، به دشمن اعتماد کنید، آن‌وقت دشمن فرصت پیدا خواهد کرد که مقاصد خود و هدفهای خود را در کشور به‌وجود بیاورد. فشاری که امروز از ناحیه‌ی استکبار بر ملت ایران وارد می‌شود، ناشی از همان دشمنی عظیم و تمام‌نشدنی است؛ دشمنی تمام‌نشدنی است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

از جمله‌ی چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشمها، حيله‌گری اشخاص یا جهانی است که دارای ظاهر بزرگ و فربه‌ی هستند؛ آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حيله‌گر باشند. خب امروز آمریکا ظاهر فربه‌ی دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل موزی‌گری‌های آدمهای ضعیف هم باشد، ولی هست؛ اهل حيله‌گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این‌جوری است. ما نباید این‌جور تصور بکنیم که حالا اینها چون مثلا بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین احتیاجی ندارند به اینکه دست به حيله و خدعه بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم می‌کنند و واقعا خدعه‌گری می‌کنند؛ این ما را نگران میکند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک می‌شویم، لحن طرف مقابل - بخصوص لحن آمریکایی‌ها - تندتر، سخت‌تر، خشن‌تر می‌شود؛ این برای این است که جزو شگردهای اینها است، جزو حيله‌ها و خدعه‌های اینها است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۳/۰۶/۲۵

یک بعد دیگر از پاسداشت انقلاب و پاسداری انقلاب، شناخت دشمن است؛ دشمن را بشناسیم. البته شماها دشمن را می‌شناسید؛ دشمن استکبار جهانی است که مظهر کاملش هم، آمریکا است و عواملش هم رژیم‌های مرتجع و آدمهای خودفروخته و آدمهای ضعیف‌النفس و مانند اینها هستند؛ دشمن برای شما شناخته‌شده است؛ بایستی از این شناخت استفاده کرد. نقاط ضعف دشمن را -نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن را- باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسانهایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کشیده بشود، کشاند. دشمنان انقلاب اسلامی همان کسانی هستند که ده پانزده سال قبل وارد منطقه شدند، شعارشان ایجاد امنیت بود؛ امروز شما نگاه کنید کجای این منطقه امنیت دارد؟ ناامنی سراسر این منطقه را گرفته؛ غرب آسیا و شمال آفریقا، وقتی به افغانستان حمله کردند، شعارشان مبارزه با تروریسم بود [اما] امروز تروریسم همه‌ی منطقه را فرا گرفته؛ آن هم چه تروریسمی! تروریسم وحشی و خشن؛ تروریسمی که آدمهای انسانها را -دشمنان خودشان را- زنده‌زنده در آتش جلوی چشم همه می‌سوزانند؛ از امکانات گوناگون فنی هم استفاده می‌کنند برای اینکه این منظره را درست به چشم و باور همه‌ی مردم دنیا منتقل کنند و منعکس کنند؛ تروریسم این‌جوری! عناصر تکفیری امروز این‌جور هستند؛ بچه را در مقابل مادرش میکشند، پدر و مادر را در مقابل فرزندان‌شان سر می‌برند. اینها آمده بودند تروریسم را در منطقه با این شعار و با این ادعا -نمی‌گویم خواست واقعی‌شان این بود؛ شعارشان این بود- از منطقه برچینند؛ امروز کجای منطقه تروریسم نیست؟ آمده بودند به ادعای خودشان دموکراسی ایجاد کنند؛ امروز مرتجع‌ترین و مستبدترین و دیکتاتورترین رژیم‌های این منطقه به کمک آمریکا و متحدین آمریکا دارند سر پای خودشان می‌ایستند و به جنایات خودشان ادامه می‌دهند. واقعا یکی از مشکلات اساسی آمریکا این است؛ این مشکل به پروپا سیاستمداران آمریکا هم پیچیده؛ حسابی درگیرند. از رژیم‌هایی حمایت می‌کنند که در طول سالهای متمادی شعار ضد دیکتاتوری و شعار حقوق بشری آنها با وجود این رژیم‌ها نقض می‌شود؛ این الائن در بین روشنفکران و نخبگان سیاسی و فکری آمریکا، حسابی مسئله ایجاد کرده؛ نمیتوانند جواب بدهند؛ این دشمن یک چنین موجودی است. دشمنی که در مقابل ما است، آن مسئله‌ی حقوق بشرش، آن مسئله‌ی دموکراسی‌اش، آن مسئله‌ی تروریسمش، آن مسئله‌ی ایجاد امنیتش، آن مسئله‌ی صلح؛ می‌گفتند ما می‌جنگیم برای صلح؛ کو صلح؟ همه‌ی منطقه را آلوده به جنگ کردند؛ کجای این منطقه الان جنگ نیست؟ دشمن این است. آن‌که انقلاب در مقابل او ایستاده، آن‌که شما در مقابلش سینه سپر کرده‌اید، این است؛ یک چنین موجودی با این همه تناقض، با این همه نقطه‌ی ضعف، با این همه خلل معرفتی و عملی؛ این است آن دشمن. یکی از خصوصیات پاسداری از انقلاب این است که چشم را باز کنیم، اینها را ببینیم، دشمن را بشناسیم؛ هم انقلاب را بشناسیم، هم دشمن را بشناسیم؛ حالا این هم مربوط به پاسداری. البته در مورد پاسداری و معنای پاسداری و عمق این معنا هم باز اگر کسی بخواهد حرف بزند، یک کتاب حرف هست.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

بارها ما گفته‌ایم که ما شروع‌کننده‌ی جنگ نخواهیم بود؛ دلایل خودمان را داریم برای این کار؛ هیچ جنگی را ما شروع نمی‌کنیم اما باید جرئت شروع جنگ را از دشمن گرفت، دشمن را باید شناخت، طبیعت دشمن را باید شناخت. امروز دستگاه‌های استکباری در این منطقه هدفهای خطرناکی را برای خودشان تعریف کرده‌اند؛ اینها هدفهایی است که با سرنوشت ملتها سروکار پیدا میکند. ابزارهایی هم که به کار می‌گیرند، ابزارهای بسیار خطرناک و غیر انسانی و سبانه است؛ یعنی هیچ ابزاری ندارند روشهایی را به کار بگیرند که انسانهای بی‌گناه کشته بشوند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۸/۱۲

تکیه‌ی ما بر دشمنی دشمنان خارجی به معنای اعماض از ضعفهای درونی خودمان نیست. این را به شما جوانهای عزیزم عرض بکنم؛ ما در درون خودمان ضعفهایی داریم؛ دشمن در موارد زیادی از ضعفهای ما استفاده می‌کند؛ این ضعفها را باید برطرف کنیم. ما ضعف در سیاست‌گذاری داریم؛ ضعف در اجرا داریم؛ ضعف در تلاش داریم؛ گاهی دچار تنبلی و دچار کاهلی در حرکتها، خودمان می‌شویم؛ ضعف در [تشخیص] اولویتهای کشور داریم؛ گاهی اوقات سر یک چیز جزئی، گروه‌هایی در درون کشور از خودمان با هم‌دیگر درگیر می‌شوند، سر یک امری که ضرورتی هم ندارد، لزومی هم ندارد؛ از دشمن غافل [می‌شویم]؛ اینها ضعفهای ما است؛ این ضعفها را بایستی برطرف کرد. لکن وجود دشمن -دشمنی که آگاه است، دشمنی که پول خرج میکند، دشمنی که اگر بتواند از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کند- یک چیزی است که نباید مغفول‌عنه بماند. بعضی‌ها به بهانه‌ی همین مسائل جزئی داخلی، دشمن خارجی را فراموش می‌کنند، این‌که امام (رضوان‌الله‌علیه) مکرر تکرار می‌کردند که هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، به‌خاطر این است؛ بر سر یکدیگر کمتر فریاد بکشید. نمی‌گویم انتقاد نکنیم؛ نه، بالاخره جامعه، جامعه‌ی آزادی است، افکار آزادند، حق انتقاد وجود دارد، انتقاد هم مایه‌ی پیشرفت است اما دشمن اصلی را با دشمنان درجه‌ی دو و با دوستانی که با آنها اختلاف نظر داریم و دشمن هم حتی نیستند، اشتباه نگیریم؛ دشمن اصلی جای دیگر است. دشمن اصلی آن دشمنی است که با همه‌ی توان درصدد این است که دستاورد عظیم ملت ایران را از او بگیرد؛ این دستاورد عبارت است از حضور ملت، حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم؛ این

آن دستاورد بزرگ است که ما را به پیشرفت میرساند؛ تا امروز هم پیشرفت‌های زیادی کرده‌ایم، بعد از این هم همین ما را به آرمانهایمان خواهد رساند. این را می‌خواهند از دست مردم بگیرند؛ می‌خواهند حکومت ظالمانه، حکومت دست‌نشانده، حکومتی دلباخته به غرب و تسلیم غرب و مرعوب غرب به وجود بیاورند، هدفشان این است؛ این را بایستی از یاد ببریم و این دشمن را در نظر داشته باشیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

عرض کردم که امید و تکلیف و مسئولیت، متوجه به علمای اسلام و به روشنفکران راستین در دنیای اسلام است؛ باید با مردمشان حرف بزنند، با سیاستمداران نشان هم حرف بزنند - بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام وجدانهای بیداری دارند؛ این را ما از نزدیک تجربه کردیم- می‌توانند نقش ایفا کنند. عرض من در این جلسه این است: ما از یادبود ولادت پیغمبر این بهره را ببریم که کاری را که اسلام در روز اول کرد که احیای دنیای مرده‌ی آن زمان بود، وجهی همت خودمان قرار بدهیم؛ و این احتیاج دارد به عقل، به خردمندی، به تدبیر، به بصیرت، به شناخت دشمن؛ دشمن را بشناسیم، توطئه‌های دشمن را بشناسیم، فریب دشمن را نخوریم. خداوند متعال باید به ما کمک کند، ما را در صراط مستقیم خودش قرار بدهد و ثابت‌قدم بدارد. شاعر عرب درست گفته است که:

الدهر یقظان و الاحداث لم ینم

فما رقادکم یا افضل الامم(۹)

وقتی که دنیای قدرت، دنیای زر و زور با همه‌ی امکانات خود متوجه شما است، شما حق ندارید چرت بزنید، حق ندارید خواب بروید.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

من، هم به مردم عزیزمان عرض می‌کنم، هم به مسئولین محترم عرض می‌کنم: همه‌ی سیاستهای ما، همه‌ی رفتارهای ما باید با توجه به وجود یک جبهه‌ی دشمن وسیع باشد؛ باید همه‌ی توجه ما به این باشد. هیچ انسانی را، هیچ مجموعه‌ای را مردم ستایش نمی‌کنند وقتی که از وجود دشمن غفلت کند؛ تعریف نمی‌کنند که دل اینها با همه خوش است. خوب بله، او لیخنند میزند، شما هم لیخنند میزنی اما مواظب باش که پشت این لیخنند چیست! دشمنی‌ها را نباید فراموش کرد، دشمنها را نبایستی از یاد برد. یک جبهه‌ی دشمن در مقابل ما وجود دارد. ما امروز در مسئله‌ی امنیتان، در مسئله‌ی اقتصادمان، در معیشتان، در فرهنگمان، در مسئله‌ی جوانها، در مسئله‌ی آسیب‌های اجتماعی باید توجه کنیم که نقش این دشمن چیست و در همه‌ی مسائل براساس این سیاست‌گذاری کنیم، براساس این قانون‌گذاری کنیم، براساس این اقدام کنیم، براساس این حرف بزنیم. غفلت از دشمن افتخار ندارد؛ بدانیم دشمن هست. بعضی‌ها اعتراض می‌کنند که آقا، شما چرا دائما می‌گویید دشمن دشمن؛ خوب [اگر] نگوییم، یادمان می‌رود که دشمن داریم و آنوقت دشمن در غفلت ما می‌آید هر کار دلش خواست می‌کند. هم دشمن را باید شناخت، هم دشمنی‌های او را باید شناخت، هم به قول سعیدی که می‌گوید -شبییه این عبارت- دشمن چون از همه کار فرو ماند، سلسله‌ی دوستی بچیناند؛ وقتی سلسله‌ی دوستی چنابند، آنوقت کاری کند که هیچ دشمنی نتواند کرد؛ (۶) یعنی در لباس دوستی ضربه را وارد کند. همه‌ی ما باید حواسمان به این چیزها باشد. خوب، بحمدالله فعالیت‌های مسئولین کشور خوب است، حقا و انصافا دارند فعالیت می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ منتها مراقبت مضاعف لازم است؛ چون این دشمن دشمن نابکاری است، دشمن وقیح و بی‌حیانی است.

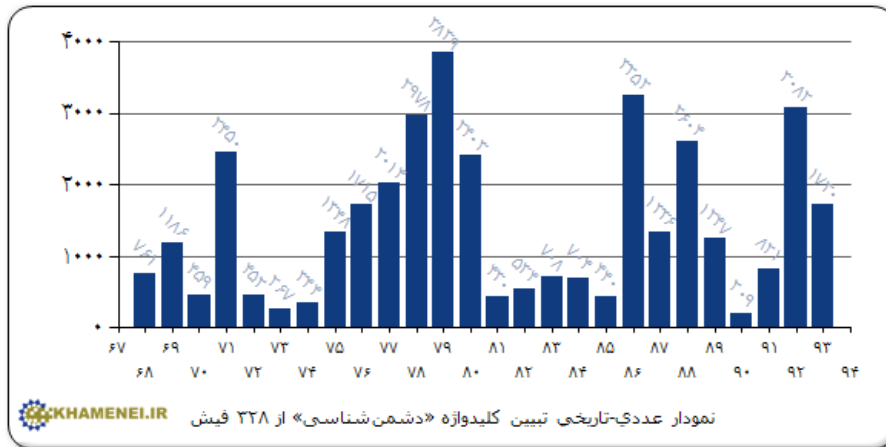
بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

گاهی دشمنان موانعی [برای پیشرفت] ایجاد می‌کنند. بله، عاقلانه است که انسان برود با تدبیر، این موانع را برطرف کند، اما به دشمن اطمینان نمی‌شود کرد؛ یک نمونه‌اش همین مذاکرات هسته‌ای و برجام است که امروز مسئولین دستگاه دیپلماسی خود ما و همان کسانی که در این مذاکرات از اول تا آخر حضور داشتند، همینها دارند می‌گویند آمریکا نقض عهد کرده است، آمریکا زیر ظاهر آرام و زبان چرب و نرم مسئولاننش و وزیر خارجه‌اش و دیگران، از پشت دارد تخریب می‌کند، مانع ارتباطات اقتصادی کشور با کشورهای دیگر دنیا است؛ این را مسئولین خود برجام دارند می‌گویند. این حرفی است که بنده البته از یک سال پیش و یک‌سالونیم پیش، مرتب تکرار کردم که به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد -بعضی‌ها سختشان بود قبول کنند- اما امروز خود مسئولین ما [می‌گویند]، همین هفته‌ی گذشته، مسئولین محترم مذاکره [کننده‌ی] ما با طرفهایشان در اروپا جلسه داشتند؛ همین حرفها را مسئولین ما به آنها گفتند و آنها جواب نداشتند؛ گفتند شما این نقض عهد را کردید، این تخلف را کردید، این کاری را که باید انجام میدادید انجام ندادید، از پشت سر این‌جور تخریب کردید، آنها هم جوابی نداشتند بدهند؛ شش ماه هم از امضای برجام می‌گذرد، هیچ تأثیر محسوس و ملموسی هم در وضع معیشت مردم به وجود نیامده است؛ [درحالی‌که] خوب، برجام اصلا برای برداشتن تحریمها بود؛ برای اینکه تحریمهای ظالمانه برداشته بشود. مگر غیر از این است؟ خوب برداشته نشده؛ حالا می‌گویند بتدریج، یواش یواش دارد درست میشود؛ مگر بحث سر یواش یواش بود؟ آن روز مسئولین، هم به ما میگفتند، هم به مردم میگفتند که در این مذاکرات، قرار بر این است که وقتی ایران تعهدات خود را انجام میدهد، یکبار همه‌ی تحریمها برداشته بشود؛ یعنی این مانعی که آمریکا سر راه ملت ایران ظالمانه و خیانت‌آمیز به وجود آورده بود، برداشته بشود؛ خوب حالا شش ماه از این موعد گذشته است، برداشته نشده؛ شش ماه برای یک مملکت هشتاد میلیونی زمان کمی است؟ در این شش ماه دولت محترم کم میتوانست کار بکند اگر چنانچه این خیانت آمریکایی‌ها نبود؟ این برجام شد برای ما یک نمونه، یک تجربه. بنده سال گذشته در سخنرانی عمومی -یا سال گذشته بود یا یک‌سالونیم پیش بود؛ درست یادم نیست تاریخش-(۲) گفتم برجام و این مذاکرات هسته‌ای، برای ما یک نمونه خواهد بود؛ ببینیم آمریکایی‌ها چه کار میکنند؛ اینها که حالا با زبان چرب و نرم می‌آیند، گاهی نامه مینویسند، اظهار ارادت میکنند، اظهار همراهی میکنند، در جلسات مشورتی و مذاکرات که می‌نشینند، با زبان چرب و نرم با مسئولین ایرانی صحبت میکنند، خیلی خوب ببینیم در عمل چه کار میکنند. حالا معلوم شد در عمل چه کار میکنند؛ در ظاهر وعده میدهند، با زبان چرب و نرم حرف می‌زنند اما در عمل توطئه میکنند، تخریب میکنند، مانع از پیشرفت کارها میشوند؛ این شد آمریکا؛ این شد تجربه. حالا آمریکایی‌ها می‌گویند بیاید درباره‌ی مسائل منطقه با شما صحبت کنیم! خوب، این تجربه به ما می‌گوید این کار برای ما سم مهلک است.

این تجربه به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمیتوانیم [با او] مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف می‌زند اما دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهدات خود نخواهد زد. با این دشمن میشود حرف هم زد، بله؛ اما وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابائی ندارد و نقض عهد میکند، بعد هم وقتی می‌گویم آقا چرا [نقض عهد] کردی، باز لیخنند می‌زنند، باز زبان چرب و نرم را باز میکند و یک جور توجیه میکند، با این [دشمن] نمی‌شود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سالها است دائم تکرار می‌کنم که با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم علتش این است. این نشان‌دهنده‌ی این است که [مشکلات] ما در این مسئله، در مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمی‌شود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب بکنیم، آن راهمان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بود، بگذارید دشمن دنبال شما بود. مسئولین سیاسی و دیپلماسی ما صریحا می‌گویند که آمریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند، [اما] هیچ چیز ندهند! [اگر] یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می‌آیند. اینکه ما مدام می‌گویم مذاکره نمی‌کنیم، [ولی] بعضی‌ها می‌گویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است؛ شما را از راه صحیح خودت منحرف میکند، امتیاز را از شما می‌گیرد -وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشستن و گعده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر- و آنچه را باید بدهی از شما می‌گیرد، [اما] آنچه را باید بدهد، به شما نمی‌دهد؛ زورگویی میکند؛ خوب مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن، پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را تخلف می‌کند. خوب امام بزرگوار ما فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ واقعا این تعبیر، تعبیر فوق‌العاده‌ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل می‌کند که شیطان در قیامت به کسانی که از او

متابعت کرده‌اند میگوید: ان الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم؛ (۴) شیطان به پیروان خودش میگوید خدا وعده‌ی روراست درست به شما داده بود، شماها از وعده‌ی خدا پیروی نکردید، پابند نماندید؛ من وعده‌ی دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید! من تخلف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این‌جور در قیامت ملامت میکند. بعد هم خدای متعال میفرماید از قول شیطان که به آنها میگوید که «فلا تلومونی ولوموا انفسکم»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عینا امروز منطبق است با آمریکا. حالا شیطان در قیامت این حرف را میزند، آمریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را میزنند؛ وعده میدهند، عمل نمیکنند، تخلف میکنند. امتیاز نقد را میگیرند، امتیاز نسیه را نمیدهند؛ وضع آمریکا این است. خب، پس به دیگران نباید اعتماد کرد.

این حرفهایی که زده میشود در مورد مسائل کلان کشور و سیاستهای کلان کشور را جوانهای عزیز ما بنشینند رویش فکر کنند؛ اینها ناشی از تجربه است، ناشی از شناختن دشمن و شناختن وضع است. این حرف همین‌جوری نیست که انسان یک چیزی بگوید تا یکی هم بیاید آن طرف یک جوابی بدهد «که نخیر این‌جوری نیست»؛ نه، اینها را جوانهای عزیز [دقت کنید]. خوشبختانه ما جوانهای باهوش و بااستعداد در کشور خیلی داریم؛ بنشینند تحلیل کنند، آنوقت راه مشخص خواهد شد.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «دشمن‌شناسی» :

دشمن‌شناسی از دیدگاه امام علی(ع) / نویسنده : احمد خاتمی / ۱۳۷۸/۰۲/۰۱

دشمن‌شناسی / نویسنده : احمد بهشتی / ۱۳۸۱/۰۵/۰۵